





مجموعه حاضر، نکات و محورهای راهبردی و اساسی رهنمودها و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در موضوع علم و فناوری است. این مجموعه برگرفته از مجموعه موضوعی دیدگاه‌ها و رهنمودهای معظم له در خصوص علم و فناوری طی دوره رهبری (سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹) است که تحت عنوان «منشور فرهنگی انقلاب اسلامی - علم و فناوری» قبلاً با مدیریت و نظارت جناب آقای محسن آژینی تدوین گردیده است. مجموعه حاضر همانند مجموعه تفصیلی، به صورت موضوعی تنظیم و اغلب موضوعات در هر دو مجموعه، مشترک هستند.

با توجه به اهمیت علم و فناوری در کشور و جهش و خیزشی که طی سالهای اخیر به سمت پیشرفت علمی و فناوری ایجاد شده و با کلیدواژه‌ها و گفتمان‌های مهم مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مانند: «جنبش نرم افزاری» و «نهضت تولید علم» همراه بوده است لذا در تدوین رهنمودها و دیدگاه‌های فرهنگی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به این موضوع اولویت داده شد. علاوه بر این، اکنون بررسی نقشه جامع علمی و فناوری کشور که در آن اهداف، چشم‌انداز، اصول، سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای علم و فناوری تعیین شده در شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال نهایی شدن است. با توجه به اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی طی ۲۱ سال رهبری پربرکت‌شان به ویژه در سالهای اخیر، بیشترین و دقیقترین خطوط، راهبردها و رهنمودها را در خصوص علم و فناوری مطرح و تبیین نموده‌اند لذا محورها و نکات اساسی و راهبردی از مجموعه فرمایشات و بیانات معظم‌له استخراج و تنظیم و به شکل مجموعه حاضر بعنوان چراغ راه در اختیار تدوین کنندگان، تصویب کنندگان و مجریان نقشه جامع علمی کشور قرار می‌گیرد. امید است این مجموعه بتواند شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر مسئولان، مدیران، برنامه‌ریزان، کارشناسان، استادان، معلمان، دانشجویان و همه کسانی که در حوزه علم و فناوری نقش دارند را در امر بسیار خطیر و مهم پیشرفت علمی و فناوری کشور یاری رساند.

محمد رضا مخبر دزفولی

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی



# فهرست مطالب

## یادآوری چند نکته

### فصل اول: علم و فناوری ..... ۱

- ۱- اهمیت و نقش علم و دانش..... ۱
- ۲- علم و دین ..... ۲
- ۳- اهمیت و نقش فناوری ..... ۳
- ۴- تحقیقات و نوآوری ..... ۴
- ۵- جهاد علمی ..... ۶
- ۶- عقب ماندگی علمی..... ۷
- ۷- نقشه جامع علمی کشور..... ۷
- ۸- شورای عالی انقلاب فرهنگی و علم و فناوری..... ۸
- ۹- جوانان و علم و فناوری..... ۱۰
- ۱۰- رسانه ملی و علم و فناوری ..... ۱۱
- ۱۱- استقلال علمی و تبادل علمی..... ۱۲
- ۱۲- علم و فناوری و قدرت های استکباری ..... ۱۴
- ۱۳- فناوری هسته ای ..... ۱۵

### فصل دوم: پیشرفت علمی و فناوری ..... ۱۷

- ۱- ضرورت و اهمیت پیشرفت علمی و فناوری کشور ..... ۱۷
- ۲- مهمترین راهبردها و راهکارهای پیشرفت علمی و فناوری کشور ..... ۲۰
- ۳- نقش ایمان و روحیه دینی و انقلابی در پیشرفت علمی و فناوری..... ۲۱
- ۴- نقش خودباوری و اعتماد به نفس در پیشرفت علمی و فناوری ..... ۲۱
- ۵- نهضت تولید علم و جنبش نرم افزاری ..... ۲۲

### فصل سوم: آموزش عالی ..... ۲۵

- ۱- تغییر و تحول در نظام آموزش عالی ..... ۲۵
- ۲- علوم انسانی ..... ۲۷
- ۳- اهمیت و نقش دانشگاه ..... ۲۹
- ۴- اسلامی شدن دانشگاه ها ..... ۳۰
- ۵- دانشگاه، انقلاب و نظام..... ۳۳

۳۶	۶- دانشگاه و سیاست .....
۳۸	۷- روحانیت و دانشگاه .....
۴۲	۸- وحدت حوزه و دانشگاه .....
۴۲	۹- دانشگاه و آزاداندیشی .....
۴۶	۱۰- دانشگاه، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم .....
۴۹	۱۱- مدیریت دانشگاه‌ها .....
۵۰	۱۲- استادان و اعضاء هیأت علمی .....
۵۴	۱۳- زنان و دانشگاه .....
۵۶	۱۴- جهاد دانشگاهی .....
۵۸	۱۵- نقش و وظایف دانشجویان .....
۶۰	۱۶- دانشجویان و پیشرفت علمی کشور .....
۶۱	۱۷- دانشجویان و گفتمان عدالتخواهی .....
۶۲	۱۸- تشکل‌های دانشجویی .....
۶۷	۱۹- دانشجویان بسیجی و بسیج دانشجویی .....

#### فصل چهارم: نخبگان علمی .....

۶۹	۱- نقش و رسالت نخبگان علمی .....
۷۱	۲- مهاجرت نخبگان و فرار مغزها .....
۷۲	۳- وظایف مسئولان در قبال نخبگان علمی .....
۷۴	۴- بنیاد نخبگان .....

#### فصل پنجم: آموزش و پرورش .....

۷۷	۱- اهمیت و نقش آموزش و پرورش .....
۸۲	۲- جایگاه و نقش معلمان .....
۸۷	۳- تحول در آموزش و پرورش .....
۸۹	۴- آموزش و پرورش، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم .....

## یادآوری چند نکته:

- < در مجموعه حاضر، تمام تلاش بر این بوده که کلیه نکات و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اعم از آنچه که در سخنرانی‌ها، بیانات و دیدارهای ایشان آمده و نیز آنچه که در مکتوبات مانند پیام‌ها، سیاست‌های کلی و... مطرح شده و به نوعی به موضوع علم و فناوری مرتبط است، دیده و گردآوری شود و حتی‌الامکان نکته یا مطلبی حذف نگردد.
- < منبع اصلی این مجموعه، پایگاه اطلاع رسانی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir) بوده است منتهی با توجه به اهمیت دیدارهای شورای عالی انقلاب فرهنگی با معظم له و نکات مهم و اساسی که در این دیدارها مطرح شده، استثنائاً از برخی از این دیدارها که در پایگاه اطلاع رسانی نیامده نیز استفاده شده است.
- < در مجموعه حاضر با توجه به اینکه هدف اصلی، بیان محورها و نکات اساسی و راهبردی بوده است، لذا عین عبارات معظم له نیامده هر چند سعی شد که عبارات، حتی‌الامکان به ادبیات معظم له نزدیک باشد. به هر حال روح و مضمون موردنظر ایشان دقیقاً و کاملاً حفظ شده است.
- < تمام نقل قول‌ها و عبارات مندرج در این مجموعه، دقیقاً برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است که در جلد اول منشور فرهنگی انقلاب اسلامی - علم و فناوری (مجموعه موضوعی رهنمودها و دیدگاههای فرهنگی رهبر معظم انقلاب اسلامی) بطور کامل و بصورت تفصیلی همراه با آدرس آمده است لذا در این مجموعه به منظور اجتناب از تکرار، مأخذ ذکر نشده و علاقمندان می‌توانند برای ملاحظه مأخذ به مجموعه تفصیلی مراجعه نمایند.

محسن آذینی

مدیر پروژه





### ۱- اهمیت و نقش علم و دانش

- < برای گسترش آرمان های والا و ارزش های حقیقی و فضائل انسانی ناگزیریم از علم و شرافت ذاتی آن استفاده کنیم.
- < باید به دانش های جدید و اعماق جدید دانش های موجود برسیم؛ یعنی دانش ها یا اعماقی از دانش ها که امروز برای بشر نامعلوم و کشف نشده است.
- < ضرورت استقرار روح علمی و علم گرایی در جامعه و در متن مردم
- < آثار حاکمیت روح علمی در جامعه: آموختن علم، فهم بهتر جهان و زندگی و دین و فرار از بی علمی و بی سوادی.
- < علم مهمترین سلاح مبارزه با ظلم و ستم است.
- < کار علمی دارای اهمیت درجه یک است.
- < علم برای سعادت یک جامعه کافی نیست اما یک شرط لازم و بسیار مهم است.
- < شکر علم به آنست که درست و در جای خود مصرف شود.
- < برنامه ریزی در کشور باید عالمانه و مدبرانه باشد.
- < علم با ارزش است و علمی که غایت و هدف های مشخص داشته و به پیشرفت و توسعه کشور کمک کند، با ارزش تر است.
- < علم قدرت است. هر کس دانش بدست آورد قدرتمند ی و قدرت نمایی می کند و هر کس به دست نیابرد مغلوب دیگران می شود.
- < علم، عامل قدرت و امنیت ملت است.
- < علم، مایه، اقتدار است. هر کس آن را به چنگ بیاورد قدرت را بدست آورده و می تواند بر دیگران غلبه و تحکم کند و هر کس آن را به دست نیابرد بر او غلبه خواهد شد و

- کسی که علم دارد بر او تحکم خواهد کرد. زورگویی غربی‌ها به خاطر علم آنهاست و اینکه توانسته‌اند آن را به فناوری و بعد، به قدرت‌های دیگر تبدیل کنند.
- < رمز و محور اصلی پیشرفت همراه با اقتدار کشور، علم است.
  - < علم، محور توسعه حقیقی کشور است.
  - < ضرورت ارتقاء کارآمدی نظام با تکیه بر علم، عقل و عزم.
  - < اگر علم نداشته باشیم، اقتصاد، صنعت، مدیریت و مسائل اجتماعی مان هم عقب خواهد ماند.
  - < برای مقابله با استکبار باید مجهز به علم باشیم چون آنها هم به وسیله علم بر دنیا مسلط شده‌اند.
  - < علم وسیله رفاه زندگی است.
  - < در شرایط امروز آموختن رشته‌های مختلف علوم برای همه در جامعه یک وظیفه شرعی است، علاوه بر آنکه یک وظیفه اجتماعی هم هست.
  - < کسانی که می‌توانند درس بخوانند و تخصصها را پیدا کنند واجب است درس بخوانند.
  - < کسی که معلومات دارد می‌تواند رفتار خود را کنترل کند و آنرا با حقیقت تطبیق دهد.
  - < مهم در جامعه، داشتن معلومات، انس با کتاب و تعلیم و تعلم است.
  - < مسئله علم و تحقیق و پژوهش مهمترین مسئله است.

## ۲- علم و دین

- < علم باید در خدمت عدالت، انسانیت، صلح و امنیت باشد. این دیدگاه اسلام نسبت به علم است.
- < دنبال علمی هستیم که ما را به معنویت، انسانیت، خدا و بهشت نزدیک کند.
- < جامعه متکامل، یک جامعه پیچیده و دارای تکنولوژی برتر نیست، یک جامعه اخلاقی و دارای معرفت صحیح است.
- < تفاوت نگاه دین با نگاه دنیای مادی در این است که از نظر دین، علم وسیله سعادت انسان و رشد و شکوفایی بشر و استقرار عدالت در جهان و مقابله با بی‌عدالتی است اما در نگاه مادی اینگونه نیست.
- < نگاه اسلام به علم، یک نگاه شریف، نظیف، دور از هوا و هوس و معناگراست.

- < پیشرفت علمی بایستی با نگاه بومی و با تکیه بر فرهنگ اسلام و موارث ملی پسندیده باشد.
- < علم بدون ایمان و ایمان بدون علم، کار را پیش نمی برد.
- < علم اگر با هدایت ایمان، عواطف صحیح و معرفت روشن بینانه و آگاهانه همراه شود معجزات بزرگی می آفریند.
- < ضرورت توأم کردن معرفت علمی با معرفت دینی و اخلاقی
- < تزکیه و تعلیم باید با هم باشد و از هم جدا نشود.
- < تلفیق علم و ایمان به این معنی است که علم ابزار است و ایمان، جهت به کارگیری آن را مشخص می کند.
- < نفس دارا بودن علم در اسلام یک ارزش است.
- < اگر اخلاق اسلامی را گسترش بدهیم، روحیه دانش دوستی هم در آن هست.
- < عالم و دانشمند متدین لازم داریم نه عالم بدون تدین یا ضد دین.
- < اهمیت ایمان و علم و عزم و اراده متکی بر این دو

### ۳- اهمیت و نقش فناوری

- < علم باید ناظر به فناوری باشد.
- < علوم پایه، مبنای نظری تحرک علمی و فناوری های پیشرفته است.
- < علم به تنهایی کافی نیست، علوم باید به فناوری وصل شود و فناوری به صنعت و صنعت به تولید کشور؛ علمی که به فناوری و تولید وصل نشود، فایده ای ندارد و نافع نیست.
- < عملی و کاربردی کردن علم با توجه به نیازهای کشور مهم است.
- < فناوری ها ابزارهای خیلی خوبی هستند برای این که انسان بتواند از نعمات خدادادی بهتر استفاده کند؛ گناه مال کسانی است که از آنها در جهت تخریب و ظلم استفاده می کنند.
- < از دانش و فناوری برای نشر ارزش ها و معارف حقیقی در دنیا استفاده کنید.
- < ضرورت اولویت دادن به فناوری های مورد نیاز کشور و عدم سرمایه گذاری برای فناوری ها و صنایع لوکس.
- < ضرورت کسب دانش و فناوری های نو و نرم افزارهای پیشرفته دفاعی.
- < ضرورت استفاده بهینه از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی.

- < ضرورت توسعه علوم و فناوری های مرتبط با امنیت فضای تبادل اطلاعات .
- < پرتاب ماهواره امید یک فناوری مهم است .
- < ضرورت رشد صنعت دانش محور.
- < ضرورت تقویت تحقیقات در جهت توسعه فناوری.
- < ضرورت ارتقاء توان رقابتی صنایع از طریق تحقیقات و توسعه فناوری.
- < ضرورت کسب کلیه فناوری ها به ویژه فناوری های نو مانند: ریز فناوری و فناوری های زیستی، اطلاعات و ارتباطات، زیست محیطی، هسته‌ای و هوافضا.

## ۴- تحقیقات و نوآوری

- < ضرورت ابداع و نوآوری در وادی علم
- < ضرورت تقویت تحقیقات و توسعه فناوری
- < دستگاه های صنعتی و دولتی مرتبط با صنعت باید روی مسئله تحقیقات خیلی تلاش و سرمایه گذاری کنند.
- < ضرورت ارتقاء توان رقابتی صنایع از طریق تحقیقات و توسعه فناوری
- < ضرورت باز کردن راه های نو و گشودن افق های جدید علمی
- < هر چه بودجه تحقیقات رشد کند زیاد نیست.
- < نوآوری باید در همه زمینه ها انجام گیرد.
- < امروز تشویق به نوآوری جزو شعارهای مکرر جامعه و نظام است.
- < نواندیشی و نوآوری علمی باید یک فرهنگ بشود. مخاطب نواندیشی هم فقط اساتید نیستند، دانشجویان و محیط های علمی هم هستند.
- < ضرورت ایجاد و حمایت از شهرک های تحقیقاتی و علمی و گسترش آنها.
- < مجلس برای حمایت از تحقیقات قانونگذاری کند.
- < دولت بودجه لازم را برای تحقیقات تخصیص دهد.
- < جزو اولین اولویت های کشور، تحقیق و علم است.
- < مشکلات کشور در بلندمدت تنها از راه علم و تحقیق قابل حل است.
- < برای رشد علم، تحقیق لازم است.
- < ضرورت تقویت روحیه پرسشگری و تحقیق و قانع نشدن از لحاظ علمی

- < نوآوری، نیاز کنونی حرکت کشور است.
- < نگاه مبتکرانه به مسائل دینی و فکری همان نگاه روشنفکری است و معنایش هم بدعت گذاری نیست بلکه به این معنی است که همان مبانی اصیل را با ابعاد جدیدی که انسان با گذشت زمان می شناسد، می فهمیم و بیان می کنیم.
- < نوآوری، خط بطلان کشیدن برگزیده نیست، تکیه کردن به گذشته برای ساختن آینده است.
- < کسانی که صلاحیت علمی ندارند، اگر بخواهند نوآوری کنند به مُهمَل گویی می افتند که در زمینه برخی از علوم انسانی و معارف دینی این را می بینیم.
- < همه علوم اعم از صنعتی و فنی، علوم انسانی، علوم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سایر علوم که برای اداره جامعه لازم است، به نواندیشی و نوآوری علمی یعنی اجتهاد احتیاج دارد.
- < نفی تحجر، ایستایی و جز می گرایی
- < معنای نوآوری و خلاقیت این نیست که اصول پذیرفته شده منطقی و عقلانی زیرسؤال برود. نوآوری، به معنی پیشرفت و تکامل در اموری است که رو به تکامل هستند. نوآوری های غیرمنطقی و غیرمعقول درست نیست.
- < نوآوری یعنی پیش بردن حرکت های تکاملی در میدان های موجود
- < نباید نوآوری به نتایج غیرمنطقی و نابخردانه منجر شود. نباید با هر چه که سنت است یا از نسل قبل است یا قدیمی است به صرف نوآوری مبارزه شود. این منطقی نیست و عقل آن را نمی پذیرد.
- < ابتکار و نوآوری فی نفس ارزش نیست بلکه برحسب نیازها و اقتضائات ارزش است. نوآوری اگر برحسب نیاز و اقتضائات نباشد چیز خوبی نیست.
- < تحقیق علمی ضد تقلید است
- < ضرورت ورود جوانان مسلمان به مراکز تحقیقاتی و نفی حضور عناصری که به نظام و اسلام و مسلمین ضربه می زنند.
- < ضرورت توجه به سرعت نوآوری در علوم و روش ها
- < برای نوآوری علمی (که در فرهنگ اسلامی همان اجتهاد است) دو چیز لازم است: اول قدرت علمی و دوم جرأت علمی.
- < برای فراگیری علم، قدرت علمی، هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان نیاز است.

- < ضرورت مدیریت و جهت گیری و هدایت درست علمی شهرکهای علمی و تحقیقاتی و نیز برنامه ریزی، هدف گذاری و مصرف بهینه بودجه آنها
- < ضرورت جهت دهی به تحقیقات. تحقیقات باید در جهت ها و به سوی هدف های مشخص به کار بیفتند.
- < تحقیقات باید در جهت تکمیل چرخه فنی و علمی و تحقیقاتی کشور باشد.
- < پراکندگی در تحقیقات کارها را بی فایده یا کم فایده می کند.
- < ضرورت تشکیل سمینارهای واقعی و کاری علمی و تحقیقاتی.
- < ضرورت حذف بودجه کارهای تشریفاتی و ظاهری و مراکز غیراولویت دار و اختصاص آنها به مراکز و کارهای پژوهشی.
- < مدیریت تحقیقات جزو مسائل بسیار اساسی است. تحقیقات باید دارای مدیریت مناسب باشد.
- < اعتبارات تحقیقات باید طبق مصوبات و برنامه تأمین بشود. نه تنها نباید کم بشود بلکه باید رشد کند.
- < ضرورت اجتناب از کارهای نمایشی و ویتروینی در حوزه علم و تحقیقات
- < ضرورت حذف تحقیقات موازی غیرضروری
- < ضرورت رعایت وزن و سهم تحقیقات بنیادی، کاربردی و تجربی
- < پژوهش ها باید سمت و سوی پرداختن به نیازهای کشور را پیدا کند.
- < مرکز ISI جهانی، مقالات محققان ما را خصوصاً در زمینه علوم انسانی چاپ نمی کند چون با مبانی آنها سازگار نیست.
- < ضرورت ایجاد یک مرکز ISI اسلامی معتبر با هماهنگی کشورهای اسلامی.
- < نباید با مجلات علمی دنیا یا ISI قطع ارتباط کنیم.
- < کار علمی و تحقیقی به نظارت، اشراف، برنامه ریزی، جهت دهی و تعیین هدف و راهبرد نیاز دارد.
- < دانشگاه ها اعتبارات تحقیق را درست جذب و مصرف کنند و در جای خود به کار ببندند.

## ۵- جهاد علمی

- < ضرورت جهاد فکری و علمی توسط جامعه دانشگاهی

- < پیشرفت علمی باید با خودباوری، امید به موفقیت و حرکت جهادگونه همراه باشد.
- < با روحیه جهادی کار علمی بهتر انجام می‌شود
- < عدم منافات کار علمی با روحیه و فرهنگ جهادی.
- < کار علمی جهادی باید هدفمند و متوجه به آرمان‌ها، هوشمندانه، عاقلانه و دشمن شکن باشد.
- < جهاد علمی جزو مبانی اصول‌گرایی است.
- < جهاد علمی یکی از بزرگترین فرائض ماست .
- < جهاد علمی یعنی تلاش بی وقفه، همراه با خطرپذیری معقول و امید به آینده در جهت پیشرفت

## ۶- عقب‌ماندگی علمی

- < ملتی که دستش از علم خالی است نمی‌تواند توقع عزت، استقلال، هویت، شخصیت، امنیت و رفاه داشته باشد.
- < عقب‌ماندگی علمی حتماً عقب‌ماندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به دنبال دارد.
- < هر کس به عقب‌ماندگی علمی کمک کند به آمریکا کمک کرده است.
- < ضرورت یافتن و اتخاذ راه‌های میانبر برای جبران عقب‌ماندگی‌های علمی

## ۷- نقشه جامع علمی کشور

- < ضرورت داشتن نقشه جامع علمی برای رسیدن به هدف چشم‌انداز بیست ساله نظام و سپس تهیه راهبردهای عملیاتی و برنامه‌ریزی‌های زمان‌دار و منظم برای تحقق این نقشه
- < ضرورت داشتن نقشه کلی برای پیشرفت علم در کشور که مسائل علم، تحقیقات و نحوه اتصال آنها و چگونگی حرکت علمی آینده کشور را تعیین نماید.
- < نقشه جامع علمی، دستورالعمل برنامه‌ریزی‌های علمی آینده کشور است.
- < برنامه‌ریزی علمی دانشگاه‌ها و آینده کشور باید مبتنی بر نقشه جامع علمی باشد.
- < ضرورت نقشه جامع علمی برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز در حوزه علم و فناوری و کسب مرجعیت علمی در جهان

- < تقسیم امکانات در رشته های گوناگون علمی، یک تقسیم عادلانه و صحیح و منطبق با نیازهای کشور نیست. یک جاهایی رشد چشمگیر داشته ایم. ولی یک جاهایی حرکت مطلوب نیست که این ناشی از نبود نقشه جامع علمی است
- < ضرورت ایجاد توازن و تعادل واقعی و صحیح و عادلانه بین رشته های علمی چه در آموزش و چه در پژوهش از طریق نقشه جامع علمی به منظور ارتقاء مرتبه علمی و نهادینه شدن علم در کشور
- < ضرورت توازن در نگاه مسئولان نسبت به رشته های علمی که وابسته و تابع نقشه جامع علمی است
- < ضرورت استفاده از زبندگان و نخبگان و صاحبان اندیشه در حوزه و دانشگاه و آموزش و پرورش و سایر حوزه های ذیربط در تهیه نقشه جامع علمی
- < ضرورت مشارکت دانشگاه ها در تهیه نقشه جامع علمی کشور
- < ضرورت مشارکت اساتید، محققین، دانشمندان و علمای دانشگاهی در تهیه نقشه جامع علمی
- < ضرورت مشارکت نخبگان، فرزندان و برجستگان در تهیه نقشه جامع علمی
- < نقشه جامع علمی دائمی نیست، مدت دار و زمان دار است و شاید ده سال دیگر به کلی تغییر کند.
- < شورای عالی انقلاب فرهنگی متولی و مسئول تهیه نقشه جامع علمی کشور است.

## ۸- شورای عالی انقلاب فرهنگی و علم و فناوری

- < امروز وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی در قبال مسائل علم و فناوری به این دلایل اهمیت مضاعف یافته است:
- پیشرفت کشور و گسترش دامنه نیاز به دانش و تخصص و فراگیری علوم و فنون و پرورش محققان و نوآوران و استادان و متخصصان کارآمد،
- توسعه دانشگاه ها و پژوهشگاه ها و دیگر مراکز آموزشی و آموزش عالی،
- افزایش چشمگیر کمیّت دانشجویی کشور.



- < تکالیف و اولویت های شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه علم و فناوری: ۱- کیفیت بخشیدن به مایه های علم و تحقیق در کشور ۲- پرداختن به تربیت معنوی دانشجویان و هدایت فکر و عمل آنها
- < شورای عالی انقلاب فرهنگی مرکز سیاستگذاری علمی و فرهنگی است که فراتر از مراکز قانونگذاری است و با برنامه ریزی های کلان سر و کار دارد.
- < شورای عالی انقلاب فرهنگی مرکز تعیین سیاست های کلان آموزشی و علمی دستگاه های ذیربط است.
- < ضرورت توجه شورای عالی انقلاب فرهنگی به ایجاد هماهنگی کامل بین بخش های مرتبط با دانش و علم و فناوری مانند دانشگاه و صنعت، نخبگان و مراکز تحقیقاتی و... به ویژه هماهنگی بین خود مراکز علمی مهم مانند وزارت علوم و بهداشت و درمان، معاونت علمی رئیس جمهور، بنیاد نخبگان، سازمان پژوهش های علمی و صنعتی و ...
- < ضرورت ارتباط، همکاری و هم افزایی بین بخش های علمی و خنثی نکردن کارهای یکدیگر و پرکردن حلقه های مفقوده
- < شورای عالی انقلاب فرهنگی جایی است که خیلی دستخوش تغییر نیست و می تواند به نظام آموزشی و کل مسائل فرهنگی کشور یک نگاه اساسی و بلند مدت و فارغ از دسته بندی های زمانی و سیاسی و ... داشته باشد.
- < نوسازی نظام آموزشی کاری لازم و از وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی است.
- < ضرورت فکر بلند نگر و استراتژیک شورای عالی انقلاب فرهنگی برای نظام آموزشی عالی
- < ضرورت تغییر و اصلاح نظام قدیمی مبتنی بر حافظه محوری در نظام آموزشی کشور چه در آموزش و پرورش و چه در آموزش عالی. باید به نظام های پیشرفته روز دنیا توجه کنیم و وضع موجود را بطور دفعی یا تدریجی تغییر دهیم. محل این کار هم شورای عالی انقلاب فرهنگی است.
- < تأکید بر وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص ترویج نهضت نظریه پردازی و تولید علم
- < شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش در تحول نظام آموزش و پرورش نقش مهمی دارند.
- < ضرورت توجه شورای عالی انقلاب فرهنگی و مسئولان به اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهها

- < تأکید بر وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه توجه به نخبگان جوان علمی و دانشگاهی
- < ضرورت پرداختن شورای عالی انقلاب فرهنگی به مسأله تربیت و نیز ارتباط آموزش و پرورش و آموزش عالی و سیاستگذاری در مورد آن
- < ضرورت ارتباط دایمی نخبگان حوزه و دانشگاه با شورای عالی انقلاب فرهنگی و اطلاع آنها از کارشورا
- < ضرورت وجود سیستم منظم در وزارتخانه های علوم و بهداشت و درمان برای بازسازی برنامه های نظام آموزشی. البته مسائل فرابخشی و سیاست های کلی آن باید در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح بشود.
- < پیگیری همه کارها برای حمایت از تحقیقات با شورای عالی انقلاب فرهنگی است یعنی شورا باید از دولت، مجلس و .... مطالبه و پیگیری کند.
- < ضرورت حمایت و تقویت دفاتر و نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی از طریق تصویب مقررات لازم و ...
- < مدیریت های دانشگاهی و شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه دینی کردن دانشگاه وظیفه دارند
- < یکی از کارهایی که باید در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصمیم گیری و اجرا شود نحوه استفاده از مدیران و اساتید وفادار به دین و نظام اسلامی و انقلاب است.
- < لزوم توجه ویژه به آموزش و پرورش از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مسئولان کشور.

## ۹- جوانان و علم و فناوری

- < بزرگترین ظرفیتها و فرصت‌های تعلیم و تربیت در کشور، نسل جوان مستعد و فضای آماده و آزاد کشور است. علما، روشنفکران و دانشمندان از این فرصت حداکثر استفاده را ببرند. دل‌های جوانان را به نور معارف اسلامی روشن کنند. فکر آنها را با منطق استوار مسلح کنند. آفاق آینده را برای آنان ترسیم کنند و در دل‌های آنان نور امید بتابانند و سایه شوم یأس و ناامیدی را از آنان برطرف کنند و ذهن آنها را از تحجر و ایستایی و بی‌بندوباری فکری و پاره‌گرایی برحذر دارند.

- < برخی نگاه‌های منفی و بدبینی‌ها نسبت به وضعیت جوانان جامعه درست نیست، برخی افراد فقط ظواهر را می‌بینند در حالی که در بطن این ظواهر، جریان عظیم نجابت و دیانت و اصالت و نورانیت در جوانان مشاهده می‌شود.
- < گرایش‌های افراطی و تفریطی در جوانان یعنی نادیده گرفتن شخصیت و اراده و فهم و توانایی‌های بی‌کران آنها و متهم کردن آنان به چیزهای ناپسند. از یک طرف جوان را بازیچه مطامع و اهداف سیاسی قراردادن و استفاده ابزاری از او و از طرف دیگر تعریف و تجلیل لفظی کردن از جوان کار درستی نیست.
- < ضرورت پیشبرد علم و فناوری در همه حوزه‌ها اعم از سیاسی، اخلاقی، دینی و در صورت ضرورت نظامی توسط جوانان.
- < مهمترین مسئولیت جوان با استعداد کنونی، عبور از گردنه‌های علم و معرفت برای رسیدن به قله‌های کمال است.
- < توانایی‌های دوره جوانی باید عمده‌تاً در تحصیل علم و تقوا و تهذیب و ورزش به کار رود.
- < باید زمینه اشتغال کامل و راضی‌کننده جوانان اهل علم و دانش و فناوری در کشور وجود داشته باشد.
- < ضرورت تقویت امید در جوانان برای پیشرفت علمی کشور
- < جوانان همان قدر که برای علم کار می‌کنند برای معنویت هم کار کنند.
- < ضرورت ارتقاء عملی و علمی و اخلاقی نسل جوان.
- < تربیت معنوی و دینی و تحصیل علوم و معارف و دانستن تاریخ و پیشرفت‌های علمی کشور برای نسل جوان لازم است.

## ۱۰- رسانه ملی و علم و فناوری

- < وظیفه رسانه ملی ایجاد فضای مناسب در جامعه و مردم نسبت به علم و پرورش نخبگان علمی و ... است.
- < ضرورت تکریم و بزرگداشت نخبگان در رسانه‌ها خصوصاً رسانه ملی چرا که نخبگان قله هستند و جوانان به آنها نگاه می‌کنند و به سوی آنها حرکت می‌کنند لذا نخبگان باید ترویج شوند.

صد و سیما و رسانه‌ها نباید الگوهای نامناسب را برای جوان ترویج کنند مانند افراد بی‌علم و هنری که پول در بیاورند و خوش بگذرانند بلکه باید ارزش علم و دانش و فناوری را الگو و محور قرار دهند.

## ۱۱- استقلال علمی و تبادل علمی

- ◀ ضرورت برنامه‌ریزی برای استقلال حرکت علمی کشور از تحمیل و اثر گذاری بیگانه و غربی‌ها
- ◀ هیچ ملتی از علوم دیگران بی‌نیاز نیست. استقلال علمی به معنی عدم داد و ستد علمی با دیگران نیست. حتی در اوج پیشرفت علمی هم باید تبادل علمی باشد. استقلال علمی یعنی اینکه تبادل یک طرفه نباشد. هم ما تولید علم داشته و به دیگران بدهیم و هم در عوض، آنچه را که خودمان انتخاب می‌کنیم از آنها بگیریم.
- ◀ ضرورت دریافت علم از دیگران حتی از دشمن.
- ◀ در تبادل علمی نباید تحت تأثیر دشمن قرار گرفت یعنی باید مراقب بود تا به نام علم، سیاست و فرهنگ و چیزهایی از این قبیل را به ما تحمیل نکنند.
- ◀ ضرورت بومی کردن دانش و فناوری برای کسب استقلال علمی.
- ◀ تا ده یا بیست سال آینده باید به یکی از ردیف‌های علمی بالای دنیا برسیم و در ظرف پنجاه سال آینده نیز باید به استقلال کامل علمی برسیم.
- ◀ اگر جامعه‌ای نسبت به علم حساسیت داشته باشد، وقتی با کشورها و ملت‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کند، اول سعی می‌کند علم آنها را بگیرد.
- ◀ هم دانش جهان و هم دانش ما متعلق به همه انسان‌هاست و هیچ کس حق انحصار علم را ندارد.
- ◀ ضرورت تکیه بر نیروهای داخلی در پیشرفت علمی.
- ◀ تبادل درست علمی با دیگران این است که ما علم و فن دیگران را از آنها بگیریم و فرهنگ و معلومات خودمان را به آنها منتقل کنیم نه اینکه مثل سابق علم آنها را نگیریم و فرهنگ فاسد شان را بگیریم.
- ◀ تماس و ارتباط علمی با هر کشوری خوب است.
- ◀ باید صادر کننده علم به دنیا باشیم.

- < واردات علم باید با صادرات علم تناسب داشته باشد. هم علم را از آنها بگیریم و هم تولیدات علمی مان را به آنها بدهیم.
- < اگر تراز علمی ما در روابط علمی با دیگران مثبت باشد خیلی خوب است یعنی صادرات علمی ما بیش از واردات علمی مان باشد چه علوم طبیعی و ریاضی و مهندسی و چه علوم انسانی.
- < روی نظریات علمی دنیا کار کنیم، نظریه پردازی کنیم و نکات تازه‌ای را به آنها بیفزاییم یا اشکالاتشان را تصحیح کنیم.
- < علم باید در سطح جهان عادلانه توزیع شود.
- < اقتباس علمی از غرب خوب است اما اکتفا به ترجمه آثار آنها خوب نیست.
- < خوبی علم یک ملت لزوماً به معنی خوبی فرهنگ آن ملت نیست. برتری علمی غرب به معنی برتری فرهنگ آن نیست.
- < نفی غرب، نفی علم و فناوری غرب نیست بلکه نفی سلطه غرب است.
- < تحسین پیشرفت علمی غرب اشکال ندارد ولی تحقیر کردن خود اشکال دارد.
- < غربیها با تلاش برای وابسته کردن کشورها، جلوی تبادل علمی و تکنولوژی را گرفتند.
- < برخی از خلیقات مثبت غربی‌ها: خطرپذیری، شجاعت و دنبالگیری بویژه در کار علمی.
- < ارزش علم برتر از آن است که انسان به خاطر دشمنی با کسی از آن صرف نظر بکند.
- < ارتباط با شرکتها و دستگاه‌های علمی آمریکا ایرادی ندارد، حساسیت ما روی ارتباط با دولت آمریکا است.
- < ضرورت تعادل و توازن در رابطه علمی با کشورها ( موازنه بین صادرات و واردات علم).
- < مشکل آمریکا و غرب پیشرفت علمی آنها نیست، پیشرفت علمی آنها خوب است. آنها چون زحمت کشیده و تلاش کرده اند به این پیشرفت رسیده اند و این سنت الهی است که هر کس تلاش کند پیشرفت می کند. مشکل آنها یک بُعدی بودن و عدم توجه به معنویت و انسانیت است.
- < دشمن به راحتی علم و فناوری به ما نمی دهد. وقتی می دهد که بداند ما در درون و مستقل از او هم پیشرفت می کنیم.

## ۱۲- علم و فناوری و قدرت‌های استکباری

- < اگر ما از لحاظ علم و تکنولوژی قوی تر از غرب بودیم نه تنها نمی توانستند فرهنگ فاسد خود را به ما منتقل کنند بلکه از فرهنگ ما نیز تأثیر می پذیرفتند.
- < غریبها به برکت علم و فناوری خود، فرهنگشان را هم رایج می کنند .
- < علمی شدن تهاجم فرهنگی غرب طی یکی دو قرن اخیر و در نتیجه پیچیده تر و مؤثرتر شدن آن
- < در مقابل استفاده استکبار از فناوری های نوین (مانند ماهواره) در تهاجم فرهنگی نباید منفعل و تسلیم شد بلکه باید راه مقابله علمی و فنی آن را پیدا کرد .
- < غرب در تهاجم همه جانبه خود و در سایه متاع دانش خود که همه به آن احساس نیاز می کنند، فرهنگ ضد دین و ضد اخلاق خود را هم به جوامع دیگر صادر می کند.
- < ربایش مغز ها و استعدادها توسط بیگانگان غلط است و ما مخالف آن هستیم.
- < استکبار برای ادامه تسلط خود بر ملت ها، با استقلال علمی آنها مقابله می کند.
- < نظام سلطه می خواهد نظم کنونی جهان را حفظ کند لذا با رشد علمی و استقلال علمی کشورها مقابله می کند. این استراتژی نظام سلطه است.
- < اصولاً استعمار به دلیل سوء استفاده سلطه گران از برتری علمی خود برای مقاصد سیاسی و اقتصادی بوجود آمد.
- < دشمن می خواهد نگذارد جمهوری اسلامی از طریق رشد صنعتی و فنی و علمی روی ملت ها اثر بگذارد.
- < تلاش استکبار برای بازداشتن ملت از پیشرفت در زمینه علوم و روش ها و معارف و صنایع جدید از طریق محاصره اقتصادی و جنجال تبلیغاتی (مانند مسئله هسته ای)
- < مقابله استکبار با پیشرفت علمی ما برای آن است که نگذارند ملت های مسلمان از ما الگو بگیرند.
- < هدف استکبار مغز جوان ایرانی است.
- < دشمنان از پیشرفت علمی کشورهای اسلامی می ترسند.
- < تلاش دشمنان برای عقب نگهداشتن ملت های مسلمان از قافله دانش و فناوری
- < علت اصلی دشمنی آمریکا با ما به خاطر پیشرفت علمی ملت ایران است.
- < تبلیغات استکبار علیه دستاوردهای علمی کشور اعم از دفاعی و غیردفاعی.

- < انحصار علمی و فناوری از سوی هرکشوری غلط است و باید شکسته شود
- < ضرورت مبارزه با انحصار علم و فناوری در سطح جهان
- < ضرورت مقابله با آپارتاید علمی
- < تلاش کشورهای پیشرفته برای ایجاد انحصار علمی
- < باید از محاصره علمی کشورهای جهان سوم توسط استکبار خودمان را خارج کنیم.
- < فقدان آزادی علمی و تحقیقاتی در آمریکا و غرب و عدم قبول و تحمل دستاوردهای علمی کشورهای اسلامی
- < کار علمی نباید متوقف شود. دشمن نباید بتواند در کار علمی اخلال کند.

### ۱۳- فناوری هسته‌ای

- < پیگیری دانش و فناوری هسته‌ای یک وظیفه ملی است
- < ایستادگی ما در موضوع فناوری هسته‌ای به این دلیل است که اولاً نیاز ملی است و اگر الان دنبال نشود بعداً ضربه آن را خواهیم خورد و دچار عقب ماندگی خواهیم شد، ثانیاً انفعال در مقابل دشمن او را تشجیع می‌کند و جلوتر خواهد آمد.
- < ضرورت ایستادگی در مقابل فشار خارجی برای حذف دانش هسته‌ای
- < با بمب اتمی مخالفیم ولی برای کسب و حفظ دانش هسته‌ای تلاش می‌کنیم.
- < سلاح اتمی نمی‌خواهیم. سلاح اتمی ما ملت و جوانان دانشمند ما هستند. از لحاظ شرعی، سلاح اتمی، هم تولیدش، هم نگه داشتن و هم کاربردهای اشکال دارد.
- < به هیچ وجه حق نداریم فناوری اتمی را از دست بدهیم.
- < فناوری هسته‌ای برای جلوگیری از وابستگی به بیگانه و حفظ استقلال ملی است.
- < فناوری هسته‌ای یک فناوری با ارزش و محصول یک دانش پیشرفته است که برای زندگی مردم و تولید انرژی نیز لازم خواهد بود.
- < اهمیت دانش و فناوری هسته‌ای از کشف نفت خیلی مهمتر است.
- < انرژی هسته‌ای برای کشور ما یک نیاز بلندمدت است چون یک روزی نفت و انرژی‌های فسیلی تمام خواهند شد و در آن روز، انرژی هسته‌ای می‌تواند برق و سایر انرژی‌های مورد نیاز را تأمین کند.
- < فناوری ما در زمینه‌هایی مانند هسته‌ای بومی است نه وابسته

- < نقش ایمان، همت و غیرت جوانان دانشمند و متخصص ما در پیشرفت‌های هسته‌ای، سلول‌های بنیادی و ...
- < دانش و نیروگاه هسته ای وابسته و نیازمند به غربی ها را نمی خواهیم. ما دانش مستقل و متکی به خود می خواهیم.
- < فناوری هسته ای ما کاملاً بومی و غیروابسته است.
- < ملت ایران زیربار تبلیغات و خواست استکبار در مورد فناوری هسته ای نخواهد رفت و این فناوری را از دست نخواهد داد.
- < تلاش استکبار از یک طرف متهم کردن نظام به تلاش برای تولید بمب اتم و از طرف دیگر ناامید کردن مردم و دانشمندان ما از دست یابی به فناوری هسته ای است.
- < تلاش عناصر وابسته یا ناآگاه داخلی علیه دانش هسته ای ملت ایران
- < خلط کردن بین دانش هسته ای و سلاح هسته ای، ترفند دشمن است.
- < نگرانی دشمنان در مورد دستیابی ما به فناوری هسته ای دو دلیل دارد: اول مستقل شدن ایران در تولید سوخت و انرژی هسته ای از آمریکا و دوم، بومی بودن این فناوری و مستقل بودن آن از لحاظ علمی.
- < ضرورت استقامت در مقابل فشارهای دشمنان علیه فناوری هسته ای
- < دلیل نگرانی دشمن در جنجال هسته ای، شکل گیری یک ایران قدرتمند و پیشرفته به ویژه از لحاظ علمی و فناوری است.
- < دروغ پراکنی آمریکا در مورد انرژی هسته ای و متهم کردن ایران به ساخت سلاح هسته ای



### ۱- ضرورت و اهمیت پیشرفت علمی و فناوری کشور

- < ضرورت پیشرفت علمی سریع کشور.
- < ضرورت حرکت به سمت اوج قله ی علم و فناوری به ویژه فناوری های نوین.
- < ضرورت شکستن مرزهای دانش و عبور از آن.
- < ضرورت توجه به اهداف سند چشم انداز در بخش های علمی و دانشگاهی و سنجش میزان پیشرفت به سمت این اهداف.
- < ضرورت مطرح کردن و عرضه اختراعات و اکتشافات صد درصد ایرانی و پیشرفت های علمی کشور در دنیا.
- < ضرورت تقویت امنیت و اقتدار ملی از طریق رشد علمی و فناوری کشور.
- < ۵۶ ضرورت قرار گرفتن کشور در خط مقدم علم در دنیا.
- < انگیزه ما خدمت به بشریت از راه پیشرفت علمی است، نه جهان گشایی و جهان گیری.
- < ضرورت توجه جدی به هدف سند چشم انداز در حوزه علم (کسب رتبه اول علمی در منطقه)
- < ضرورت کسب مرجعیت علمی کشور و زبان فارسی در جهان (که راه آن رشد و پیشرفت علمی ما در دنیاست).
- < پیشرفت علمی باید در رأس همه کارهای اساسی برای پیشرفت همه جانبه کشور باشد.
- < ضرورت توسعه، تعمیم و تعمیق علم در کشور.
- < باید برای کشورهای اسلامی الگوی پیشرفت علمی بشویم.
- < ضرورت برداشتن خیز بلند و کار مبنایی و عمیق در زمینه پیشرفت علمی.

- < ضرورت افزودن بر ثروت علمی بشر با توجه به وجود صدها میدان ناشناخته برای بشر در میدان علم
- < تا پنجاه سال دیگر ایران باید در مرتبه بالای علمی در دنیا باشد. شرایط رسیدن به این هدف : تنبلی نکردن، غفلت نکردن، خسته نشدن، از ورود در این راه وحشت نکردن، پرورش دادن و میدان دادن به نخبگان علمی و مضاعف کردن تلاش هاست. این‌ها وظایف دولت است.
- < باید برنامه ریزی برای پیشرفت علم در افق پنجاه سال آینده صورت گیرد. باید هدف این باشد که پنجاه سال بعد، کشور یکی از مراجع عمده و درجه اول علمی دنیا باشد. این یک آرزو و یک قله دست یافتنی است.
- < اگر ملت ایران بتواند خودش را به قله های پیشرفت و علم و ترقی برساند یک دروازه عظیمی را جلوی راه ملت ها باز می کند.
- < پیشرفت و حرکت علمی برای کشور ما به دلیل عفت ماندگی های ده ها سال قبل از انقلاب، یک نیاز و تأکید مؤکد و مضاعف است.
- < علم و پیشرفت علمی و فراگیری، نیاز اول کشور ماست البته در همه علوم نه فقط علوم تجربی.
- < امروز یکی از پایه ای ترین گفتمان های کشور باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد
- < پرچم جمهوری اسلامی در صورت پیشرفت توان علمی و اعتلای سطح زندگی مادی، در جهان سرپا و پیروز خواهد ماند.
- < کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد. مقدمات آن عبارت است از: خود آگاهی و احساس اینکه ما می توانیم و باید بتوانیم، تهیه نقشه جامع علمی کشور که دچار سردرگمی نباشیم و بعد از آن ایجاد نظام مهندسی این نقشه و تبدیل نقشه جامع علمی به صدها پروژه علمی و سپردن آنها به پیمانکاران امین که همین دانشگاه ها و اساتید و مراکز علمی و تحقیقاتی هستند و بعد ایجاد شبکه نظارت بر پیشرفت علمی. اینها همه باید در طرح مهندسی نقشه علمی دیده شود.
- < سرعت رشد علمی ما باید از متوسط رشد علمی دنیا بیشتر باشد.
- < تحریم اقتصادی می تواند یک فرصت برای پیشرفت علمی و فنی ما باشد
- < فرصت‌ها و ظرفیت‌های ایران برای پیشرفت علمی: ملت بزرگ و باهوش و با استعداد و جوان و بیدار و زنده، اکثریت جوان کشور، موقعیت خوب طبیعی کشور و منابع غنی

زیرزمینی و جمعیت خوب، جغرافیای مناسب، موقعیت مناسب جهانی از لحاظ زمین و جمعیت، سابقه و گذشته مناسب علمی و فرهنگی، نظام جمهوری اسلامی که امکان حضور و بروز استعداد و فعالیت و تلاش و رشد و تکامل علمی و فکری را به مردم می دهد، متدین و مردمی بودن مسئولان و دولت و مجلس، خط پیروی از اسلام و از همه بالاتر، خط استقلال و عدم قبول سلطه بیگانه

◀ دلایل امکان پیشرفت علمی کشور: بالاتر بودن استعداد ملت ما از سطح متوسط دنیا، بالا بودن تعداد افراد با استعدادهای درخشان، وجود استعدادهای استثنایی و نوابغ و دینداری مردم.

◀ جهالت های گوناگون مانع اصلی پیشرفت علم است.

◀ پایه پیشرفت های علمی کشور در دوران دفاع مقدس گذاشته شد.

◀ عنصر اصلی در پیشرفت علم، نیروی انسانی علاقمند است (در کنار تحقیقات، بودجه، فضا و میدان کار، اتصال دانشگاه و صنعت و... که اینها نیز جزو لوازم پیشرفت علمی است).

◀ آگاهی به استعدادهای خودی و نیز دشمنان و معارضان، دومبنای مهم برای پیشرفت های عظیم علمی است.

◀ مدیریت علمی در پیشرفت علمی بسیار مهم است.

◀ رشد علمی کشور یک فرایند است و در این فرآیند، مراکز علمی بویژه دانشگاه با حلقه های قبل و بعد از خود مرتبط می باشد. برای تأمین رشد علمی باید این فرایند را تأمین و تضمین کنیم. یعنی از دبستان تا مقاطع عالی دانشگاه و بعد تا مراکز تحقیقاتی و صنعت و فناوری و ایجاد جهش در فناوری های گوناگون باید در این فرآیند دیده شود. این کار علاوه بر وزارت آموزش عالی و بهداشت و درمان و آموزش و پرورش، بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک مجمع سیاست گذار و سیاست ساز و تصمیم گیر است.

◀ اهمیت خطرپذیری و پشتکار برای پیشرفت علمی.

◀ رشد علمی و ارتقای مدیریت های کشور از لحاظ سطح علمی، یکی از آرمان های ما در تحول همراه با پیشرفت کشور است.

◀ دنبال روی از غرب در زمینه های علمی و نظریات علمی و نا امید و مأیوس شدن از رسیدن به اهداف از لحاظ علمی یکی از بیراهه های پیشرفت است.

◀ پیشرفت علم، هم به فرهنگ حمایت از علم و پژوهش و کارهای مدیریتی و هم علاقه و اراده و همت جوانان نیاز دارد که این حتی مهمتر از اولی است.

- < صبر و پایداری، عامل پیشرفت ملت در علم و فناوری
- < محیطی که در آن امید نباشد ضد پیشرفت است.
- < محیط هرج و مرج، ضد پیشرفت است.
- < نفی جمود و تحجر و خودباختگی و تقلید و تاکید بر نشاط اجتهادی و تولید فکر علمی و دینی در جریان پیشرفت علمی کشور.

## ۲- مهمترین راهبردها و راهکارهای پیشرفت علمی و فناوری کشور

- < تلاش و کار مضاعف برای توسعه و گسترش علم در جامعه
- < اتخاذ راه های کوتاه و میانبر برای جبران فاصله علمی ما با دنیا و کشورهای پیشرفته
- < سرعت دادن به پیشرفت های علمی از طریق راه های نارفته و میانبر.
- < یافتن راه های میانبر در رشد علمی. همه پیشرفت های علمی در واقع حرکت از راه های میانبر است.
- < تلاش و کوشش سخت دانشمندان ، دانشجویان، استادان و دستگاه های دولتی برای پرکردن فاصله علمی بین ما و کشورهای پیشرفته
- < دستیابی به فناوری های جهشی و افزودن بر فناوری های موجود دنیا.
- < تداوم جهش علمی کشور تا سال های متمادی.
- < تلاش منظم، با برنامه ریزی و بدون وقفه.
- < ارتقاء فرهنگ عمومی در بخش تحقیقات و علم.
- < فضاسازی مناسب در جامعه برای پیشرفت علمی. همه محیطها باید حاکی از روح علمی باشد.
- < ابتکار و شکستن مرزها و فتح مناطق ناگشوده در حوزه علم. پیشرفت علمی تنها با تقلید صرف حاصل نمی شود.
- < ایجاد مراکز فعال تحقیقاتی
- < توجه جدی به علوم پایه مانند ریاضی، فیزیک، شیمی، زیست شناسی و...

### ۳- نقش ایمان و روحیه دینی و انقلابی در پیشرفت علمی و فناوری

- < به خاطر اسلام مان، ایرانی بودن مان، ایمان مان و استعداد مان باید در قله تمدن بشری و در رتبه های اول علمی جهان قرار بگیریم.
- < پیشرفت علمی احتیاج به نوعی ایمان دارد چون کار علمی علاوه بر شیرینی، دشواری هم دارد و فداکاری می خواهد و این فداکاری به پشتوانه ایمان ممکن می شود.
- < اهمیت همراه کردن عشق به معنویت و ارتباط با خدا با رشد مادی و علمی کشور. رشد علمی و مادی بدون معنویت را نمی خواهیم.
- < پیشرفت های علمی و فناوری کشور در سایه تلاش و هویت ملی و اسلامی ما بوجود آمده است.
- < پیشروی های ما در زمینه های علمی و فناوری مرهون حرب الهی ها است. عمدتاً آنها بودند که این کار را کردند.
- < نقش ایمان جوانان در پیشرفت های علمی و فناوری.
- < نقش برجسته جوانان مؤمن، دیندار و حزب الهی در پیشرفت های علمی.
- < ستون اصلی پیشرفت های علمی و پژوهشی را جوانان انقلابی و بچه های مؤمن تشکیل داده اند.
- < ایمان همراه با عمل صالح مهمترین پشتوانه پیشرفت علمی است. نه صرف ایمان کافی است و نه صرف عمل.

### ۴- نقش خودباوری و اعتماد به نفس در پیشرفت علمی و فناوری

- < در زمینه علمی و فناوری یکی از بزرگ ترین خدمات نظام ایجاد این باور بود که ما می توانیم.
- < ضرورت تقویت روحیه اتکاء به خود و روی پای خود ایستادن در کار علمی.
- < روحیه اندیشیدن، شجاعت خواستن، اعتماد به نفس و اتکا به استعداد ایرانی، از برکات انقلاب بود.
- < ضرورت زدودن فرهنگ تحمیلی "نتوانستن" در جامعه علمی کشور.

- < راز پیشرفت ها، روح مطالبه و خواستن و حرکت کردن است.
- < با خودباوری می توان قله های علم و اخلاق را فتح کرد.
- < روح جویندگی، امید، اتکاء به نفس و "ما می توانیم" را در نسل جوان تقویت کنیم.
- < ضرورت تشویق و شناخت و تزریق روح اعتماد و امید به استعدادها برای شکوفا کردن آنها.
- < ضرورت تقویت اعتماد به نفس ملی در عرصه علم
- < ضرورت احیاء اعتماد به نفس در دانشجویان از طریق یادآوری سابقه پرافتخار علمی اسلام و ایران
- < ضرورت تقویت روح اعتماد به نفس و استفاده از نیرو و توان خودی در حل مسائل چه در دوران مدرسه و چه در دانشگاه.
- < اعتماد به نفس ملی و خودباوری این نیست که کسی تنها به شخص خودش اعتماد داشته باشد بلکه باید به خصال و امکانات ملی و ذخایر فرهنگی خودمان هم اعتماد به نفس داشته باشیم.
- < دشمن می خواهد روحیه اعتماد به نفس، ابتکار، ایمان و خلاقیت جوانان را بگیرد.
- < ایجاد یأس و به رخ کشیدن فاصله علمی ما با جهان غرب یکی از موانع اعتماد به نفس است.
- < از چیزهایی که اعتماد به نفس را تضعیف می کند اجتناب کنید و چیزهایی را که آن را تقویت می کند برجسته کنید.

## ۵- نهضت تولید علم و جنبش نرم افزاری

- < تولید علم باید یک امر مقدس و یک عبادت تلقی شود.
- < علم را باید تولید کرد در همه زمینه ها اعم از تجربی، انسانی و...
- < علم با خودش رفاه و سیادت سیاسی و برتری نظامی آورده و در همه بخش های اقتصادی و سیاسی نفوذ کلمه ایجاد می کند، پول کشور را تقویت می کند و اقتصاد را رونق می دهد.
- اما وقتی خود علم می خواهد تولید شود لزوماً در بستر رفاه و راحتی و لذت های دنیا بوجود نمی آید و تلاش و سختی و فداکاری و از خود گذشتگی می خواهد.
- < ضرورت تبدیل نهضت تولید علم به گفتمان غالب در محیط های علمی و دانشگاهی و در کنار آن اقدامات عملی در این زمینه

- < تولید علم یک کار جمعی و برنامه ریزی شده است نه یک کار فردی.
- < باید تولید علم به عنوان یک ارزش، هدف بشود و در مورد آن حرکت جمعی صورت بگیرد.
- < تولید علم به معنی نفی ترجمه و فراگیری نیست. بلکه به معنی عدم توقف در ترجمه و فراگیری است.
- < جنبش نرم افزاری و تولید علم به معنی خارج شدن علم از حالت تقلیدی و ترجمه ای است.
- < ترجمه آثار ارزشمند غربیها کاری لازم است ولی فکر و ذائقه و روحیه ترجمه‌ای غلط است. فکر ترجمه‌ای یعنی قدرت ابتکار را از ملت گرفتن و تلقین به او برای تقلید کامل و کورکورانه از روشی که غربی‌ها رفته‌اند.
- < به ترجمه و فراگیری اندوخته‌های دیگران اکتفا نکنیم، از آنها فرا بگیریم ولی خودمان هم تولید علمی داشته باشیم.
- < فعلاً ناچاراً باید فرآورده‌های علمی و فناوری غرب را بگیریم و از آنها تقلید کنیم ولی این کار در کل درست نیست و باید راه نو و فکر نو و بن بست شکنی و تولید مستقل علمی و جبهه همت ما قرار بگیرد.
- < جنبش نرم افزاری از مسائل اصلی کشور است.
- < ضرورت فضا سازی در مورد جنبش نرم افزاری در رسانه‌ها و ... تا به عنوان یک مطالبه عمومی دربیاید.
- < ضرورت پیگیری جنبش نرم افزاری در دستگاه‌های تولیدکننده علم مانند پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و ...
- < ضرورت پیگیری سنت شدن جنبش نرم افزاری در دانشگاه بطوری که دانشجو فقط به فکر یادگرفتن دانش دیگران و گرفتن نمره و ... نباشد بلکه افزودن به دانش دیگران را هم و جبهه همت خود قرار دهد.
- < علم ترجمه‌ای محض تنها به عنوان یک وسیله خوب است و نباید هدف بشود.
- < جنبش نرم افزاری یعنی اینکه ما نباید به فراگیری صرف قانع باشیم بلکه باید هدف از تحقیق و آموزش را تولید علم قرار بدهیم یعنی نوآوری علمی صورت بگیرد.
- < ضرورت سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت‌های کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان.

- < ضرورت تقویت نهضت نرم‌افزاری و ترویج پژوهش و نوآوری علمی.
- < باید جنبش نرم‌افزاری و تولید علم و خط‌شکنی در جبهه علم‌آفرینی، فرهنگ محیط دانشگاهی بشود.
- < فضای عمومی کشور باید فضای ترویج، تولید و گسترش علم و تحقیق و پرورش عالم و محقق باشد. البته علم و تحقیق در همه جا لزوماً رشد نمی‌کند بلکه در نقطه و محیط مناسب رشد خواهد کرد مثل دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها.
- < جنبش نرم‌افزاری یعنی ایجاد یک حرکت عظیم در زمینه تولید علم و شکستن مرزهای علم
- < امروز تولید علم یک جهاد است.
- < پیشرفت و عدالت نیاز به خلاقیت و تولید در ابعاد مختلف از جمله علم و فناوری دارد.
- < تولیدکننده علم مجاهد فی سبیل الله است.
- < باید علم را، هم بیاموزیم و هم تولید کنیم.
- < باید در همه علوم تولید داشته باشیم.
- < عزت ملی در عرصه علم به این است که جوان پژوهشگر و عالم محقق سعی کنند مرزهای علم را درنوردند و علم را تولید کنند.
- < یکی از عیوب فضای علمی ما ترجمه متون غربی و تعلیم و تعلم و پذیرش مطلق آن است بدون هر گونه سؤال و خدشه در آنها.
- < انقلاب علمی در گرو اخذ متون علمی و دانش از دیگران و تعالی دادن آن با تکیه بر روح‌های قوی و استوار و کارآمد است که جرأت لازم را برای پیشبرد علم داشته باشند.
- < تولید علم و نوآوری، روشمندی و ضابطه لازم دارد.
- < منظور از اندیشه ترجمه‌ای، ترجمه کتاب نیست بلکه ترجمه فرهنگ و فکر و نظریات بیگانه و تقلید کورکورانه و غیرقابل‌خدشه دانستن تئوری‌های آنها است.
- < نهضت نرم‌افزاری به معنی تولید علم و فرهنگ است.
- < معنای واقعی تولید علم، نواندیشی علمی است. تولید علم فقط انتقال علم نیست. نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است.



### ۱- تغییر و تحول در نظام آموزش عالی

- < ضرورت نگاه خوشبینانه (و نه بد بینانه و یأس آلود) به مسائل آموزش عالی و علم و تحقیقات در کشور
- < دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو: عنصر علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن استعداد های علمی، عنصر روحیه و تدین و حرکت صحیح و سالم سازی معنوی و روحی دانشجو. این دو عنصر بدون تفکیک و با قدرت و با ظرفیت کامل باید تعقیب شود.
- < علاوه بر مسائل آموزشی دانشگاه ها و دانشجویان، باید نسبت به مسائل اخلاقی، ارزشی، ذهنی، فکری و سیاسی و حتی ازدواج آنها هم فکر بشود.
- < لزوم توجه و برنامه ریزی برای اشتغال فارغ التحصیلان. اینکار در درجه اول کار دولت و بعد شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس و ... است.
- < نظام قدیمی حافظه پروری در نظام آموزشی کشور چه در آموزش و پرورش و چه آموزش عالی باید به نظام های پیشرفته روز دنیا تغییر کند. این تغییر یا باید بطور دفعی باشد و یا تدریجی. محل تصمیم گیری این کار هم شورای عالی انقلاب فرهنگی است.
- < ضرورت تشخیص و لحاظ نمودن نیازها و اولویتهای علمی در برنامه ریزی های آموزشی در تمام علوم (اعم از: علوم پایه، علوم انسانی، علوم تجربی و ...) باتوجه به محدودیت امکانات و نیازهای فراوان.
- < ضرورت توجه بیشتر به علوم پایه و علوم انسانی و ایجاد توازن بین آنها با علوم پزشکی و مهندسی
- < رشته های علوم پایه، سرمایه ای هستند.

- ◀ تحول در نظام آموزش عالی و پژوهشی در موارد زیر:
  - افزایش بودجه تحقیقات به ۳٪ تولید ناخالص داخلی تا پایان برنامه پنجم و افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به تحصیلات تکمیلی به میزان ۳۰٪.
- ◀ دستیابی به جایگاه علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن در برنامه پنجم
- ◀ ارتباط مؤثر بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخش‌های مربوط جامعه
- ◀ توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری
- ◀ دستیابی به فناوری‌های پیشرفته مورد نیاز
- ◀ الگوی مطلوب یک مرکز علمی موفق عبارتست از ترکیب علم، ایمان و تلاش
- ◀ ارتقاء کیفیت دانشگاه‌ها در جهت تعمیق و بهتر و درخشان‌تر شدن هنوز خیلی جای کار دارد.
- ◀ پرداختن به کیفیت نباید موجب فراموشی کمیّت و ارتقاء کمیّ تعداد دانشجویان شود. گسترش کمیّ تا جایی که ظرفیت‌های دانشگاه و استاد و فضای آموزشی، آزمایشگاه و ... وجود دارد، هر چه بیشتر بشود بهتر است.
- ◀ رشد کیفی دانشگاه به معنی نفی رشد کمی نیست. ما از زیاد شدن دانشگاه و مرکز تحقیقات و پژوهشگاه به هر اندازه که باشد نفع خواهیم برد. رسیدن به هدف سند چشم‌انداز که رتبه اول علمی در منطقه است همچنان که به حرکت کیفی احتیاج دارد، به حرکت و توسعه کمی هم احتیاج دارد. در زمینه افزایش دانشجو و مراکز دانشجویی و ... باید به حدنصابی برسیم که تأمین‌کننده هدف سند چشم‌انداز باشد.
- ◀ از گسترش کمیّ دانشگاه‌ها به شکل بی‌برنامه و بدون در نظر گرفتن کیفیت دفاع نمی‌کنم.
- ◀ نسبت دانشجویان دوره‌های تکمیلی به کل دانشجویان تا حدود ۳۰٪ باید افزایش یابد. این نسبت باید همواره حفظ بشود. لازمه این امر تکثیر مراکز تحصیلات تکمیلی و ایجاد رشته‌هایی است که نداریم.
- ◀ آموزش عالی حفظ محور غلط است، باید محور، تحقیق و تعمیق علمی باشد.
- ◀ ضرورت توجه به تقویت روحیه پژوهش و جویندگی دانشجویان به ویژه در بحث تحول نظام آموزشی کشور.
- ◀ ضرورت ارتقای جرأت علمی در دانشگاه‌ها و محیط‌های علمی.

- < ضرورت برنامه ریزی دقیق برای وروی ها و خروجی های دانشگاه ها از لحاظ نیازشناسی، رشته های علمی و ...
- < باید برای ارتباط دانشگاه ها با صنعت مرکزی تشکیل شود و مراکز علمی را به مراکز صنعتی مرتبط کند.
- < یکی از وظایف مهم دانشگاه ها، نواندیشی علمی است.
- < روح نوآوری در دانشگاه ها باید زنده باشد.
- < مدرک به عنوان نشاندهنده معلومات افراد خوبست اما نمی تواند منشأ اثری شود. آن چه که مهم است علم است.
- < نگاه نظام برنامه ریزی و بودجه بندی کشور به آموزش عالی و دانشگاه ها نباید نگاه به دستگاه مصرفی باشد بلکه باید نگاه به مجموعه ای باشد که علم و ثروت و قدرت تولید می کند و جای سرمایه گذاری و سودبخشی است.
- < تعداد زیاد دانشجو برای کشور چیز مثبتی است
- < سیاست علمی نظام، توجه به پرورش و شکوفایی استعدادها، تشویق خلاقیت و نوآوری علمی و تقویت امر پژوهش و بالا بردن توان علمی و فناوری کشور است.

## ۲- علوم انسانی

- < علوم انسانی ما هنوز وابسته به علوم و نظریه های بیگانه است.
- < نظریات دنیای غرب و دنیای مادی در علوم به ویژه علوم انسانی (که در علوم تجربی و فناوری هم خود را نشان می دهد) مبنای قابل قبول از نظر اسلام نیست. نگاه اسلام به علم، زندگی، طبیعت و وجود، متفاوت با زیربنا و قاعده و مبانی علمی غربی است. تحقیقات علمی غرب مبتنی بر ستیز با دین بوده است در حالی که در جهان بینی ما، علم از دل دین می جوشد و بهترین مشوق علم دین است.
- < پایه و مبنای علوم انسانی غرب مبتنی بر یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر معرفت اسلامی و توحیدی است.
- < برخی از علوم انسانی پایه در فرهنگ اسلامی و برخی هم پایه در فرهنگ و علوم غرب دارند (مانند روانشناسی) ما به اخذ این دسته از علوم هم نیاز داریم اما نه به نحو ترجمه ای و تقلید محورانه بلکه با تحقیق و تأمل و نقد و بررسی

- < تلفیق علوم انسانی غربی و اسلامی اگر به معنی مجذوب و دلباخته و مغلوب و جوزده شدن در مقابل علوم غربی نباشد اشکال ندارد.
- < استادی که فرآورده های علمی غربی در علوم انسانی برای او بت است و اگر دانشجوی در دست او باشد، بافت و ساخت فکری او را مطابق آن فرآورده ها می سازد، نه تنها ارزشی ندارد و وجودش نافع نیست بلکه مضر هم هست.
- < ضرورت تحول اساسی در علوم انسانی
- < ضرورت توجه بیشتر به علوم انسانی و علوم پایه و ایجاد توازن بین آنها با سایر علوم مانند پزشکی و مهندسی
- < ضرورت تحول و ارتقاء علوم انسانی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه ها و روش های آموزشی، ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت های پژوهشی و ترویج نظریه پردازی، نقد و آزاداندیشی
- < ضرورت رشد علوم انسانی در زمینه کتاب و متن، استاد و اصلاح جهت گیری ها
- < ضرورت توجه مسئولان آموزش عالی و دانشگاه ها به وضعیت علوم انسانی.
- < نباید علوم انسانی یا علوم اسلامی در آموزش عالی منزوی شوند.
- < باید علوم انسانی را بر پایه جهان بینی اسلامی تدوین کنیم
- < ضرورت تولید علم در علوم انسانی به ویژه اقتصاد، جامعه شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی
- < ضرورت تحول اساسی و مبنایی در علوم انسانی و جداکردن آن از تقلید و تبعیت از مبانی غربی و انطباق آن با مبانی اسلامی و بومی
- < ضرورت تحقیق و نوآوری در علوم انسانی براساس مبانی اسلام
- < ضرورت حفظ جایگاه و ارزش علوم انسانی در جامعه و نظام آموزشی کشور
- < ضرورت نظریه پردازی در علوم انسانی
- < ریشه علوم انسانی را باید در قرآن پیدا کرد.
- < ضرورت پژوهش در علوم قرآنی برای تدوین مبانی علوم انسانی
- < مواد اولیه بسیاری از علوم انسانی مانند تاریخ، فلسفه، هنر، ادبیات و... در فرهنگ و میراث علمی و دینی ما وجود دارد.
- < تعداد زیاد دانشجوی علوم انسانی بطوری که بیش از ظرفیت علمی و آموزشی (استاد، کتاب و...) باشد باعث نگرانی است.

- < قبل از تحول در علوم انسانی و داشتن متن و استاد مناسب، جذب زیاد دانشجو درست نیست.
- < ضرورت تقویت جایگاه رشته فلسفه اسلامی در دانشگاه ها
- < ضرورت نوشتن کتاب های فلسفه برای کودکان به زبان ساده
- < کتاب های درسی علوم انسانی دانشگاه ها در برخی از رشته ها که ما سابقه و منابع غنی در آنها داریم مانند رشته حقوق ضعیف هستند که باید تقویت شوند و بویژه به جهت گیری های اسلامی در آنها اهتمام شود.

### ۳- اهمیت و نقش دانشگاه

- < دانشگاه ها باید در صف مقدم تمدن سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ قرار گیرند.
- < دانشگاه محیط شادابی، نوگرایی، نوآوری و نوزایی است. محیط بالیدن شخصیت ها، جوشیدن استعدادها و بروز نقاط پنهان شخصیت انسان هاست. محیط صفا و خلوص و حقیقت جویی است. در عین حال دانشگاه نمودار و نشان دهنده حساسیت در برابر پدیده های نامطلوب است. محیط گرایی های دینی و معنوی لطیف هم هست.
- < نقش و رسالت دانشگاه برای آینده کشور یک نقش تعیین کننده است. دانشگاهیان می توانند ریل حرکت قطار جامعه را در آینده تعیین کنند که به کدام سو برود.
- < از دانشگاه انتظار است محل جوشش و اوج دو جریان حیاتی در کشور باشد: جریان علم و تحقیق و جریان آرمانگرایی و هدف گذاری های سیاسی و اجتماعی
- < حمایت از دانشگاهیان باید سیاست همیشگی نظام باشد.
- < دانشگاه پایه ای برای آینده کشور است.
- < دانشگاه مرکز علم و آگاهی است.
- < ضرورت داشتن همت و بلند پروازی در همه زمینه های فکر و فرهنگ در دانشگاه.
- < امروز مسئولیت ویژه نسل دانشگاهی پر بار کردن نظام و همکاری برای پیشرفت و سازندگی کشور و رفع عقب ماندگی ها با ابزار دانش و معرفت و تلاش علمی است.
- < رسالت اول امروز دانشگاهیان حفظ جهت گیری دانشگاه مبنی بر خودباوری، ابتکار، استقلال، پایبندی به ارزش های اسلامی، جهاد علمی و آزادی از اسارت و تبعیت است.

- < احترام به دانشگاه و دانشجو به معنای احترام به دانش است. تکریم دانشگاه و دانشجو، تکریم علم است.
- < متفکرین دانشگاهی به کمک دولت و اقتصاد کشور بیایند.
- < دولت از متفکرین دانشگاهی استفاده کند.
- < ضرورت ارتباط دستگاه های دولتی با مراکز دانشگاهی به صورت سازمانی و با سازوکار مشخص
- < هر چیزی که مزاحم علم و آگاهی باشد جایش در دانشگاه نیست.
- < دانشگاه باید محیط کار علمی و تحقیقی باشد.
- < کار فرهنگی صحیح در دانشگاه، گرایش به علم را در دانشجویان تقویت می کند.
- < کار فرهنگی در دانشگاه ها بسیار مهم است.
- < در مورد دانشگاه نباید محاسبات را بر مبنای امور مادی و اقتصادی و مالی قرار داد.
- < مسائل دانشگاه ها و آموزش متوسطه و به طور کلی آموزش، مسأله درجه اول کشور است.
- < در دانشگاه، هدف رشد دانشجو است.

#### ۴- اسلامی شدن دانشگاه‌ها

- < محیط دانشگاه باید دینی باشد و این نمی شود مگر با پابندی و تعصب صد در صد دینی و انقلابی مسئولان آموزش عالی و دانشگاه ها
- < دین باید چتری بر سر دانشگاه باشد و در دانشگاه حاکمیت داشته باشد.
- < مسئولان آموزش عالی، اسلام را در محیط دانشگاه ها در حد اعلا پاس بدارند. نباید کسانی که با اسلام و انقلاب غریبه اند، احساس کنند که دانشگاه زیر نگین آنهاست.
- < انقلاب فرهنگی به معنی برگرداندن محیط دانشگاه به جهت گیری اسلامی است. انقلاب فرهنگی هنوز کامل نیست.
- < یکی از مهمترین وظایف و واجبات کار شورای عالی انقلاب فرهنگی کامل کردن انقلاب فرهنگی است یعنی ایجاد محیطی در دانشگاه که پرورش دانشجو توأم با دیانت، انقلاب، آگاهی سیاسی و روحیه با نشاط دانشجویی باشد
- < دانشجویان غیر از درس خواندن، وظیفه اسلامی و انقلابی هم در محیط دانشگاه دارند. باید محیط دانشگاه را اسلامی و انقلابی کنند.

- < دانشجویان باید فعالیت های اسلامی را هوشمندانه، همراه با حکمت و کاردانی و به دور از جنجال های بیهوده و تعارض های بد فرجام انجام دهند.
- < اصل اسلامی کردن دانشگاه ها و تعیین روش انجام آن با شورای عالی انقلاب فرهنگی است.
- < در آموزش عالی، همت مسئولان علاوه بر عالم کردن جوانان باید متدین کردن آنان باشد.
- < در مورد متدین کردن جوانان در دانشگاه، مسئولان و مدیران به کمتر از صددرصد قانع نباشند.
- < در محیط دانشگاه تصریح شود که می خواهیم دانشگاه اسلامی باشد و مدیران از تصریح آن خجالت نکشند.
- < دانشگاه ها هنوز صددرصد اسلامی نیست.
- < ضرورت عمیق بودن کار دینی و معرفت دینی در دانشگاه
- < مدیریت های دانشگاهی و شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه دینی کردن دانشگاه وظیفه دارند
- < ارتقاء فکر دینی را در دانشگاه ها باید بسیار جدی گرفت.
- < دشمن با اسلامی شدن دانشگاه ها مقابله می کند.
- < منظور از دینی بودن دانشگاه، متدین بودن و رعایت محکم احکام اسلامی در دانشگاه هاست.
- < دانشجو باید درس را همراه با تدین بخواند.
- < تدین باید با اعماق وجودی دانشجویان عجین شود.
- < در دانشگاه اسلامی، علم با دین، تلاشگری با اخلاق، تضارب افکار باسعه صدر، تنوع رشته ها با وحدت هدف، کار سیاسی با سلامت نفس، تعمیق و ژرف نگری با سرعت عمل و خلاصه دنیا با آخرت است. چنین دانشگاهی کشور را آباد و به نظام آبرو می بخشد و به پیشرفت توأمان علم و اخلاق در جهان کمک می کند.
- < در اسلامی شدن دانشگاه، تلاش استاد، مدیر، دانشجو، درس، برنامه، کتاب، تشکل های دانشجویی و به ویژه دفاتر نمایندگی رهبری دارای نقش ممتاز و برجسته هستند.
- < دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن علم یک ارزش حقیقی است و علم برای خدا و با نیت خالص دنبال می شود و تهذیب نفس و اخلاق در آن تقویت می شود

- < متدین کردن دانشجویان غیر از اسلامی شدن دانشگاه هاست. اسلامی شدن دانشگاه ها، همه امور و ابعاد دانشگاه را شامل می شود.
- < دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که به طور عام در آن درس و تحقیق باشد و به طور خاص هم، جوانان متدین بار بیایند.
- < هر چیزی که در دانشگاه مخّل به متدین شدن دانشجویان است باید کنار گذاشته شود.
- < ضرورت دقت، هوشمندی و استحکام و جذابیت در ترویج دین در دانشگاه
- < اسلامی شدن فقط به معنای رعایت حجاب نیست، علم و تحقیق هم اسلامی است. در دانشگاه اسلامی باید همه جنبه ها توجه و رعایت شود.
- < رعایت موازین اسلامی در مدیریت دانشگاه ها، همه بخش های آن (علمی، فرهنگی و...) را ساماندهی و متأثر می کند.
- < یک دانشگاه اسلامی باید دارای انگیزه های ایمانی، رعایت های عملی و رفتاری و عشق به علم و علم آموزی عاشقانه و مؤمنانه باشد.
- < علم را اسلام قداست بخشیده است. علم یک امر مقدس است. دنبال علم رفتن دارای قداست است. علم پول هم می آورد ولی فقط این مهم نیست. قداست علم باید حفظ بشود. نور بودن علم باید مورد نظر باشد. این یکی از شئون دانشگاه اسلامی است.
- < دانشگاه اسلامی به معنی حساسیت روی نوع لباس ها یا موی سر دانشجویان نیست، بلکه به معنی وجود ایمان، انگیزه، شور مقدس، رفتار اسلامی و علم آموزی مؤمنانه است. اینها شرایط دانشگاه اسلامی است.
- < دانشگاه اسلامی، علم را با ایمان، معنویت و اخلاق همراه می کند.
- < در دانشگاه اسلامی، دانش چه در یافت درونی خود و چه در استنتاج و چه در جهت گیری، از ایمان سیراب خواهد شد.
- < باید وقتی جوان دانش آموز به دانشگاه آمد و از آن خارج شد، از لحاظ عمق و رعایت و اخلاق دینی پیشرفت کرده باشد. این یک اصل است.
- < باید زمینه برای محیط دینی دانشجو و فضای تربیتی، دینی و فرهنگی دانشگاه ها مساعد باشد.
- < توقع از دانشگاه و اسلامی کردن دانشگاه این است که اگر یک جوان کم اعتقاد لایبالی وارد دانشگاه شد، موقع بیرون رفتن از دانشگاه عمیقاً متدین و دارای تعهد دینی و اخلاقی باشد.
- < در دانشگاه اسلامی علم با دین و دانش با فضائل اخلاقی و احساس تعهد همراه است.



- < باید کمک شود تا دروس معارف و اساتید آن بتوانند درست و فعال عمل کنند. فرصت دروس دینی در دانشگاه فرصت بسیار مغتنم و مهمی است.
- < برنامه ریزی در بخش دروس دینی دانشگاه باید خیلی فعال بشود.
- < پیراسته و عمیق و ساده و روان شدن درس های دینی و معارف باید محور اصلی برنامه ریزی باشد
- < ضرورت انس با قرآن در جامعه علمی مانند قرائت صحیح و فهم قرآن
- < ضرورت فرهنگ سازی و تدبیر مناسب برای نزدیک تر کردن جامعه علمی با قرآن
- < یک بخش مهم کار فرهنگی در دانشگاه ها، کار دینی است، مأنوس کردن با دین، قرآن، ادعیه، فهم دینی، نماز و...
- < یکی از ویژگی های دانشگاه اسلامی، احترام بیش از حد معمول دنیا به اساتید است خصوصاً از طرف شاگردان
- < هم دیوارکشیدن بین کلاس ها خلاف است و هم اختلاط در اردوهای دانشجویی.
- < امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه باید با رعایت شرایط آن و با رفق و مدارا باشد نه با خشونت
- < محیط دانشگاه باید محیطی باشد که حزب الهی ها در آن محیط رشد کنند.
- < باید متدینین و حزب الهی ها و انقلابی ها در محیط دانشگاه احساس کنند این محیط خودی است، بیگانه نیست.
- < در دانشگاه های کشور نباید ترویج موسیقی بشود.
- < فضای دینی و فرهنگی دانشگاه ها و مسئله تربیت بسیار مهم است.

## ۵- دانشگاه، انقلاب و نظام

- < ضرورت حفظ وحدت کلمه و زنده نگه داشتن یاد پیشروان و شهدای دانشگاه
- < جهت گیری در دانشگاه باید همان جهت گیری شهدا باشد.
- < باید دانشگاه ها با فاصله گرفتن از مبدأ انقلاب، به معارف انقلاب نزدیک تر، با آنها آمیخته تر و از آنها متأثرتر بشوند.
- < ضرورت حضور انقلابی دانشجویان در دانشگاه

- < دانشجویان پایه های اصلی انقلابند. دانشجویان، امروز در جبهه بندی های مختلف عنصر فعال انقلابند ولی فردا پایه های انقلابند لذا باید انقلاب را با ریشه ها و مبانی فکری و منطقی اش به درستی بشناسند.
- < دانشجویان باید در دو صحنه نقش آفرینی کنند: صحنه ای که انقلاب از لحاظ سیاسی یا اقتصادی یا نظامی تهدید شود که باید ذخیره وجودی خود را در دفاع از انقلاب و کشور و مردم به کار ببندند. دوم صحنه سازندگی است، دانشجویان سازندگان انقلاب اند.
- < دانشجویان، انقلابی مثبت باشند یعنی کسی که در صحنه ها با همه وجود و بدون توقع حاضر است و خود را مسئول می داند.
- < وظیفه عمده دانشجویان در درجه اول دفاع از نظام اسلامی است چون این نظام تنها سنگر مبارزه با ظلم و استکبار است.
- < مصلحت اندیشی درست با آرمان گرایی منافات ندارد و قابل جمع است و دانشجوی می تواند هر دو را با هم جمع کند.
- < تحقق آرمان های بزرگ، به استمرار و پیگیری دائم نیاز دارد و در بلند مدت انجام می شود نه کوتاه مدت
- < ضرورت استمرار پیگیری آرمان ها حتی در دوران پس از دانشجویی
- < بقا و استمرار برکات انقلاب مستقیماً و تحقیقاً با تربیت انسان ها ارتباط دارد و اگر انسان ها عالم و صالح باشند و پیام انقلاب را درک و حفظ و به آن عمل کنند و آن را پی بگیرند، انقلاب زنده و ماندگار خواهد بود و برکات آن استمرار خواهد داشت، در غیر این صورت اساس آن به خطر افتاده و ضایع خواهد شد.
- < دستگاه انسان سازی جمهوری اسلامی باید انسان باب هدف های جمهوری اسلامی بسازد.
- < فارغ التحصیلان دانشگاه ها باید هدف های جمهوری اسلامی را شناخته و قبول داشته باشند.
- < لزوم توجه به روحیه انقلابی و بیزاری از وابستگی در دانشگاه ها
- < دانشجویان باید جزو پیش برندگان و پایه های اصلی انقلاب بوده و نسبت به مسائل انقلاب حساس باشند.
- < ایجاد نشاط انقلابی دستوری نیست، باید با روش های درست آن را ایجاد کرد.
- < در دانشگاه نه تنها روحیه و جهت گیری های انقلابی دانشجویان نباید ضربه بخورد بلکه باید تقویت هم بشود.

- < نباید در دانشگاه کارهایی صورت گیرد تا کسانی که روحیه انقلابی دارند به بی تفاوتی گرایش پیدا کنند.
- < دانشگاه باید اصولی، اعتلاطلب، رو به مردم، فعال و از لحاظ فکری و علمی، پرنشاط باشد.
- < محافظه کاری در دانشگاه و قانع شدن به وضع موجود در فکر و فرهنگ و معرفت درست نیست.
- < دانشگاه پایگاه اصلی انقلاب بوده و خواهد بود.
- < دانشجویان سنگربانان سنگر دانشگاه هستند. باید مواظب باشند خاکریزهایشان که خاکریزهای فکری و فرهنگی است سست نشود. دائم آنها را ترمیم کنند.
- < خودسازی انقلابی درونی دانشجویان یک فرضیه است. این خودسازی همان ترمیم خاکریزها و سنگرهاست
- < دانشگاه خدمات بزرگی به انقلاب کرده است، هم قبل و هم بعد از آن.
- < در دوران مبارزه، یکی از صفوف مقدم، دانشگاه بود.
- < جزو اولین عناصر اداره کننده انقلاب پس از پیروزی، دانشگاهیان بودند.
- < انقلاب خدمات بزرگی به دانشگاه کرد که بزرگترین آن دو چیز بود: اول ایجاد احساس هویت مستقل ملی و دورشدن از وابستگی به بیگانه و دوم آشتی دادن دانشگاه با مردم.
- < ضرورت مستحکم شدن هر چه بیشتر ارتباط دانشگاه با انقلاب
- < جانبازان ذخیره های باارزش دانشگاه جهادند.
- < هر حرکت، تحقیق، اقدام علمی یا سیاسی جانبازان در مجموعه حرکت های دانشجویی، مبارزه و جهاد است.
- < ضرورت توجه به ایثارگران در دانشگاه و تداوم سهمیه ها و امتیازات آنان در دانشگاه ها
- < ایثارگران باید در سهمیه دانشگاه ها اولویت داشته باشند. البته این اولویت نباید معیارهای علمی را تحت الشعاع قرار بدهد. باید از لحاظ علمی رتبه بیاورند.
- < دانشگاه امروز مزین به نشانه های دینی و صفا و دیانت و روحیه انقلابی است.
- < تأکید به حضور فعال دانشگاه در صحنه های مختلف انقلاب
- < ضرورت گسترش جهاد علمی در دانشگاه ها.
- < دانشجویان و استادان انقلابی، امانتداران حضور انقلاب در دانشگاه هستند.

## ۶- دانشگاه و سیاست

- < رکود سیاسی دانشجویی خوب و قابل قبول نیست. دانشجویی که نفهمد در دنیا چه می‌گذرد دانشجویی زمان خودش نیست. دانشجو باید احساس سیاسی، درک سیاسی و تحلیل سیاسی داشته باشد.
- < دانشجویان باید روی ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنند و تحلیل بدهند هر چند خلاف واقع باشد.
- < عالم‌ترین عالم‌ها اگر مغز و فهم سیاسی نداشته باشند دشمن با کوچک‌ترین چیزی آنها را مجذوب می‌کند و در خدمت خود قرار می‌دهد.
- < ضرورت تقویت آگاهی سیاسی دانشجویان.
- < اینکه می‌گوییم دانشجو سیاسی باشد یعنی قدرت تحلیل سیاسی داشته باشد، جبهه بندی‌های دنیا را بشناسد، بفهمد امروز دشمن کجاست و با چه ابزاری حمله می‌کند. باید تلاش سیاسی، کار سیاسی، مطالعه و مباحثه سیاسی داشته باشد. مراقب سوء استفاده دشمن هم باشد و غفلت نکند.
- < سیاسی بودن دانشجویان به آنها مصونیت می‌بخشد. انضباط و رعایت نظم و قوانین و مقررات در داخل دانشگاه هم لازم است. باید انضباط اخلاقی و رفتاری را رعایت کنند و این با سیاسی‌گری منافات ندارد.
- < فعالیت سیاسی دانشجویی نباید حتماً علیه دولت یا مسئولان و نظام باشد. این تعبیر از سیاسی بودن که حتماً مخالف باشد غلط است این یعنی سیاسی کاری که یک نوع تقلب است. فعالیت سیاسی در دانشگاه، بد گفتن، فحاشی کردن و اهانت کردن به این و آن نیست.
- < بحث‌های سیاسی دانشجویان خوب است منتهی بحث‌های کاوشگرانه و جستجوگرانه نه فرمایشی.
- < سیاسی بودن دانشجویان یعنی دانشجویان از مسائل جامعه و کشور برکنار نباشند. و نسبت به مسائلی مانند: انتخابات، دشمنی استکبار و آمریکا با ملت ایران، مسائل فلسطین، بوسنی و ... حساس باشند
- < سیاسی کاری چیز بدی است و معنی آن این است که دانشجو به جای کشف حقیقت، دنبال اهداف دیگری باشد مثل حذف این و آن و ...
- < دانشگاه نباید باشگاه احزاب سیاسی شود. این معنی سیاسی شدن دانشگاه نیست.

- < وظیفه دانشجویان درست فکر کردن، درست تحلیل کردن، تحلیل درست را به دیگران منتقل کردن و آگاه کردن ناآگاهان است.
- < تحرک سیاسی دانشجویان در دانشگاه ها لازم است، نه فقط برای تخلیه انرژی او بلکه چون او را برای اداره فردای کشور لازم داریم باید سیاست را بفهمد و مغز او پخته و کارآمد باشد تا فریب نخورد.
- < شناخت مغالطه های سیاسی یکی از زمینه های فعالیت سیاسی دانشجویان است.
- < سیاست در دانشگاه به معنی قدرت تحلیل سیاسی مسائل و جریانهای مهم کشور است.
- < در دانشگاه باید روح سیاسی زنده باشد و نشاط وجود داشته باشد. دانشگاهی که از سیاست دور و برکنار باشد از شور و نشاط خالی خواهد شد و به محلی برای رشد میکروپ های فکری و رفتاری تبدیل می گردد.
- < ضرورت خواستن، مطالبه کردن و داعیه داشتن دانشجویان ، هم در مسائل سیاسی و اجتماعی و علمی و هم مسائل خاص دانشگاهی البته همراه با عقلانیت.
- < ایجاد توانایی تصمیم سازی در محیط دانشجویی کار دانشجویان است ولی، تصمیم گیری با مسئولان و مدیران است که باید در قبال اموری پاسخگو باشند.
- < تصمیم سازی توسط دانشجویان یعنی گفتمان سازی. گفتمان سازی، همه عناصر حتی مسئولان و مدیران را هم متأثر و تابع خواهد کرد.
- < حضور دانشجو در عرصه به معنی فعال بودن در ترسیم آرمان ها و تلاش برای تحقق آنهاست.
- < محیط دانشجویی میدانی برای تاخت و تاز سیاست بازان حرفه ای نشود. خود دانشجویان باید این عناصر را شناسایی و طرد کنند.
- < آگاهی سیاسی و بینش سیاسی داشتن درست است اما در معرض سیاست بازی سیاست بازان قرار گرفتن غلط است.
- < غوغاگری و اهانت به مقدسات در دانشگاه مناسب نیست.
- < اعتراض به سیاست ها یا نظرات خاص رهبری ضدیت با رهبری نیست. معنی ضدیت معلوم است.
- < مطالبه کردن از مسئولان با دشمنی کردن و معارضة با مسئولان تفاوت دارد. انتقاد کردن و مطالبه کردن درست است حتی از رهبری، ولی ضدیت، معارضة و مقابله غلط است.

- < لزوم اجتناب دانشجویان از افراط و تفریط و تندروی و ضرورت دنبال کردن مسائل با اعتدال و روش منطقی
- < سیاسی شدن دانشگاه به معنی جولان دهی جریان‌ها و گروه‌ها و عناصر سیاسی نیست و نباید باشد. این را باید مدیران دانشگاه‌ها ممانعت کنند.
- < جریان‌های سیاسی بیرون دانشگاه نباید از فعالیت سیاسی دانشجویان سوء استفاده کنند و بخواهند مقاصد سیاسی خودشان را پیش ببرند.
- < ضرورت مراقبت دانشجویان و جذب‌نشدن به انگیزه‌ها و مخالفت‌های صنفی، حزبی، گروهی، سلیقه‌ای و خطی.
- < نباید از بیرون دانشگاه خط و خطوط سیاسی را وارد دانشگاه کنند. مسائل سیاسی خود دانشگاه مثل نقد مسائل کشور، انتقاد و اعتراض دانشجویی و ... خوب است و اشکالی ندارد. ولی باید مراقبت کرد دعوای بیرون دانشگاه داخل دانشگاه نیاید.
- < ضرورت کنار گذاشتن اختلافات و نزاع سیاسی و خط و خط بازی‌ها در بین دانشجویان انقلابی و متدین.
- < دانشجویان با هم تفاهم کنند و کارهای اصلی را انجام بدهند.
- < دانشگاه ضربه اساسی را از دخالت و نقش آفرینی متحجران سیاسی می‌خورد.
- < دانشجویان نباید محافظه کار شوند متاهی باید هوشیار و بیدار هم باشند. باید مراقب بود تا در نقشه و پازل دشمن قرار نگرفت. دشمن نباید از حرکت و موضعگیری دانشجویان سوء استفاده کند.

## ۷- روحانیت و دانشگاه

- < وجود نمایندگان رهبری در دانشگاه برای سرعت بخشیدن به روند اسلامی کردن دانشگاه است.
- < رابطه دانشگاه با علمای دینی تأثیر شایسته در صلاح دانشگاه و سمت گیری اسلامی و رشد معنوی آن خواهد داشت.
- < روحانیت در دانشگاه‌ها متکفل تبیین اسلام و رفع اشکالات فکری و سد نمودن راه انحرافات و کج اندیشی‌ها و کجروی‌ها در امور اسلامی و جلوه گر ساختن ارزش‌های

- والای اسلام با بهره گیری از انواع وسایل و ابزارهای معمول و شرکت مؤثر در گروه های معارف اسلامی دانشگاه ها است.
- ◀ تأثیر عمیق نقش روحانی در دانشگاه اعم از مثبت و منفی
- ◀ روحانیون باید دین را در دانشگاه معرفی کنند و جوانان دانشجو را عاشق معارف دینی نمایند.
- ◀ نمی توان جلوی طرح افکار فلسفی بیگانه را در دانشگاه گرفت. این افکار باید مطرح شوند ولی در مقابل آنها باید پادزهر ایجاد کرد و پاسخ داد و این کار روحانیون است
- ◀ حوزه باید ارتباط و تعامل و حضور فکری در دانشگاه را یکی از مهمترین کارهای خود بداند.
- ◀ روحانیون در دانشگاه باید تداعی کننده افرادی مانند شهید مطهری و شهید مفتح باشند.
- ◀ حضور روحانی در دانشگاه به عنوان یک مأمور یا یک عنصر رسمی که در امور اداری دانشگاه دخالت کند نیست. حضور روحانی، حضور یک مشاور و ناصح امین برای دانشجو و استاد و مدیر و رئیس است
- ◀ کار اصلی روحانی، مخاطب قرار دادن و تأثیر گذاری بر دل هاست.
- ◀ هدف اصلی از ایجاد دفاتر نمایندگی رهبری در دانشگاه ها، پرورش دینی و ایجاد یک مرکز مطمئن برای مراجعات دینی دانشجویان است.
- ◀ ضرورت وجود دفاتر روحانی در دانشگاه و برکات زیاد آنها برای رفع سؤالات و نیازهای دینی جوانان.
- ◀ روحانیون در دانشگاه ها مسئول اصلی و نهایی ارتقاء دینی در دانشگاه هستند
- ◀ روحانی مستقر در دانشگاه باید منشأ و منبع و مرجع یک فکر عمیق و اصیل و مستدل و تحسین برانگیز و قانع کننده دینی از نظر دانشجویان باشند.
- ◀ ضرورت پر کردن خلاء فکری دانشجویان و روشنفکران دانشگاهی توسط روحانیون
- ◀ وجود مجموعه روحانی در دانشگاه ها بسیار مهم است.
- ◀ برای روحانیون اولاً فکر و بعد دل مخاطبان مهم است. فکر به معنای تقویت بنیه اعتقادی جوان و دل و قلب، به معنی ایجاد حالت ذکر و خشوع در آنهاست.
- ◀ روحانیون خوشفکر و دانشگاهیان مؤمن باید در مقابل ایمان جوانان دانشجو احساس مسئولیت کنند.

- < ضرورت عدم دخالت روحانیون در امور اجرایی دانشگاه‌ها و اشراف پدران بر تشکل‌های اسلامی
- < خصوصیات کلی روحانیون فعال در دانشگاه‌ها: عالم، متقی، اهل احتیاط در عمل و امثال اینها
- < خصوصیات خاص و ویژه روحانیون در دانشگاه: شناختن محیط دانشگاه و مسائل دانشجویی، علاقه و اعتقاد و محبت به دانشجوی، آگاهی و دانستن نحوه ارتباط با محیط دانشگاه و دانشجویان
- < روحانی باید در محیط دانشگاه بگونه‌ای عمل کند که دانشجویان در مشکلات خود و در غیر مشکلات، بتوانند به او پناه ببرند، به او امید ببندند، از او علاج بجویند و یا لاقلاً از او تسلا بجویند.
- < روحانیون باید اعتماد، اطمینان و امید دانشجویان را به خود جلب نمایند.
- < روحانیون از ورود به میدان‌های ناخواسته سیاسی اجتناب نمایند در عین حال که در آن جایی که باید حاضر باشند، حتماً حاضر باشند.
- < روحانیون متعلق به همه دانشجویان باشند حتی آنان که از لحاظ خط و ربط مورد پسند ما نیستند. این افراد هم باید ببینند که اگر در جایی مشکلی، درد دلی، عقده‌ای در فکر و دلشان داشته باشند، روحانی ملجأ آنهاست.
- < دفاتر نمایندگی رهبری نباید در مناقشات جریان‌ها، در یک طرف قرار بگیرند، حتی اگر بخواهند آنها را به یک طرف بکشانند.
- < انجمن‌های اسلامی می‌توانند بازوانی برای روحانیون باشند. باید جوری باشد که انجمن‌ها روحانی را به عنوان پدر ببینند و او را بپذیرند، از او اطاعت داشته باشند و او را پشت و پناه خود ببینند.
- < نباید انجمن‌ها در مقابل دفاتر و روحانیون قرار بگیرند. باید از تعارض و تقسیم شدن و سایش نیروها اجتناب نمود.
- < روحانیون به مساجد خیلی اهتمام نمایند. سمت پیشنهادی مهم است. روحانیون باید قبل از وقت به مسجد بروند تا بچه‌ها بیایند و با آنها ارتباط بگیرند. بعد از نماز هم تفسیری یا مسأله‌ای بگویند و ساعتی از وقت خود را در مسجد صرف کنند. وقتی روحانی چنین بود صاحب نفوذ معنوی در دانشگاه می‌شود و می‌تواند برنامه‌ها را پیش ببرد.



- < روحانی نباید در امور اجرا دخالت کند و اسباب زحمت مسئولان و مدیران شود. نقش روحانی بیشتر تعامل با دانشجویست.
- < ضرورت رعایت عقل، منطق، مصالح و الزامات دانشگاه توسط روحانیون
- < ضرورت حمایت و تقویت دفاتر و نهاد نمایندگی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی مانند تصویب مقررات لازم و ...
- < باید به نظر روحانی تربیت اثر داده شود. مثلاً اگر روحانی فهمید استادی بد است و تذکر داد، رؤسا باید ترتیب اثر بدهند.
- < ضرورت فاضل و جوان بودن روحانی دانشگاه
- < رؤسای دانشگاه ها باید به دفاتر نمایندگی کمک کنند و کارشان را تسهیل کنند تا آنان بتوانند در دانشگاه حضور معنوی و دینی و روحانی و هدایتگر و پدران داشته باشند.
- < مخاطب روحانیون فقط دانشجویان حزب الهی نیستند، همه بدنه دانشجویی هستند حتی آنها که با دین هم میانه ندارند. باید با منطق قوی و اعتماد به نفس، دل های آنان را هم جذب کرد و یا لاقط عناد آنان را کم کرد یا از بین برد.
- < روحانی در دانشگاه باید با زبان و منطق دانشجویی و دانشگاهی سخن بگوید.
- < ضرورت مانوس کردن دانشگاهیان با قرآن توسط روحانیون
- < باید تبلیغات را با حرف های نو و قوی و منطبق با معیارهای روشنفکری عمق داد.
- < کلاس های معارف باید متقن، با زبان روز و مناسب با فکر و ادبیات دانشجوی ارائه شود.
- < اگر با ادبیات دانشجویان حرف نزنید راه ارتباط فکری با آنان بسته و تأثیر شما کم خواهد شد.
- < علاوه بر بیان، رفتار روحانیون هم مهم است. رفتار خوب بسیار مهم است که شامل اخلاق خوب، تواضع، صداقت در گفتار و موضعگیری، صراحت در بیان حقیقت، بلند نظری نسبت به امور مادی و دنیوی و نهایتاً خلوص در عمل است.
- < روحانیون نباید پشت میز بنشینند و شکل اداری و رسمی به خود بدهند. باید حالت طلبگی، ارتباط نزدیک و انس با مردم و مخاطب و رابطه صمیمی با آنها را از دست ندهیم. رفتار باید محبت آمیز، پدران و مشفقانه باشد. البته نظم تشکیلاتی و سازمانی هم لازم است ولی با منش روحانی، این مسائل نباید ما را از هویت خودمان خارج کند.
- < حذف روحانیت از محیط دانشگاه توطئه دشمن است.

◀ ضرورت رعایت شرح صدر و رعایت دقیق اخلاق اسلامی و توکل به خدا و استغناء از زخارف دنیا توسط روحانیون.

## ۸- وحدت حوزه و دانشگاه

◀ وحدت حوزه و دانشگاه یعنی این که در نظام اسلامی علم و دین باید پا به پای هم حرکت کنند.

◀ وحدت حوزه و دانشگاه به معنی این نیست که حتماً تخصص های حوزه ای به دانشگاه و تخصص های دانشگاهی به حوزه وارد شود.

◀ وحدت حوزه و دانشگاه یعنی این دو نهاد با هم خوب کار کنند و رابطه متقابل دوستانه داشته باشند و یکدیگر را از خود بدانند و یکدیگر را طرد نکنند.

◀ وحدت حوزه و دانشگاه یعنی وحدت در اهداف کلی، وحدت در کامل ساختن ملت و کشور، حرکت با یکدیگر و عبور در دو خط موازی بدون اصطکاک با هم. یعنی هر کدام کار خودشان را بکنند اما برای یک هدف که آن ساختن و کامل کردن ملت و کشور است.

◀ یک معنی دیگر وحدت حوزه و دانشگاه این است که دانشگاه هر چه بیشتر دینی بشود و حوزه هم هر چه بیشتر خود را به روز کند.

◀ حوزه و دانشگاه به هم وصل و خوشبین باشند، به هم کمک و با هم همکاری نمایند. علمی را که امروز حوزه می خواهد، دانشگاه به حوزه بدهد و دین و معرفت دینی را هم حوزه به دانشگاهیان بدهند.

◀ برای وحدت حوزه و دانشگاه باید برنامه ریزی و سازماندهی بشود.

◀ این دو نهاد باید ناظر به یک هدف باشند و آن تکمیل زندگی مردم است.

◀ تشکیل جلسات مشترک دانشجویی و حوزوی مهم است.

## ۹- دانشگاه و آزاداندیشی

◀ بحث های دانشجویی باید باز و قابل انعطاف باشد تا قدرت تحلیل سیاسی دانشجو را بالا ببرد.

- ◀ ممکن است دانشجوی به خیلی از مسئولان کشور اعتراض داشته باشد حتی به رهبری که اشکالی هم ندارد. اعتراض داشتن ایراد ندارد مهم مبنا و پایه اعتراض است که باید درست باشد.
- ◀ دانشجوی باید فکر کند و فکر خود را مطرح و مطالبه نماید. باید این احساس را در خود تقویت کند که در آینده کشور نقش و مسئولیت دارد و باید در راه آن تلاش کند و در مورد مسائل کشور جدی باشد.
- ◀ تعصب بدون جهالت و همراه با عقل بسیار خوب است. آنچه بد است عصبیت از روی جهالت است.
- ◀ باید تأثیرات محیط دانشگاه را بر دانشجوی به عنوان یک عنصر پرسشگر و حتی معترض پذیرا بود.
- ◀ هرچند همه باید در مقابل سیاست ها و تصمیمات حکومتی مسئولان تابع و پیرو باشند ولی نمی توان انتظار داشت جوانان خصوصاً دانشجویان همه آنها را به طور کامل بپذیرند و قبول کنند.
- ◀ دانشجوی به مقتضای جوانی و روحیه شوق و نشاط خود می تواند به امور کشور، سؤال، اعتراض و پیشنهاد داشته باشد.
- ◀ ضرورت تحمل سؤالات و اعتراضات دانشجویان در محیط دانشگاه
- ◀ روحیه پرسشگری و حتی اعتراض، شور و نشاط را در دانشجویان زنده نگه می دارد.
- ◀ بحث های دانشجویی واقعی باشد و ذهنی نباشد. متکی بر واقعیت ها و اخبار و حقایق و بر اساس تحلیل باشد چون در غیر این صورت گمراه کننده خواهد بود. تحلیل ها هم متکی بر واقعیت ها و خبرهای درست باشد.
- ◀ بحث های دانشجویی به جدال کشیده نشود. یعنی یک طرف نخواهد حتماً حرف خودش را حاکم کند.
- ◀ ضرورت تشکیل جلسات بزرگ و مباحثات دانشجویی. این جلسات روشنگر و صاف کننده ذهن هاست.
- ◀ دانشجوی باید صراحت در بیان و حتی اعتراض داشته باشد و دچار سیاسی کاری و محافظه کاری نشود. البته در کنار صراحت، صداقت در نیت و سرعت پذیرش خطا هم داشته باشد.
- ◀ آزادی، هم دادنی است، هم گرفتنی است و هم آموختنی است. دادنی است یعنی حکومت ها حق ندارند آزادی را از مردم خصوصاً محیط دانشجویی بگیرند و باید بدهند. این تکلیف

- آن‌هاست نه این که اختیار داشته باشند آزادی بدهند یا ندهند. گرفتنی است یعنی افراد باید به حق خودشان در مورد آزادی آشنا بوده و آنرا بخواهند و مطالبه کنند. آموختنی است یعنی آزادی آداب و فرهنگی دارد که باید آن را آموخت. بدون فرهنگ و ادب آزادی، این نعمت برای هیچ کس فراهم نخواهد شد و اگر هم فراهم شود، به یک فاجعه برای جامعه تبدیل خواهد شد.
- ◀ عده ای با آگاه نبودن از فرهنگ و ادب آزادی، می خواهند هرج و مرج و اغتشاش و بی نظمی ایجاد کنند.
- ◀ کسانی که از آزادی به غلط استفاده می‌کنند و با اعتقادات و احساسات مردم تحت عنوان آزادی بازی می‌کنند جامعه را در مقابل آزادی قرار می دهند. پس اینها دشمنان آزادی اند.
- ◀ مسئولان نباید در مقابل سوء استفاده کنندگان از آزادی مماشات کنند.
- ◀ برای گسترش و توسعه واقعی فرهنگ و اندیشه و علم باید از آزاداندیشی استفاده کنیم.
- ◀ آزاداندیشی به معنی شکسته شدن بنیان های اصیل نیست.
- ◀ آزاد اندیشی شرط لازم برای رشد فرهنگ و علم است.
- ◀ گفتگوی آزاد باید از حوزه و دانشگاه شروع شود.
- ◀ نفی تحقیر یا تغییر اصول مقدس و مرزهای فضیلت و حقیقت به نام آزاداندیشی.
- ◀ نفی تحجر و قانع شدن به وضع موجود
- ◀ گفتگوی محترمانه، عاقلانه، منصفانه و با استدلال، باید هم در حوزه و هم در دانشگاه انجام بگیرد.
- ◀ ضرورت طرح اندیشه صاحبان فکر در محیط تخصصی بدون هوچیگری، عوام فریبی و جنجال و سپس نقد این اندیشه ها و قبول یا رد آنها.
- ◀ حکومت باید به طور آشکار از برخورد افکار به صورت سالم حمایت کند
- ◀ آزاد اندیشی ظرف و مجرای مناسب لازم دارد که باید توسط حوزه و دانشگاه ایجاد شود.
- ◀ ضرورت آزاد اندیشی و طرح اندیشه های نو در دانشگاه و بررسی آنها در یک مجمع تخصصی با حضور هیأت منصفه علمی و بعد نقادی آن و تعیین میزان ارزش و رد یا قبول آنها در همه زمینه های علوم اعم از علوم پایه، علوم محض، علوم طبیعی و علوم انسانی، معارف و مسائل اعتقادی.
- ◀ آزاداندیشی غیر از بی بند و باری است.
- ◀ ضرورت عدم یأس و شتابزدگی در خصوص آزاداندیشی.

- < ضرورت بیدارشدن روح و شجاعت نظریه پردازی و مناظره ضمن وفاداری به اصول و اخلاق و منطق در حوزه و دانشگاه
- < نخبگان، نقطه تعادل بین هرج و مرج و دیکتاتوری را شناسایی و تثبیت کنند.
- < نباید از آزادی ترسید و از مناظره گریخت و نقد و انتقاد را به یک کالای قاچاق و تشریفاتی تبدیل کرد.
- < نباید به جای مناظره به جدال گرفتار شد و به جای آزادی به دام هتاکی و مسئولیت گریزی لغزید.
- < سهم آزادی، اخلاق و منطق باید در کنار هم و یکجا ادا شود.
- < آزادی خواهی و مطالبه فرصت برای اندیشیدن و بیان اندیشه توأم با ادب استفاده از آزادی، یک مطالبه اسلامی است.
- < آزادی تفکر، قلم و بیان نه یک شعار تبلیغاتی بلکه از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است.
- < آزادی بیان که مقید به منطق، اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران باشد باید تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی شود.
- < ضرورت حمایت حکومت و هدایت علما و صاحب نظران در مقوله آزادی بیان و گفتگوی آزاد
- < آزاداندیشی یعنی آزادانه فکر کردن و تصمیم گرفتن و ترجمه ای و تقلیدی و بر اثر تلقین بلندگوهای غرب حرکت نکردن
- < آزادی و آزاداندیشی یکی از مبانی اصول گرایی است.
- < باید راه آزاداندیشی و نوآوری و تحول را باز گذاشت اما آن را مدیریت کرد تا به ساختارشکنی و شالوده شکنی و برهم زدن پایه های هویت ملی نینجامد. مدیریت آن هم با نخبگان یعنی اساتید و دانشجویان و مجموعه های دانشجویی فعال است.
- < ضرورت تشکیل کرسی های نظریه پردازی، کرسی های پاسخ به سؤالات و شبهات و کرسی های نقد و مناظره
- < آنچه که به پیشرفت کشور کمک می کند آزادی واقعی فکرهاست یعنی آزادانه فکرکردن، آزادانه مطرح کردن و از هو و جنجال نترسیدن و به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن.
- < ضرورت مناظره های قانونمند و توأم با داوری با حضور هیأت داوری علمی

- < ضرورت ایجاد فرصت برای نظریه سازان و سپس نقد و بررسی ایده آنان توسط نخبگان فن و در محضر وجدان علمی حوزه و دانشگاه در همه علوم و رشته ها اعم از نظری و عملی
- < ضرورت در دستور کار قرارگرفتن موضوع نظریه پردازی و نقد و مناظره و پاسخ به سؤالات توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و طراحی و مدیریت مناسب این مقوله
- < ضرورت نهادینه شدن جنبش پاسخ به سؤالات، مناظرات علمی و نظریه پردازی روشمند در کلیه قلمروهای علمی حوزه و دانشگاه
- < مسائل تخصصی، فکری و چالش برانگیز باید در محیط های خاص مانند دانشگاه مطرح شود.
- < اختلاف سیاسی و حتی مذهبی در دانشگاه اشکال ندارد و طبیعی است و حتی به پیشرفت کمک می کند منتهی شرطش این است که علمی مطرح شود و افراد اهل علم از هر دو طرف، به مسائل علمی نگاه کنند و در محیط آرام با همدیگر بحث و مناظره کنند.
- < جمود و تحجر مشکل بزرگی است و راه از بین بردنش این است که دانشجویان به کیفیت فکری خود در زمینه دانش و معرفت بیفزایند. جنگ با جمود جنگ فرهنگی است و باید با روش های فرهنگی با آن مبارزه کرد.

## ۱۰- دانشگاه، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم

- < شیطان بزرگ از زدن ساز مخالف با نظام در دانشگاه خوشش می آید چون اصل ساز مخالف در این کشور برای آنها اهمیت دارد.
- < دشمن می خواهد فساد و بی صفایی و ناپاکی را در انواع مختلفش در جوانان ترویج کند. عدهای را هم می خواهد از طریق تزریق تأملات و تفکرات غلط سیاسی از راه صحیح منحرف کند.
- < جداکردن دانشجویان از نظام و مسئولان و مدیران کشور و ایجاد رویارویی بین آنان از برنامه های دشمن است
- < دشمن روی جریان های دانشجویی سرمایه گذاری می کند تا بتواند در آنها رخنه و نفوذ کند و سربازانی در آنها تدارک ببیند. حتی به تشکل هایی کمک مالی می کند و برای مقابله با تشکل های اسلامی، جریان های موازی وابسته ایجاد می کند.
- < تهاجم فرهنگی به دانشگاه ها یک واقعیت است و نشانه های آن هم بارز است.

- < تلاش دشمن برای پاشیدن بذر بی ایمانی و ترویج بی ایمانی در محیط دانشگاه.
- < امروز دانشگاه عرصه زورآزمایی فرهنگی، سیاسی و تبلیغاتی استکبار و صهیونیسم با انقلاب و نظام اسلامی است.
- < دشمن امید بسته که جامعه دانشجویی نتواند کار خودش را انجام بدهد.
- < تلاش دشمن برای ایجاد ناامنی، تشنج، تعطیل کردن کلاس ها، بیکار کردن اساتید و دانشجویان و ناممکن کردن درس و کلاس و آزمایشگاه و کار علمی در دانشگاه
- < تلاش دشمن برای نفوذ در دانشگاه ها.
- < اولین اقدام دشمن در دانشگاه سوق دادن جوانان به بی بند و باری و فساد است.
- < تهاجم اصلی فرهنگی در دانشگاه ها، تحمیل تفکر تقلیدی و اندیشه ترجمه ای به اساتید و دانشجویان است.
- < تئوری سازی های استعماری یکی از محورهای تهاجم فرهنگی در محیط های علمی است.
- < تلاش استکبار برای سلطه فرهنگی به شکل های نو و با ظاهرهای زیبا و علمی
- < طرح موضوع پلورالیزم فرهنگی برای تحمیل نظریات غرب بر محیط های علمی کشورهای مسلمان و جهان سوم
- < تهاجم دشمنان به چند نقطه اصلی است: نظریه حکومت اسلامی، مبانی اسلام و قانون اساسی.
- < دانشگاه ها از جمله اولین آماج های توطئه دشمن هستند.
- < تلاش دشمن برای ایجاد بی ثباتی و توقف و تعطیلی کار علمی در کشور
- < توطئه دشمن برای تعطیل کردن کلاس های درس و مراکز تحقیقاتی و بی رغبت کردن دانشجویان به علم و فراگیری
- < تلاش دشمن برای برهم زدن اتحاد ملی و آرامش به عنوان مهمترین زمینه و بستر پیشرفت علمی
- < طراحی دشمن، ایجاد اختلاف در بین دانشجویان انقلابی، ایجاد ناامیدی، منزوی کردن خط اصیل و ارزش های اسلامی است. سرگرم کردن جوانان به هوی و هوس و غافل کردن آنها از حرکت عمومی ملت و به تعطیلی کشاندن کلاس های دانشگاه نیز از جمله برنامه های دشمن است.
- < توطئه های دشمنان ادامه خواهد یافت تا زمانی که کشور به عزت و اقتدار علمی برسد.
- < نقطه اصلی مقابله دشمن، اسلامی شدن دانشگاه هاست.

- < دشمن علیه کشور بیدار است و دانشجو هم باید بیدار باشد.
- < دانشجو نباید بی تفاوت و خونسرد باشد. به سرنوشت کشور نیندیشد و دشمنی‌ها علیه کشورش را نبیند و به دشمنان نخروشد.
- < یأس بزرگ‌ترین آفت جوانان و دانشجویان است و دشمن می‌خواهد یأس را به آنها القا کند.
- < ضرورت دشمن‌شناسی دانشجویان
- < ضرورت هوشیاری نسبت به نفوذ عناصر تهاجم فرهنگی در مجموعه‌های دانشجویی
- < دانشجویان افسران جوان جبهه جنگ نرم دشمن هستند. استادان فرماندهان جبهه جنگ نرم هستند. طراحی‌های کلان، شناسایی دشمنان، کشف هدف‌های دشمن، رصدکارهای دشمنان و درکل فرماندهی جبهه جنگ نرم با استادان است.
- < شرط اصلی فعالیت درست دانشجویان در جبهه جنگ نرم، نگاه خوشبینانه و امیدوارانه، نه از روی توهم بلکه از روی بصیرت است. شرط دیگر این است که افراط و تندروی وجود نداشته باشد. باید مدبرانه و با فکر و بدون افراط و تفریط تصمیم بگیرند.
- < ضرورت توجیه دانشجویان و اساتید نسبت به تحرکات و توطئه‌های دشمنان
- < وظیفه دانشجویان و تشکل‌ها، حفظ وحدت و امید، بیشتر کردن تلاش‌ها، نزدیک کردن دل‌ها و داشتن صداقت و حضور پرشور در عرصه‌های اجتماعی است.
- < مهمترین مقابله با توطئه‌های دشمن، کسب اقتدار و عزت علمی به دست دانشجویان و نسل جوان است.
- < ضرورت توجه و هوشیاری دانشگاهیان در مقابل تهاجم فرهنگی و جنگ فرهنگی دشمن.
- < دانشجویان سربازان عرصه جنگ فرهنگی هستند.
- < مراقبت نسبت به ایجاد اخلال و آشفتگی و اغتشاش در دانشگاه‌ها
- < دانشجویان باید در صفوف مقدم دفاع مقدس و در میدان نبرد فرهنگی و تبلیغی با دشمنان قرار بگیرند و با ایمان صادقانه و منطق قوی و عمل صالح خود، دشمن را مغلوب و رسوا کنند.
- < بزرگ‌ترین مسئولیت در مقابل توطئه دشمنان، بر دوش دانشگاهیان اعم از اساتید و دانشجویان است. آنها باید هوشیارانه حوادث سیاسی را رصد کرده، دشمن را در هر جا بشناسند و اجازه اخلال در روند علم و دین در دانشگاه را ندهند و محیط دانشجویی را برای پیشرفت علمی همراه با تعهد، تدین و تلاش انقلابی حفظ کنند.



- < ضرورت هوشیاری و توجه و حساسیت اساتید و دانشجویان نسبت به جنگ فرهنگی دشمن
- < ضرورت هوشیاری دانشجویان نسبت به تئوری جهانی سازی و تغییر گفتمان از سوی غربی ها که به عنوان حرف نو در مقابل جهت گیری های انقلابی و ضد استعماری و آرمان خواهی مطرح می شود.
- < ضرورت پیکار نظری و علمی در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن.
- < ضرورت همکاری حوزه و دانشگاه در مقابل تهاجم فرهنگی
- < ضرورت بیداری و حساسیت روزافزون دانشجویان در مقابل توطئه های دشمنان.
- < برخی از نخبگان و درس خواندگان، جزو عوامل و سخنگویان استکبار در داخل محیط های علمی هستند.
- < ضرورت کار عمیق فرهنگی در مقابل تهاجم فرهنگی و اجتناب از کارهای سطحی.
- < آماج بسیاری از توطئه ها علیه جمهوری اسلامی، علم و اهل علم و محیط های علمی و دانشجویان هستند.
- < دشمنان سعی می کنند جوانان را از تحصیل و کار علمی باز دارند.
- < ضرورت هوشیاری و مراقبت در قبال تحرکات دشمنان در محیط دانشگاه و جنگ نرم استکبار.
- < دشمنان سعی می کنند دو نقطه را تهدید و بمباران کنند: اعتماد به نفس را از دانشگاهی بگیرند و تئوری های ترجمه ای را به دانشگاه وارد کنند.
- < جوان دانشجو اجازه ندهد دانشگاه خانه امن دشمنان ملت شود.
- < یأس پراکنی در محیط دانشگاه ها و مراکز آموزشی خیلی بد است.
- < بهانه جویی دشمن برای به خطر انداختن جریان علم و تحقیق و پیشرفت علمی در دانشگاه ها
- < نخستین آماج تهاجم و شبیخون فرهنگی، جوانان به ویژه دانشجویان هستند.

## ۱۱- مدیریت دانشگاه ها

- < ریاست دانشگاه ها باید ریاست علمی باشد. یعنی رئیس از لحاظ علمی مقبول اساتید باشد.
- البته علم با عمل و اعتقاد.

- < نه دانشجو و نه حتی استاد نمی‌توانند دانشگاه را اداره کنند. دانشگاه باید توسط مدیری که دستگاه مسئول تعیین می‌کند اداره بشود.
- < انجام کارهای لازم برای دانشگاه‌ها احتیاج به مدیریت شایسته دارد چه در خود دانشگاه‌ها و چه مراکز تحقیقاتی و چه دستگاه‌های دولتی مثل وزارت علوم و بهداشت و آموزش و پرورش
- < افراد بی‌اعتقاد به اسلام و انقلاب می‌توانند درس بدهند اما نمی‌توانند رئیس و مدیر دانشگاه باشند.
- < مدیرانی که به انقلاب و نظام اعتقاد راسخ ندارند باید از مدیریت کنار گذاشته شوند. چنین افرادی نباید مدیر باشند.
- < وظیفه مدیران دانشگاه‌ها تشخیص درست موضوعات و اهمیت دادن به آنها و هدایت امور به سمت اهداف مورد نظر است. شناسایی و هدایت استعدادها و اقدام عملی برای استفاده آنها هم، کار اصلی مدیریت هاست.
- < هم مدیریت‌ها و هم اساتید، به رشد علمی دانشجویان اهمیت بدهند.
- < مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها نباید به اختلافات دانشجویی دامن بزنند و یک طرف را تقویت یا تضعیف کنند.
- < ضرورت جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها توسط مدیریت‌های دانشگاهی
- < عدم افزایش تشکیلات برای کارها و تکیه بر کارآمد کردن سازمان‌های موجود.
- < ضرورت پرداختن به فرهنگ در دانشگاه‌ها در کنار علم آموزی توسط مدیریت‌های دانشگاهی .
- < لزوم نگاه مدبرانه به کار فرهنگی در دانشگاه.
- < ضرورت توجه مدیریت‌ها به تربیت فرهنگی دانشجو و برنامه ریزی برای آن (مانند تولید کتاب، انتخاب اساتید، فوق برنامه برای دانشجویان و ...)
- < نفی کارهای نمایشی در خصوص جوانان دانشجو.

## ۱۲- استادان و اعضاء هیأت علمی

- < متولی اصلی کار فرهنگی و حتی دینی در دانشگاه و برای دانشجو، مدیران و استادان هستند.
- < اساتید پرچمداران علم در کشورند و باید خود را مسئول بدانند.

- < استاد غیر از تدریس و آموزش علم به دانشجو می تواند به او غرور ملی، علاقمندی به میهن، دل بستگی به آینده کشور و افتخار به تاریخ گذشته کشور را هم بیاموزد.
- < نقش استاد در شکل گیری شخصیت آینده دانشجو، عمیق و مؤثر است.
- < استاد می تواند در کلاس، دانشجو را متدین و معتقد به دین یا ملحد و منکر همه مقدسات بار بیاورد هر چند کلاس، کلاس علم دین نباشد، کلاس فیزیک، تاریخ یا درس دیگری باشد.
- < استاد هم می تواند، دانشجو را دل بسته و مباحثات کننده به کشور بار بیاورد و هم لابلالی، بی علاقه، نادلبسته به گذشته و حال و آینده کشور
- < مهمترین و مؤثرترین وسیله برای متدین و علاقمند کردن دانشجویان به دین و انقلاب، اشارات و نکته ها و کلمه های استاد در کلاس است. عکس آن هم صادق است.
- < استاد ایده آل کسی است که سرشار از عشق به اسلام و انقلاب و غرور ملی و دینی و روحیه خدمت باشد، حقیقتاً بخواهد کار کند، جوان ها را مثل فرزند خودش پرورش دهد، حالت بی تفاوتی، بی اعتنایی و کلاس را به هر شکل گذراندن نداشته باشد و مدافع خلاقیت و نوآوری و ابتکار باشد.
- < استاد باید از جریان جهان آگاهی داشته باشد، سیاست زده نباشد ولی سیاست را بفهمد و سیاسی کار نباشد به ویژه باندباز و حزب گرا نباشد
- < آن چه که استادان برای پیشرفت علم باید وجهه همت خود قرار بدهند شجاعت علمی است تا بتوانند در همه علوم، نظریه تولید و ابداع کنند و نظریات مختلف را نقد کنند و تقلید و اندیشه ترجمه ای نداشته باشند.
- < اعتماد به نفس شخصی و اعتماد به نفس ملی در اساتید یک ضرورت است. اولاً اساتید باید کار علمی بکنند و به کار علمی خود تکیه و افتخار کنند ثانیاً اعتماد به نفس ملی داشته باشند یعنی به قابلیت ها و توانایی های ملت خود اعتماد نمایند.
- < تربیت دینی دانشجویان باید یکی از اهداف اساتید باشد. دانشجویان، هم متدین و هم دارای باورهای ملی و اعتماد به نفس ملی باشند. باید جوانان را به هویت ملی و باورهای ملی پایبند کرد تا به ایرانی بودن خود افتخار کنند.
- < اساتید نباید دانشجویان را مأیوس کنند یا او را از ایرانی بودن خود نادلخوش کنند. احیا و رشد بخشیدن به هویت اسلامی و دینی و ایرانی دانشجویان یکی از کارهای مهم اساتید است.

- < استادان فرماندهان جنگ نرم هستند. طراحی های کلان، شناسایی دشمنان، کشف هدف های دشمن، رصدکارهای دشمنان و درکل فرماندهی جبهه جنگ نرم با استادان است.
- < اساتید با امید دادن و امید بخشیدن به فضای کلاس و درس و دانشگاه، به جوانان دانشجو قدرت تحلیل و توان کار و نشاط بدهند و به فضای کلاس و درس و دانشگاه امید ببخشند.
- < استاد فقط آموزنده دانش نیست بلکه منش و روش او می تواند مربی باشد. تأثیر استاد از بقیه عوامل پیشرفت علمی و معنوی و مادی متعلم بیشتر است.
- < یکی از وظایف مهم اساتید بسیجی ایجاد بصیرت، هم در مجموعه خود و هم در مجموعه مخاطبان خود یعنی دانشجویان است.
- < اهمیت شاگرد پروری و نخبه پروری توسط اساتید.
- < هم مدیریت ها و هم اساتید به رشد علمی دانشجویان اهمیت بدهند.
- < اساتید، روح ایمان به خدا و دین و مقدسات و نیز ایمان به هویت ملی و تاریخی و تعصب ملی را در دانشجویان برانگیزانند.
- < اساتید، روحیه پژوهشگری، کاوشگری و مطالبه کنندگی چیزهای ناشناخته را در دانشگاه ها زنده کنند.
- < دانشجو در دانشگاه با کمک استادان ، ارزش افزوده فوق العاده ای پیدا می کند.
- < ضرورت توجه استادان به ارتقاء ظرفیت معنوی دانشجویان با تقویت یاد خدا، توجه به عالم غیب، تعهد به مبانی و احکام دین و تسلیم در مقابل احکام الهی .
- < استاد باید با دانشجو پدران و برادرانه رفتار کند و دانشجوی خود را رها نکند.
- < برای استادان، فرهنگ سازی به ویژه در تعامل با دانشجو لازم است. فقط مقررات کافی نیست.
- < اشکال ندارد استاد بی دین و غیرمسلمان در دانشگاه ها تدریس کند منتهی نباید بی دینی خود را به محیط دانشگاه و دانشجو تزریق نماید. اگر خواست این کار را بکند نباید در دانشگاه باشد.
- < استاد اگر دین و مسلک غیرقابل قبول هم داشته باشد می تواند در دانشگاه درس بدهد اما مشروط بر این که نخواهد فضای اسلامی و انقلابی دانشگاه را تغییر دهد. استادی که به مقدسات یا دانشجویان متدین اهانت کند نباید در دانشگاه باشد.
- < ضرورت پاسخ به شبهه افکنی برخی اساتید در کلاس ها از طریق اساتید مؤمن و قوی
- < ضرورت حذف اساتید معاند با دین و انقلاب

- < جزوه های اساتید باید به روز باشد، استاد به دانشجو بپردازد و برای او وقت بگذارد، با دانشجو فراتر از درس کار کنند. با او ارتباط برقرار و او را وادار به کار علمی و تحقیقاتی کند. مذاکره علمی بین استاد و دانشجو مهم است.
- < باید به معیشت استادان رسیدگی شود تا نیازمند تدریس های متعدد و بیش از ظرفیت نباشند.
- < باید به اساتید جوان میدان داده شود. از تجربه و عمق اساتید مجرب و قدیمی هم حداکثر استفاده بشود.
- < استعداد های جوان علمی باید به عنوان استاد توسط دانشگاه ها جذب شوند.
- < آیین نامه های تحصیلی و آموزشی و ضوابط و مقررات مربوط به اساتید دائماً ارزیابی شود تا اساتید همواره کارآمد و فعال باشند.
- < نباید ملاک ارتقاء اعضاء هیأت علمی فقط مقالات در ISI باشد، پرورش دانشجو و به ثمر رساندن شاگرد و نیز نظریه پردازی در امور علمی و امثال آنها هم مهم است.
- < اهمیت رتبه علمی واقعی و به روز بودن اساتید.
- < استاد باید وقت مطالعه داشته باشد.
- < استاد باید در اتاقش بنشیند تا دانشجو از او سؤالاتش را بپرسد و با او حرف بزند.
- < استاد باید مرتباً سطح علمی خودش را ارتقاء ببخشد.
- < اساتید باید سخت کار کنند و از کار نباید خسته شوند.
- < باید اساتید استخواندار قدیمی و باارزش را با اصرار در دانشگاه حفظ کنیم ولی از اساتید جوان و پرانگیزه هم استفاده شود.
- < حضور اساتید در دانشگاه ها و ارتباط استاد و دانشجو و وقت گذاری اساتید برای دانشجویان مهم است.
- < ضرورت شکسته شدن حلقه های بسته برخی از گروه های علمی به روی اساتید جوان
- < اهمیت فرهنگ، وجدان کاری، عشق به کار و روحیه فداکاری و ایثار در محققان و دانشمندان
- < دانشجویان و استادان انقلابی، امانتدار حضور انقلاب در دانشگاه هستند.
- < اساتید باید خود را در قبال نسل دانشجو، آینده علم در کشور، اصلاح نظام آموزشی، تقویت حضور خود در دانشگاه و قراردادن خود در معرض استفاده معنوی و علمی و فکری دانشجویان مسئول بدانند.

ترفع اساتید نباید صرفاً وابسته به مقالات آنها در ISI باشد. چون ممکن است یک نفر مقاله ندهد ولی کتاب بنویسد یا حرکت علمی دیگری داشته باشد. چاپ مقاله در ISI می‌تواند معیار باشد ولی عدم چاپ نمی‌تواند الزاماً منفی باشد.

## ۱۳- زنان و دانشگاه

- < علم به معنای بی‌بند و باری نیست و لازمه تحصیل علم نیز بی‌قیدی نسبت به موازین اخلاقی در مورد معاشرت زن و مرد نیست.
- < راه یافتن جوانان بخصوص دخترها به دانشگاه فی‌نفسه چیز خوبی است چرا که دانشگاه جای درس خواندن، مطالعه و روشنفکری و آگاه شدن است.
- < می‌توان با رعایت کامل موازین شرعی و اخلاقی بین زن و مرد، تحصیل علم کرد و به مراتب بالا رسید.
- < اسلام می‌خواهد رشد فکری و علمی و معنوی زنان به حد اعلا برسد و وجود او در حد اعلا برای جامعه مفید باشد.
- < ضرورت تشویق دانشجویان دختر برای کسب علم در سطوح بالا با حفظ موازین اخلاقی
- < ضرورت حرکت زنان مسلمان در راه علم، با حفظ دین، عفاف، تقوا، وقار و شخصیت و حرمت زن مسلمان
- < خانم‌ها باید در همه زمینه‌ها به استعدادهای عالی خودشان پاسخ بدهند. در میان زن‌ها باید دانشمند باشد منتهی با حفظ حیثیت معنوی.
- < اگر زنی در حد اعلا دارای دانش باشد اما دچار ابتدال باشد علم او هیچ ارزشی ندارد.
- < زنانی که دانشمند هستند کمتر دچار ابتدال می‌شوند.
- < محیط دانشگاه باید الگویی مانند حضرت زهرا (س) را پرورش دهد.
- < زنان باید با حفظ عفت و خانه‌داری و تربیت فرزند، کسب علم و دانش هم داشته باشند.
- < میدان فعالیت و تلاش علمی زنان کاملاً باز است.
- < فعالیت‌های علمی زنان بر سایر فعالیت‌های اجتماعی اولویت و ترجیح دارد.
- < در مورد فعالیت‌های علمی، نه باید چیزی را به زن‌ها تحمیل کرد و نه راه آنان را سد نمود.
- < نفی تعصبات به ظاهر دینی برای جلوگیری از درس خواندن دختران.
- < دین برای تحصیل علم بین دختر و پسر هیچ فرقی قائل نیست.

- < خانم‌ها در سایه سواد و درس خواندن و کسب علم می‌توانند آگاه شوند و شأن خود را بدانند.
- < امروز متدین‌ترین، انقلابی‌ترین، پاک‌ترین و باایمان‌ترین دختران و زنان جوان در میان قشرهای تحصیل کرده هستند.
- < زنانی که به دنبال مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی و زر و زیور هستند، اغلب از سواد و معلومات کافی بی‌بهره‌اند.
- < در میدان علمی باید همه راه‌های فعالیت برای زنان باز باشد.
- < دخترها حتی در روستاها هم باید درس بخوانند.
- < مطالعه، تحقیق و درس جزو وظایف حتمی و مسلمی است که زنان امروز باید خود را موظف به انجام آن بدانند.
- < از نظر اسلام در هر حیطة‌ای که مرد می‌تواند فعال باشد از جمله در میدان علم، زنان هم می‌توانند فعال باشند. در این زمینه یکی از موارد محدودکننده، وضعیت جسمی و روحی و اخلاقی زن و مرد است که در برخی حیطة‌ها زنها نمی‌توانند وارد شوند و در بعضی حیطة‌ها مردها. مورد محدودکننده دیگر به اختلاط زن و مرد برمی‌گردد که اسلام معتقد به آن نیست و معتقد به مرزبندی است. هم زن و هم مرد، باید این مرزها را رعایت کنند.
- < محل تحصیل باید سالم باشد، هم برای دختران و هم برای پسران. محیط دانشگاه باید برای دختر و پسر امنیت اخلاقی داشته باشد.
- < برای دخترها و زنان، همه میادین اجتماعی، علمی و ... باز است به شرط رعایت عفاف و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد.
- < رشته پزشکی برای خانم‌ها از اولویت برخوردار است چرا که باید خانم‌ها بتوانند در همه زمینه‌های پزشکی - نه فقط زنان و زایمان - به پزشک زن مراجعه کنند. (بخاطر حریمی که اسلام بین زن و مرد قائل است.)
- < به همان تعداد که پزشک مرد می‌خواهیم پزشک زن هم لازم داریم.
- < درس خواندن و متخصص شدن زنان در همه رشته‌های پزشکی یک فریضه است و زنان در این زمینه، بیشتر از مردها تکلیف دارند.
- < خانم‌های دانشجو و استاد در محیط دانشگاه، روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج کنند.
- < دانشگاه مخصوص زنان فکر بسیار خوبی است به ویژه در رشته‌های پزشکی.
- < خانواده‌ها باید اجازه بدهند که دخترانشان درس بخوانند.

- < خود زنان در زمینه کسب معارف و معلومات فعال باشند و آنرا خیلی جدی بگیرند.
- < حضرت زهرا (سلام الله علیها) الگوی بسیار خوبی برای دختران دانشجویست.
- < مسئولیت مضاعف نخبه و دانشجو در دانشگاه این است که نگاه غلط به مسأله زن و مرد را تصحیح کند. هم تحقیق کنید، هم بنویسید، هم ترویج کنید و هم عملاً آن را نشان دهید.
- < دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه باید در زمینه مقابله با تبلیغات معارض از جمله تبلیغات فمینیستی کار کنند.
- < رعایت حجاب و موازین شرعی در زنان، محیط را برای رشد علمی آنها مهیاتر می‌کند.
- < باید ذهن دختران جوان را با حجاب از لحاظ شرعی و منطقی آشنا کنید.
- < برخورد جسمانی و فیزیکی با مشکل بد حجابی در دانشگاه اصلاً درست نیست. گفتن و تذکر دادن خوب است البته با اخلاق خوب.
- < ضرورت ترویج حجاب و عفاف در محیط دانشگاه با تبلیغات درست، تحقیق، بحث و گفتگو، در نشریات دانشجویی و نشریات زنان و با استدلال و منطق
- < به کسانی که به حجاب اسلامی توهین می‌کنند اجازه ندهید افکار فاسد خود را در محیط دانشگاه منتشر کنند.
- < حجاب مزاحم و مانع فعالیت‌های علمی نیست.

## ۱۴- جهاد دانشگاهی

- < جهاد باید براساس دین و تقوا باشد.
- < جهاد در جهاد دانشگاهی، جهاد در میدان علم و فناوری است یعنی کار علمی او باید دارای جهت گیری انقلابی و ارزشی و جهادی باشد. کارهای جهاد در حوزه علم باید تیری باشد که به دشمن بخورد، جهاد علمی یعنی این.
- < هویت جهاد نباید تغییر پیدا کند. هویت جهاد، دینی و انقلابی بوده است و همچنان باید باشد.
- < جهاد دانشگاهی یعنی این که می‌توان علم جهادی و جهاد علمی داشت. علم جهادی یعنی علم برخاسته از جهاد و اجتهاد و تلاش و جهاد علمی یعنی مبارزه برای اهداف مقدس و والا در میدان علم.



- در کار جهاد دانشگاهی مهم این است که اولاً جهت دار باشد و ثانیاً آن جهت و هدف، الهی باشد.
- جهاد فقط یک نهاد نیست، یک فرهنگ، سمت گیری و حرکت است.
- انقلابی ماندن جهاد بسیار مهم است. حرکت جهاد باید انقلابی باشد.
- انقلابی بودن منافاتی با نظم و انضباط و قانونگرایی ندارد. هم باید حرکت انقلابی باشد و هم منضبط و منظم.
- در جهاد، هم باید به کار علمی بها داد و هم به کار فرهنگی، کار روی ایمان و باورهای شجاعت آور، عزت آور و آگاهی آور که ایمان اسلامی جامع همه این هاست.
- علم و عقل یک ابزار دو جنبه ای است، هم می تواند در خدمت ارزش ها قرار گیرد و هم در خدمت حیوانیت و ضد ارزش ها، بستگی دارد که مدیریت علم با چه کسی باشد. اگر دست انسان های دنیاطلب باشد در خدمت حیوانیت قرار می گیرد و بالعکس
- جهاد دانشگاهی دستگاهی است که باید موج جوان تحصیل کرده دانشجوی را در داخل دانشگاه ها هدایت کند و آنها را به پختگی و کمال لازم برساند.
- جهاد دانشگاهی یک دستگاه دولتی عادی و رسمی نیست. حالت خودمانی تر و صمیمی تری دارد، ترکیب آن جوان تر است و اساس و بنای آن بر ایجاد ارتباطات دانشجویی و مسائل دانشجویان است
- نقش جهاد دانشگاهی باید این باشد که علاوه بر افزودن بر علم دانشجویان، بر تفکر و بینش صحیح آنها هم بیفزاید و خط درست آنها را هم تقویت کند. کار فرهنگی و هنری و علمی و تحقیقاتی و بقیه کارهای جهاد باید در این جهت باشد. جهاد دانشگاهی باید برای ایفای وظایف فوق تقویت بشود.
- در جهاد برای نیروها، فقط شرط را اسلام و انقلاب بدانید، در گزینش ها هم همین طور. گرایش های سیاسی را معیار طرد و قبول نیروها قرار ندهید
- اشکال ندارد مسئولان یا اعضاء جهاد گرایش های سیاسی مختلف داشته باشند ولی کار جهاد را نباید در خدمت گرایش های سیاسی قرار بدهند بلکه هدف فقط باید کار و خدمت باشد.
- مسئولان جهاد، حساسیت های غلط سیاسی را کنار بگذارند.
- عوام گرایی و عوام پسندی در کارها نباید باشد. سطح کارها باید عالی و قوی باشد. جهاد برترین کارها را ارائه دهد که متناسب با محیط و ادبیات دانشگاهی باشد.

ک هدایت دانشجویان در جهت و خط صحیح فکری و عملی کار اصلی جهاد است.

## ۱۵- نقش و وظایف دانشجویان

- ک خصوصیات محیط دانشجویی که باید حفظ و تقویت شود: وجود عناصر نو در تراوش های ذهنی، طراوت و نوپردازی فکری، نگاه و توقعات آرمانی و زبان انتقادی و طلبکارانه. اگر این خصوصیات حفظ شود، محیط دانشجویی، حرکت دهنده، پیش برنده و جهت دهنده خواهد بود.
- ک انتظارات از محیط دانشجویی عبارتند از: پیشرفت علم، اندیشه سیاسی، عمق دادن اندیشه و ایمان و معرفت و روشن بینی دینی، دست یابی به قلمروهای جدید، هم در علم، هم سیاست و هم معرفت دینی به کمک راهنمایان و استادان هر بخش
- ک دانشجوی یک عنصر روشنفکر تمام عیار مسلمان و متدین است. روشنفکری لازمه اش حق طلبی، چشم باز و تکیه به منطق و استدلال است.
- ک ایستادگی شجاعانه دانشجو در مقابل انحرافات عامل اصلاح خواهد شد. البته ایستادگی به معنی تذکر و مطالبه است.
- ک افکار دانشجویی را به ایمان و عقاید دینی وصل کنید، در این صورت این افکار پس از دوران دانشجویی هم استمرار می یابد.
- ک اثرگذاری دانشجویی از طریق جهت دهی به عناصر انسانی مؤثر ممکن است مانند: خانواده، دوستان، مدیران و ...
- ک افزایش مطالعه، کتابخوانی، بحث های حقیقی دانشجویی (نه انحرافی)، خودسازی و درون سازی و نورانی کردن دل ها از وظایف دانشجویان است.
- ک دانشجویان آگاهی های خود را افزایش دهند چون بسیاری از کجروی ها ناشی از کمبود آگاهی است. آگاهی نسبت به تاریخ کشور، مسائل جهان، دشمنان کشور و ...
- ک ضرورت تشخیص نیاز زمان و داشتن برآورد درست توسط دانشجویان.
- ک ضرورت حذف فرهنگ های غلط در مورد ازدواج و برداشتن موانع آن اعم از موانع فرهنگی توسط خود دانشجویان و سایر موانع توسط مسئولان
- ک ضرورت صبر و حوصله و پیگیری و تلاش توسط دانشجویان.

- < ضرورت ورود نسل جوان دانشجو با اعتقاد و بینش صحیح و مذاق دینی به میدان کارهای هنری و نمایشی و... برای اعتلا دادن آنها در کشور.
- < ضرورت اجتناب دانشجویان از چرب و شیرین دنیا و لغزش های مادیگرایی
- < دانشجویان باید به تفکر اسلامی و کار فکری اسلامی خیلی بها بدهند.
- < نسل جوان مخصوصاً دانشجویان باید پیشرو باشند.
- < ضرورت نقش آفرینی و اثرگذاری دانشجویان در سازندگی آینده و ترسیم حرکت عمومی جامعه
- < ضرورت مشارکت همه دانشجویان در سازندگی کشور و سازندگی نفس
- < وظیفه دانشجویان و تشکل های دانشجویی، حفظ وحدت و امید، بیشتر کردن تلاش ها، نزدیک کردن دل ها و داشتن صداقت و حضور پرشور در عرصه های اجتماعی است.
- < شاگرد باید بی قید و شرط به استاد احترام بگذارد حتی اگر استاد بد و کافر باشد و دانشجویان متدین و حزب الهی باید از این استاد تجلیل کنند، چه رسد به استادی که مؤمن و مسلمان باشد.
- < محیط دانشجویی باید پاک و دانشجویی بماند.
- < ضرورت توجه، توسل، تضرع، انس با دعا و قرآن و نماز در جوانان دانشجو و جامعه علمی کشور
- < برخی از تورها و سفرهای داخلی و خارجی دانشجویی درست نیست چون هم غیرضروری است و هم در آنها زمینه خلاف و گناه وجود دارد. باید سفرها به شهرهای داخلی و جاهایی باشد که هم زمینه خلاف نباشد و هم سازنده و مفید باشد.
- < اردوهای مختلط دانشجویی کلاً خلاف است.
- < جوانان دانشجو باید دائماً تغذیه معنوی و فکری شوند.
- < ابزار کار و فعالیت فرهنگی باید در اختیار جوانان دانشجو قرار گیرد.
- < برخی از مشکلات درونی یا بیرونی دانشجویان: ابتذال و بی تفاوتی، نفوذپذیری در مقابل فرهنگ های بیگانه و مضر، آسیب پذیری در مقابل لغزش ها و انحرافات فکری و تهاجم فرهنگی، مدرک گرایی، توجه افراطی به مادیات و امور دنیوی که به علم لطمه می زند، آلت دست جریانات سیاسی و سیاسی کار شدن در محیط دانشگاه و سوء استفاده جریان های سیاسی از دانشجو، داشتن ابهامات فکری و سیاسی نسبت به مسائل کشور و جریان ها و تصمیمات مدیران، بی هویتی و عدم درک رسالت واقعی در قبال جامعه و تاریخ و آینده،

مشکلات مربوط به ارتباطات استاد و دانشجو، مدیر و دانشجو، گروه های دانشجویی با هم، برخی تعارضات دانشجویان متدین با دیگران و حتی برخی تعارضات بین خود دانشجویان متدین.

## ۱۶- دانشجویان و پیشرفت علمی کشور

- < ضرورت وجود دو عامل در دانشجویان: اول درس خواندن و تحصیل خوب و تحقیقات علمی و دوم جهتگیری فکری و سیاسی انقلابی
- < ضرورت تلاش و سخت کوشی دانشجویان در کار علمی.
- < هر دانشجویی که وارد دانشگاه شود و خوب درس نخواند مشغول ذمه است و باید نزد خدا پاسخ دهد. دانشجویان باید بعد از درس خواندن، کارهای دیگر مثل کار فکری، کار سیاسی و امثال آنها را انجام دهند.
- < محیط دانشگاه و جوان دانشجو باید مواظب تئوری های وارداتی غربی باشند.
- < دانشجویان باید به درس خواندن، کار عملی و تحقیقی و شکوفا کردن و رشد دادن استعدادهای خود اهمیت بدهند.
- < ضرورت مجاهدت علمی و عملی دانشجویان برای ساختن کشور.
- < دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند، خوب تهذیب اخلاق کند و خوب به ورزش بپردازد.
- < ضرورت دستیابی جوانان به قله های دانش و ایمان.
- < جوانان دانشجو از لحاظ علمی، جسمی، معرفتی، ایمانی و اخلاقی باید ترقی کنند.
- < دانشجویان خوب درس بخوانند، خوب فکر و معرفتشان را بالا ببرند، در محیط خودشان اثرگذار و فعال باشند و نه منفعل. اینها با معنویت و تأثیر معنوی و ارتباط با خدا به دست می آید. با نماز، مناجات و ...
- < جوانان دانشجو نباید بگذارند در دانشگاه رکود علمی و سیاسی و درسی بوجود بیاید.
- < نقش جوانان دانشجو و نخبه، خوب درس خواندن، خوب کارکردن، جدی حرکت کردن، شتاب حرکت را کاهش ندادن و در کنار تحصیل علم به تحصیل دین و تقوا و تزکیه نفس پرداختن است.

## ۱۷- دانشجویان و گفتمان عدالتخواهی

- < دانشجوی جوان باید به مسأله عدالت اجتماعی و پرکردن شکاف های طبقاتی به چشم یک آرزوی بزرگ و بی بدیل بنگرد. امروز سر آغاز فهرست بلند مسائل کشور، عدالت است.
- < احساس و انگیزه دانشجویان در مورد عدالت، پراج و مبارک است و می تواند پایه قضاوت ها و برنامه های عملی او برای حال و آینده باشد.
- < اگر عدالت، آرزو، آرمان و هدف برنامه ریزی هاست پس هر پدیده ضد عدالتی در واقعیات کشور باید مورد سؤال قرار گیرد.
- < مسابقه رفاه میان مسئولان، بی اعتنایی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه ریزان، ثروت های بادآورده در دستان تا چندی پیش تهی، هزینه کردن اموال عمومی بدون رعایت اولویت ها و در کارهای تشریفاتی، میدان دادن به عناصر زرنگ و پر رو که گلوگاه های اقتصادی به رویشان باز می شود و خلاصه پدیده خطرناک انبوه شدن ثروت کسانی که آن را هزینه کسب قدرت سیاسی می کنند و امثال آن، نقاط استفهام برانگیز برای جوان معتقد به عدل اسلامی است که از مضمونان به این امر پاسخ می طلبد.
- < نسل جوان نمی تواند نسبت به بی عدالتی ها بی تفاوت باشد.
- < دانشجویان نه باید در مقابل بی عدالتی ها سکوت کنند و نه اقدام عملی نشان دهند، بلکه باید اصل عدالتخواهی را مطالبه نمایند تا فکر عدالت خواهی در ذهن مردم جا بیفتد.
- < جنبش عدالت خواهی در جمع های دانشجویی به این معناست که این امر به عنوان یک طلب و خواسته عمده مطرح شود. این مطالبه مهم از ذهن ها دور نشود. عدالت به صورتی مطالبه شود که هر مسئولی ناچار باشد به مقوله عدالت بپردازد.
- < مطالبه عدالت از سوی دانشجویان به معنی این است که عدالت، گفتمان غالب در محیط های دانشجویی شود.
- < اقدامات در زمینه عدالت برای ماندگاری و عمق یابی پشتوانه می خواهد که آن پشتوانه مطالبه و خواست دانشجویان و جوانان است.
- < مطالبه به معنی مشت گره کردن و شعار دادن نیست، بلکه باور کردن موضوع به عنوان یک خواست مهم است که نفس این باور، اثر خود را در حرف، عمل، تعامل و حرکت مردمی و دینی و سیاسی شما می گذارد.

- < ضرورت انجام کار تئوریک در زمینه عدالت خواهی توسط دانشجویان مانند مطالعه قانون اساسی از زاویه عدالت اجتماعی و نقش دستگاه های ذیربط در آن.
- < یک لحظه از مطالبه عدالت کوتاهی نکنید. گفتمان عدالت خواهی را فریاد کنید اما انتقاد شخصی و مصداق سازی نکنید. وقتی روی یک مصداق تکیه می کنید اولاً ممکن است اشتباه کرده باشید. ثانیاً ممکن است این وسیله ای برای قانون دانان قانون شکن باشد که علیه شما استفاده کند. لذا شما اسم نیاوردید ولی پرچم عدالت خواهی را بلند کنید. وقتی این کار را کردید همه حساب کار خود را می کنند.
- < گرایش سیاسی دانشجویان به سمت عدالت خواهی باید تقویت و تحکیم شود.
- < تکرار شعار عدالتخواهی توسط جریان دانشجویی، آن را به یک گفتمان عمومی در می آورد.
- < دانشجویان گفتمان عدالت را همه گیر کنند به طوری که هر جریان و شخصی روی کار بیاید، خود را ناگزیر از تسلیم به این گفتمان ببینند.
- < ضرورت مراقبت نسبت به سوء استفاده ابزاری از شعار عدالت خواهی با انگیزه های غلط و نیز عدم حرکت در مسیر عدالتخواهی از سرغفلت یا جهل در مجموعه های دانشجویی

## ۱۸- تشکل های دانشجویی

- < ضرورت مراقب انجمن های اسلامی از نفوذ عوامل دشمنان
- < ضرورت مراقبت تشکل های دانشجویی نسبت به تحریک عوامل دشمن در دانشگاه ها
- < سیاست بازی و سیاست زدگی غلط است ولی سیاستگری به معنی درست لازم است و این از وظایف تشکل های دانشجویی است.
- < ضرورت توجه تشکل های دانشجویی نسبت به قرار نگرفتن در میدان بازی دشمن.
- < جریان های سالم دانشجویی در کنار حرکت علمی و فکری، به سمت تقویت قدرت تحلیل سیاسی هم بروند.
- < ضرورت حفظ یکپارچگی و وحدت نیروهای انقلابی و مسلمان در محیط دانشگاه و هوشیاری در مقابل تفرقه افکنی
- < یکی از کارهای جمع های دانشجویی نخبه پروری سیاسی است از طریق: ایجاد محیط بحث و استدلال، و ارزیابی فکری و تقویت روحیه امید و استحکام پایه های فکر سیاسی.
- < ضرورت تضمین حرکت صحیح جمع های دانشجویی در دوره های بعد

- < ضرورت حضور، فعالیت، پارسایی، طهارت و معصومیت، آگاهی و هوشیاری انقلابی، وحدت و یکپارچگی حقیقی، بی‌اعتنایی به انگیزه‌های گروهی و خطی در شکل‌های دانشجویی
- < شکل‌های اسلامی دانشجویی نباید خنثی‌کننده کارهای یکدیگر باشند. نباید به یکدیگر بپردازند. باید به موضوعات اصلی فرهنگی و دردهای اصلی جامعه بپردازند. نباید به هم بپرند و انتقام‌کشی و بداخلاقی کنند.
- < شکل‌های دانشجویی نباید از بیرون‌الگو بگیرند. الگو را بایستی خود دانشجویان پیدا کنند.
- < شکل‌های اسلامی دانشگاه‌ها خود را در صفوف مقدم مبارزه با تهاجم فرهنگی قرار دهند.
- < ضرورت هوشیاری نسبت به نفوذ عناصر تهاجم فرهنگی در مجموعه‌های دانشجویی
- < ضرورت گرامی داشتن شعارهای انقلاب و دفاع از آنها در شکل‌های دانشجویی و عدم سهل‌انگاری نسبت به بیگانگانی که با زبان خودی سخت می‌گویند.
- < رسالت‌های شکل‌های دانشجویی: توأم کردن حضور در دانشگاه با مجاهدت‌های اسلامی، تلاش در راه گسترش فهم و معرفت درست دینی و سیاسی، هوشیاری در قبال توطئه دشمنان برای سست کردن ایمان دینی نسل جوان و پیوند فکری و عاطفی آنان با کانون‌های اصلی نظام و انگیزه‌های آموزشی و پرورشی آنها
- < وظایف شکل‌های دانشجویی: نظم‌دهی و جهت‌دهی به کارها با هدف‌های روشن انقلاب، کسب بصیرت لازم و دید نافذ برای شناخت دشمن و روش‌های او برای خود و عموم دانشجویان، شناسایی و خنثی‌سازی فتنه‌گری‌ها و فتنه‌گرها به ویژه در محیط دانشجویی، کاهش اختلافات درون و برون سازمانی، کسب رضای الهی و خدا را حاضر و ناظر دانستن بر اعمال و نیات خود
- < اولویت‌های شکل‌های دانشجویی: مهم دانستن کسب دانش، عمق بخشیدن به ایمان، دست یافتن به معرفت دینی و مجاهدت برای حفظ طهارت و صفای دل، مطالعه در وضعیت کشور و غافل‌نشدن از چالش بزرگ دشمنان.
- < خصوصیات مهم جنبش دانشجویی: سن و انرژی و توان و نیروی جوانی، معارف و دانش‌هایی که دانشجو با آنها آشنا می‌شود اعم از علمی، سیاسی و اجتماعی، فراغت دوران دانشجویی از مسائل زندگی و آزادی نسبی از مسئولیت‌های متعدد، اجتماع دانشجویان در یک محیط خاص و تأثیرگرفتن از امواج عمومی جامعه و بازتاب منفی و مثبت نشان دادن به آنها. اگر از این خصوصیات استفاده نشود یا بد استفاده شود خطرناک است.

- < خصوصیات دیگر حرکت دانشجویی: آرمانگرایی در مقابل مصلحت‌گرایی به معنی بد آن و عشق به آرمان‌ها و مجذوب آرمان‌ها شدن، وجود صدق و صفا و خلوص و دوری از تقلب، فریب و حيله، آزادی و رهایی از وابستگی‌های گوناگون حزبی و سیاسی و نژادی و امثال آن، عدم حرکت مبتنی بر اشخاص و متکی بودن حرکت به فضا و مجموعه دانشجویی، حساسیت منفی در مقابل مظاهر ضدانسانی مثل ظلم، زورگویی، تبعیض، بی‌عدالتی، دورویی و نفاق، عدم حاکمیت احساسات صرف و وجود منطق، تفکر، بینش و تحصیل و میل به فهمیدن.
- < آفات حرکت‌های دانشجویی: سوء استفاده و طمع عناصر و مجموعه‌های ناباب، دورشدن از آرمان‌ها مانند مبارزه با آمریکا و عدالت‌خواهی، سطحی‌شدن و عدم تعمق و اشتباه نسبت به دوست و دشمن، به دام احزاب و گروه‌ها افتادن.
- < ضرورت حفظ صفا و صداقت و خلوص و پاکی روحی و قلبی دانشجویی در مجموعه جنبش دانشجویی
- < انحراف بعضی از انجمن‌های اسلامی و ضدیت آنها با اسلام و ضرورت عدم حمایت نظام و دولت از اینگونه تشکل‌ها
- < جوان بودن، دانشجوی بودن و از پیکره مجموعه فعال اسلامی بودن از خصوصیات ممتاز مجامع اسلامی دانشجویی است.
- < باید صفا، نشاط، آرمان‌خواهی و تلاش امیدوارانه با فرزاندگی و اندیشه‌ورزی و نگاه عالمانه، پرهیزکاری، پاکدامنی و تعبد دینی در تشکل‌های دانشجویی گرد هم بیایند.
- < ضرورت توجه تشکل‌های دانشجویی به آفت‌های این تشکل‌ها
- < ضرورت نزدیکی هر چه بیشتر مجموعه‌های دانشجویی با هم
- < در مرحله کنونی آن چه که باید پس از تحصیل علم در صدر فعالیت‌های دانشجویی قرار گیرد، ارتقاء فکری دانشجویان در زمینه فرهنگ و سیاست است.
- < آموختن دین و سیاست از انسان‌های امین و آگاه و رعایت پرهیزکاری و پارسایی در کار شخصی و جمعی و کمک و راهنمایی طلبیدن از خداوند دانا و مهربان، خط روشن و مسیر بی‌ظلال تشکل‌های دانشجویی است.
- < مهمترین پاسخ‌کوینده تشکل‌های دانشجویی به بدخواهان، معرفت و ایمان روشن بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است.



- < محیط دانشگاه نیازمند مشعل داران ایمان و تقوی، خود آگاهی سیاسی و تحرک و جوشش آرمان گرای دانشجویی است.
- < ضرورت هوشیاری انجمن ها و تشکل های اسلامی دانشجویی نسبت به نفوذ دشمنان در آنها
- < ضرورت تفاهم، حق بینی و نزدیک تر شدن تشکل های دانشجویی به یکدیگر.
- < ضرورت پیروی تشکل ها از حرف حق و این که جانبداری ها و مخالفت های آنان، از استدلال و منطق ناشی شود.
- < ضرورت عدم توجه تشکل ها به القائات دشمن
- < تشکل های دانشجویی با هم بی ادبانه و با بدگویی و تنازع رفتار نکنند. هر کدام از تشکل ها کار خود را انجام دهند اما با هم دوست باشند و به هم اهانت نکنند.
- < هر کدام از تشکل ها جداگانه مواضع و دلایل و دیدگاه های خود را تبیین کنند ولی بی نظمی و درگیری بین تشکل ها درست نیست.
- < مجموعه های دانشجویی که در چارچوب نظام هستند باید در کنار هم قرار بگیرند.
- < همه مجموعه های دانشجویی که با شاخص مبانی فکری و عملی اسلام و نظام حرکت می کنند مورد قبول و مطلوب هستند.
- < تشکل ها تلاش کنند نظام را تقویت کنند و به پیش ببرند.
- < تشکل ها روی شعار عدالت کار فکری و فلسفی کنند ولی کاری نکنند که نظام متهم به ناکارآمدی شود.
- < اعضاء تشکل های اسلامی از لحاظ درس خواندن باید الگوی دیگران باشند. از لحاظ حضور در میدان های اجتماعی و سیاسی هم باید شاخص باشند به طوری که دیگر جوانان از آنها الهام بگیرند.
- < ضرورت خودسازی معنوی، علمی، فکری و سیاسی اعضاء تشکل ها
- < نباید رقابت ها یا معارضه بین تشکل ها به تضعیف قوای آنها بینجامد. مجموعه ها همدیگر را حفظ کنند. منظور این نیست که همه یک جور فکر کنند، اختلاف سلیقه مهم نیست ولی معارضه و تضعیف یکدیگر غلط است.
- < دشمن روی جریان های دانشجویی سرمایه گذاری می کند تا بتواند در آنها رخنه و نفوذ کند و سربازانی در آنها تدارک ببیند. حتی به تشکل هایی کمک مالی می کند و برای مقابله با تشکل های اسلامی، جریان های موازی وابسته ایجاد می کند

- رقابت بین تشکل‌های دانشجویی خوب است البته رقابت مثبت، ولی مقابله و معارضه خوب نیست. نباید اجزای نهضت دانشجویی به دشمنان هم تبدیل شوند. رقابت مثبت یعنی رقابت در کار خیر، کارهای علمی، تحقیقی، خدمت به مردم و امثال آن
- بصیرت و صبر، نیاز جوان دانشور امروز
- جنبش دانشجویی یعنی مجموعه دانشجویی متحرک و فعال که از نیروی فکر و توان جسمی و روحی خود برای پیشرفت استفاده می‌کند.
- یکی از مسئولیت‌های جریان دانشجویی تلاش برای فهمیدن است.
- ضرورت اصولگرایی در تشکل‌های دانشجویی.
- نباید به نام اندیشه پردازی از اصول انحراف ایجاد شود.
- ضرورت شناخت درست اصول و حرکت در چارچوب آن.
- تشکل دانشجویی، حزب به معنی مصطلح نیست. احزاب برای کسب قدرت بوجود می‌آیند ولی تشکل‌های دانشجویی برای رسیدن به آرمان‌ها فعالیت می‌کنند.
- تشکل‌های دانشجویی مراقب سوء استفاده احزاب سیاسی از آنها برای قدرت طلبی باشند.
- تشکل‌های دانشجویی فرصت مناسب را برای کار دسته جمعی دانشجویان ایجاد می‌کنند که در آن مهارت‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی بوجود می‌آید. تشکل‌ها می‌توانند مصونیت بخش باشند و جوانان را از انواع انحرافات مصون بدارند.
- تشکل‌ها مواظب باشند هدف‌هایشان را گم نکنند. این هدف‌ها عبارتند از: ضدیت با استکبار، کمک به پیشرفت کشور، کمک به اتحاد ملی، کمک به پیشرفت علم و حضور و شرکت در مبارزه ملت ایران علیه دشمنان
- تشکل‌ها خود را از بدنه دانشجویی جدا نکنند و به دانشجویان نزدیک باشند. تشکل‌ها نباید موجب تقسیم دانشجویان بشوند.
- ممیزات جنبش دانشجویی در کشور ما: ضد استکبار، ضد سلطه، ضد استبداد، ضد اختناق و به شدت عدالت خواه.
- جنبش دانشجویی ضد فساد، ضد اشرافی‌گری، ضد حاکمیت تجمل‌گرایانه و زورگویانه و ضد گرایش‌های انحرافی است.
- انجمن‌های اسلامی تشکل‌شان را مستحکم و پیوند قلبی و ایمانی‌شان را با یکدیگر حفظ و تقویت کنند.

## ۱۹- دانشجویان بسیجی و بسیج دانشجویی

- < بسیج باید در میدان علم، مقدم بر دیگران قرار گیرد.
- < بسیجی بودن دانشجویان یک ارزش است. بسیج دانشجویی یک سازمان نظامی نیست.
- < دانشجوی بسیجی، عنصر نورانی و پاک نهادی است که در حال فرا گرفتن دانش و آماده سازی علمی و فکری خود برای پیشرفت مادی و معنوی ملت و کشورش است، فضا را با صفا و نورانیت خود نورانی می سازد، دشمن کمین گرفته را از یاد نمی برد، خود و دانشگاه و کشورش را به دست تجاوز دشمن نمی سپارد، جوانی را مغتنم می شمرد و از لحظه های گرانبهای آن برای خودسازی علمی و فکری و روحی بهره می برد، پیکار فرهنگی و فکری و عقلانی را مانند حضور در میدان با تکیه بر هوشمندی و تلاش و توکل پیش می برد و خود را در همه حال سرباز اسلام و انقلاب و فرزند خمینی می داند.
- < بسیج دانشجویی در عین این که یک تشکل نظم یافته و دارای سازماندهی است، نه در جناح های سیاسی هضم و حل می شود و نه خود را رقیب سازمان های دانشجویی متعارف می شمرد.
- < هر دانشجو با هر سلیقه سیاسی اگر پایبند به ارزش های انقلاب و آماده حضور در عرصه مبارزه فرهنگی و سیاسی با استکبار و ایادی آن باشد، در خیل و عضو بسیج دانشجویی است.
- < سلاح بسیج دانشجویی، ایمان صادقانه، منطق مستحکم و عزم پولادین است.
- < بسیج دانشجویی مظهر تام و تمام انسان با همتی است که غیرت دینی و دانایی فکری و نیازشناسی و ابتکار و جوشش ذهنی و خلاقیت دارد و وارد میدان می شود.
- < بسیجی بودن به میدان آوردن توانایی های خود برای آرمان های نظام اسلامی و تکاپوی امیدوارانه و هدفدار و سلوک مؤمنانه و رو به کمال است.
- < آثار و برکات فراوان بسیج دانشجویی ناشی از پیشگامی، نوآوری، دلیری در میدان علم و سیاست و دینداری و خدمت است.
- < بسیج دانشجویی سازمان نظامی نیست، تشکل دانشجویی است منتهی تشکلی که به نقطه محکم و مطمئنی مانند سپاه تکیه دارد. این تکیه، او را محدود و هویت او را نظامی نمی کند اما به او ذخیره ای از تجربه جهادی و انضباط پویا می بخشد.

- < بسیج دانشجویی مجموعه آماده برآوردن نیازهای انقلاب در هر زمان و از هر نوع است و هر کس چنین روحیه ای داشته باشد بسیجی است چه عضو این تشکل باشد و چه نباشد.
- < بسیج دانشجویی یک عنصر بی همتا و محوری در جنگ فرهنگی و جبهه فرهنگی است.
- < نیازهای بسیج دانشجویی: نیاز اول فکر و تحلیل و روشن بینی و اندیشه پردازی و کار تئوریک در زمینه اسلام و انقلاب و مسائل بین المللی و مسائل جاری است به طوری که هر دانشجوی بسیجی در هر جمعی، ذهن روشن تر و زبان گویاتر و ابتکار بیشتری داشته باشد. نیاز بعد، جهاد علمی است. نیاز بعد اخلاق و معنویت است. نیاز دیگر، وجود یک مجموعه اندیشه ورز یا اتاق فکر برای تولید فکر است. نشریات بسیج دانشجویی باید جرو غنی ترین نشریات باشد. نیاز دیگر، گزینش افراد با صلاحیت است و مراقبت نسبت به عناصر نفوذی و نیاز دیگر، حفظ تحرک و پویایی و دوری از رکود و تنبلی است.
- < بسیج یعنی همه مجموعه های فعال و متعهد و انقلابی که در دانشگاه هستند.
- < امکان ندارد دانشجویهای بسیجی و انقلابی نسبت به مسائل سیاسی بی تفاوت باشند.
- < بسیج دانشجویی باید در صفوف مقدم دفاع مقدس در تهاجم فرهنگی دشمن قرار گیرد.
- < سازمان بسیج در دوران حاضر باید کانون رشد و اشاعه تفکر بسیجی باشد.
- < بسیج دانشجویی به عمق ها توجه کند و از ظواهر هم دست نکشد. هم باطن باید اسلامی باشد و هم ظاهر. پایبندی به تعبد دینی، مجالس دعا، توسل و ... لازم است البته همراه با دانایی.
- < بسیج باید جلوتر از همه در عرصه علم باشد و عرصه های علمی، فناوری، نوآوری های علمی و آفاق ناشناخته علم را تصرف کند.
- < ضرورت درس خوان بودن دانشجویان بسیجی
- < رویکرد علمی و فرهنگی بسیج، رویکرد مبارکی است.

### ۱- نقش و رسالت نخبگان علمی

- < از حمایت و کمک به نخبگان باید دفاع شود. حمایت از نخبگان باید نخبگان یک فرهنگ شده و به یک مسئله جدی تبدیل شود.
- < نخبگان، سرمایه ها و گنجینه های کشورند.
- < بخشی از نخبه پروری مربوط به دستگاه های تصمیم گیرنده و دولتی است ولی بخش اصلی آن به عهده خود نخبگان، اساتید و آموزگاران است.
- < هدف در مورد نخبگان باید این باشد که در کشور احساس بن بست نکنند و احساس کنند می توانند از استعداد خود استفاده نمایند.
- < در دانشگاه ها جوان های نخبه نباید احساس تبعیض کنند بخصوص در پذیرش دوره های تکمیلی و دادن بورس ها
- < دلگرمی محقق و پژوهشگر و اهل علم، اساس کار است.
- < وجود تبعیض بین نخبگان و غیرنخبگان نه تنها با عدالت تناقض ندارد بلکه عین عدالت است.
- < نخبگان سرمایه های معنوی کشورند.
- < باید نگاه به علم را در جامعه بعنوان یک ثروت معنوی تقویت کنیم. نخبگان، این فرهنگ را بیش از دیگران می توانند در جامعه گسترش دهند.
- < ضرورت گسترش فرهنگ متعهد و مسئول بودن نخبگان (و نه طلبکار و متوقع صرف بودن).
- < ایجاد و گسترش فرهنگ نخبگی در جامعه مهم است.
- < نخبگان علمی در هر رشته ای باید برای تقویت و تولید علم در داخل تلاش کنند.

- < هر چه عالم تر و نخبه تر می شوید متواضع تر شوید.
- < فضای نخبگی در کشور باید از فضای تکبر به طور کلی جدا شود. نخبگان باید هر چه بیشتر توفیق پیدا کردند، متواضع تر، مردمی تر و خاکی تر شوند.
- < خواسته های کشور از نخبگان: به نیازها و مطالبات عمومی و مصالح کشور بیندیشند، به آنها پاسخ دهند و خودشان را متعهد بدانند، خود را از ملت طلبکار ندانند. همه ما بدهکار ملت و تاریخ و نسل های آینده هستیم.
- < نخبگان علمی باید کشور و انقلاب و نظام را از خود بدانند و آن را حفظ کنند.
- < وظیفه نخبگان فکری و فرهنگی در کشورهای اسلامی، تفهیم قدرت مسلمانان به آنها در مقابل استعمار است.
- < وظیفه نخبگان دانشگاه و حوزه در قبال تحول: با تحول نباید مقابله کرد، از آن باید استقبال کرد و آن را مدیریت کرد، حرکت به سمت پیشرفت و تعالی کشور را نباید با ساختارشکنی و هرج و مرج اشتباه گرفت بلکه باید آن را بامعیارهای جمهوری اسلامی و اسلام منطبق نمود.
- < باید به دنبال نخبه بودن، نخبه پروری هم بیاید و نخبگان هر رشته، به پروراندن استعدادها همت بگمارند. هم پروراندن خود و زیاد کردن معلوماتشان و هم پروراندن جوان ها و عناصر در حال رویش.
- < نخبگان، روح امید را به جوانان بدمند.
- < نخبه بودن وقتی ارزش و امتیاز مضاعف پیدا می کند که نزد خدا قبول شود و راه قبول شدنش هم این است که استعداد خود را به سود کشور و آینده کشور به کار بیندازند و قصدشان این باشد که به مردم سود برسانند، استقلال و عزت خود را حفظ کنند، رویش اندیشه های نو و خلق فرآورده های تازه را ادامه دهند و در پیشرفت کشور سهم متناسب نخبگی خود را ایفا کنند.
- < نخبه علمی باید سیاسی هم باشد و در میدان سیاست هم فعالیت کند اما تمایلات سیاسی نباید در کار علمی و پژوهشی تأثیرگذار باشد.
- < توصیه به نخبگان: غرور آنها را نگیرد، حالت خود بیش بینی و طلبکاری نداشته باشند. به پیش کسوت ها تحکم و اهانت نکنند و از ملت طلبکاری ننمایند، نخبگان برای خودشان یک نقش تاریخی و ملی تعریف کنند نه یک نقش شخصی، هدف را بالا بگیرند و همت

شان را بلند بدارند و در کار علمی، همت خود را پیشرفت و شکستن مرزهای علم قرار بدهند.

## ۲- مهاجرت نخبگان و فرار مغزها

- ◀ علت خروج و فرار مغزها و استعدادها این است که جوان نخبه می بیند راهی برای پرورش استعداد او در داخل وجود ندارد.
- ◀ پدیده مهاجرت یا فرار مغزها یک معضل و مشکل اساسی نیست. می روند تحصیل می کنند و اکثرشان برمی گردند. ما باید در داخل میدان را باز کنیم تا جوان با استعداد احساس کند می تواند در همین جا استعداد خود را به فعلیت برساند و انگیزه خارج رفتن نداشته باشد.
- ◀ در مقابل رفتن نخبگان به خارج از کشور نباید زیاد حساسیت نشان داد. بالاخره می روند و بعد از چند سال می آیند، اما ما نباید راه خروج از کشور را آن چنان هموار کنیم که نخبگان برای خارج رفتن تشویق شوند.
- ◀ مهاجرت کردن به خارج به دلیل وجود برخی از مشکلات در داخل، کار درست و اسلامی نیست و در واقع، از میدان کار و مسئولیت فرار کردن است.
- ◀ نخبگان حق دارند از مسئولان انتظار داشته باشند اما اگر آنها کوتاهی کردند، نباید این کوتاهی ها توجیه رفتن آنها به خارج بشود. باید بمانند و با مشکلات مبارزه کنند.
- ◀ رفتن به خارج برای افزایش معلومات یا تحقیق علمی خوب است اما رفتن برای برنگشتن خوب نیست.
- ◀ خروج نخبگان از کشور به طور مطلق موضوعی منفی نیست زیرا ممکن است نخبه ای از کشور خارج شود و بخواهد معلوماتی کسب کند و بعد برگردد و برای کشور مفید باشد. البته بهتر است امکاناتی را در کشور فراهم کنیم تا بماند (امکانات علمی، تحقیقی و ...) اما اگر نشد بروند ولی با حساب و کتاب، یعنی بدانند چرا می رود، می خواهد چه کند و پس از آموختن، قرار است چه استفاده ای از علم او بشود.
- ◀ اگر قرار است نخبگان بروند و از علم آنها بیگانه استفاده کند این بدترین شکل است اما اگر از علم آنها کشور خودشان بهره ببرد، مهاجرت و علم آموزی در خارج اشکالی ندارد.
- ◀ اگر کسی با نیت خدمت به ملت خودش، درس بخواند چه در خارج و چه در داخل، این ارزش است.

- < بخشی از مسئله فرار مغزها و هجرت نخبگان مربوط به امکانات است، بخشی هم به مسائل معنوی و بخشی هم به مدیریت ها مربوط است.
- < مهاجرت مغزها ابعاد گوناگونی دارد. یک بعد منفی آن فرار مغزها و خدمت به بیگانگان است.
- < ضرورت توجه به برنامه ریزی دشمن برای جذب و ربودن و دزدیدن مغزها و استعدادها درخشان
- < هدف دشمنان این است که در ایران و کشورهای جهان اسلام، مغزهای کارآمد و درخشان و استعدادها برجسته رشد نکنند. آنها دستگاه هایی برای شناسایی این استعدادها دارند تا آنها را از کودکی و نوجوانی تا جوانی و دوران به ثمر رسیدن شناسایی کنند و بدزدند.
- < سفارت‌های بیگانه از طریق برخی رسانه ها و اطلاع رسانی های خود ما، نخبگان را شناسایی و آنها را از کشور می‌برند، باید جلوی این را گرفت.
- < در خارج، به مهاجران و نخبگان ما بهای لازم داده نمی شود و شأن آنان اغلب رعایت نمی شود.
- < باید قوا و دستگاه ها به گونه ای برنامه ریزی و عمل کنند که جوانان با استعداد و مغزهای کشور، نیاز و انگیزه رفتن به خارج نداشته باشند
- < دولت باید برای مشکلات نخبگان فکر کند و آنها را برطرف کند تا انگیزه ها برای خارج رفتن کم شود.
- < دولت برای مهاجرت علمی نخبگان به خارج برنامه ریزی دقیقی داشته باشد.

### ۳- وظایف مسئولان در قبال نخبگان علمی

- < مسئولان مراقب باشند کار مربوط به نخبگان ضعیف یا متوقف نشود. البته کار تدریجی است ولی باید مستمر و پیوسته انجام شود.
- < مسئولان باید رشته تشویق و فراهم کردن امکانات برای نخبگان و استعدادها برتر را ادامه دهند.
- < باید امکانات فراهم شود تا فرد متعهد بتواند از لحاظ علمی خود را اشباع کند.
- < در دانشگاه ها باید مراکز خاصی برای استعدادها درخشان وجود داشته باشد و بخشی از بودجه دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی به آنها اختصاص یابد.



- < دانشگاه ها باید به کسانی که استعداد درخشان داشته و به خارج رفته و تحصیلات عالی کرده و برگشته اند برسند و راه را برای فعالیت علمی آنها بگشایند. مسئولان آموزش عالی و همه دانشگاه ها در این زمینه مسئولیت دارند.
- < دولت و مسئولان قدر دانشجویان المپیادی و برجستگان علمی را بدانند و برایشان امکانات فراهم کنند.
- < نخبگان فقط کسانی نیستند که در بنیاد نخبگان هستند بلکه در بین دانشجویان و اساتید هم افراد زیادی این گونه اند که دولت باید وسایل پیشرفت علمی آنها را نیز فراهم کند.
- < هدف در برنامه ریزی برای نخبگان باید تحقیر غیرنخبگان نباشد چون ممکن است آنها هم کارهای برجسته انجام دهند. جامعه، هم به بدنه فکری محتاج است و هم به نقاط ممتاز. البته برای نخبگان هم باید حساب ویژه باز کرد.
- < نخبه را باید رشد بدهیم در هر حدی که ظرفیت دارد.
- < نخبگان باید احساس کنند می توانند از استعداد خود استفاده کنند و احساس بن بست نکنند.
- < مسئولان باید در زمینه تربیت نخبگان، هم در بخش آموزش و هم پژوهش، تمرکز بیشتری داشته باشند. مسئولان در این زمینه باید با نگاه واقع بین و محاسبه صحیح و غیرمادی به مسئله نگاه کنند اگر چه در بلند مدت یقیناً اینکار ثروت و پیشرفت و رشد مادی کشور را هم به دنبال دارد.
- < باید در وزارتخانه های ذیربط و مدیریت های دانشگاهی و تحقیقاتی، نگاه مدیریتی کارآمد و پخته و سنجیده به مسائل نخبگان وجود داشته باشد.
- < ضرورت جدی گرفتن کار کارشناسی در دولت و تعامل با نخبگان و استفاده دولت از نخبگان.
- < ضرورت تعامل نظام مند نظام و مسئولان با نخبگان (حتی نخبگان مخالف) نخبگان جامعه نباید فراموش شوند. باید از نظرات اصلاحی نخبگان استفاده شود.
- < مسئولان نعمت وجود نخبگان را شکر بگذارند. این شکر سه جزء دارد: شناخت نخبگان، نعمت الهی دانستن و بعد استفاده درست از آنها.
- < ضرورت حمایت و توجه ویژه به نخبگان جوان علمی توسط دانشگاه ها و دستگاه های مسئول
- < ضرورت برداشتن موانع از مقابل کارهای علمی دانشجویان و نخبگان جوان علمی

- < ضرورت شناسایی، جذب استعدادها، هدایت صحیح، به کارگرفتن و سازماندهی صحیح نخبگان
- < مسئولان به نخبگان رسیدگی کنند و از آنها پشتیبانی و حمایت کنند.
- < باید دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزشی، امکانات لازم علمی را برای نخبگان فراهم کنند.
- < باید در نقشه مهندسی کشور در مورد نخبگان تعیین خط مشی شود.
- < ضرورت گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری از طریق: ارتقاء منزلت اجتماعی، ارتقاء سطح علمی و مهارتی، رفع دغدغه خط‌پذیری مالی در مراحل پژوهشی و آزمایشی نوآوری‌ها، کمک به تجاری‌سازی دستاوردهای آنان.
- < ضرورت تکریم و بزرگداشت نخبگان در رسانه‌ها خصوصاً رسانه ملی. نخبگان قله هستند که جوانان به آنها نگاه می‌کنند و به سوی آنها حرکت می‌کنند. نخبگان باید ترویج شوند.

## ۴- بنیاد نخبگان

- < مرکزی برای امور نخبگان لازم است تا نگاه صحیح، درست، مستمر و غیرسیاسی به مسائل نخبگان داشته باشد. شناسایی استعدادها، پرورش و هدایت آنها کار این مرکز است.
- < بنیاد نخبگان برای این است که بتواند با استفاده از همه دستگاه‌های ذیربط، نخبگان را دلگرم و احساس رضایت آنها را از محیط کار و زندگی تأمین کند.
- < کار بنیاد نخبگان عبارتست از رسیدگی به مسائل نخبگان، شنیدن حرف‌ها و حل مشکلات ویژه آنها، بررسی پیشنهادات آنها در زمینه پیشرفت امور و به طور کلی نگاه جامع به مسئله نخبه‌پروری در جامعه.
- < از جمله وظایف بنیاد نخبگان، پاسخ دادن به ابهام‌های ذهنی یک نخبه و حل مشکل او در زندگی یا تصحیح تصور نادرست از وضع کشور و امثال اینهاست
- < کارهای اصلی بنیاد نخبگان: جذب، شناسایی و سازماندهی و بهره‌گیری از نخبگان برای کشور، رفع نیازهای پژوهشی و شخصی آنها و دلگرم کردن نخبگان
- < بنیاد نخبگان می‌تواند فضای علمی کشور و چهره علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها را تغییر اساسی بدهد.

- < اداره کنندگان بنیاد نخبگان باید خود نخبه باشند و به مسائل نخبگان کاملاً آشنایی و دلبستگی داشته باشند. البته مسئول بنیاد، دولت است ولی باید دولت اداره آن را به کسانی بسپارد که شایسته باشند.
- < این بنیاد نباید در مجاری اداری حل شود و دستگاهی در کنار سایر دستگاه ها محسوب شود.
- < نباید رگه های سیاسی و سیاسی کاری و سیاست بازی در این مجموعه دخالت کند.



### ۱- اهمیت و نقش آموزش و پرورش

- < مسئله فرهنگ و تعلیم و تربیت مسئله اول نظام ماست. هیچ چیز به اندازه تعلیم و تربیت اهمیت ندارد.
- < سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی و شیاطین سیاسی عالم، سنگر مدرسه و تعلیم و تربیت و فرهنگ است.
- < آینده کشور در دست‌های آموزش و پرورش و معلمان کشور است.
- < بهترین نسل‌ها و آماده‌ترین آنها برای تعلیم و تربیت در اختیار آموزش و پرورش است.
- < پایه اول شخصیت انسان‌ها در سنین نوجوانی و آغاز جوانی در اختیار آموزش و پرورش است.
- < حساسترین و مهمترین بخش اداره کشور آموزش و پرورش است.
- < ثروت اصلی هر ملتی، نیروی انسانی آن است، آموزش و پرورش این ثروت را از حالت بالقوه به بالفعل در می‌آورد.
- < اعتقاد به مسأله تعلیم و تربیت، یک اعتقاد عمیق و بنیانی و اصولی و ایدئولوژیک است.
- < هیچ تحولی صورت نمی‌گیرد مگر اینکه دستگاه تعلیم و تربیت در آن نقش اساسی دارد.
- < آموزش و پرورش سنگ بنای آینده کشور است.
- < آموزش و پرورش دیربازده است ولی بازده آن حیاتی، تعیین کننده و ماندگار است.
- < مشکلات اخلاقی و رفتاری و علمی و .. ریشه در آموزش و پرورش دارد.

- < آموزش و پرورش مهمترین دستگاه مولد ماست. یک دستگاه مصرف کننده نیست.
- < باید برای آموزش و پرورش مایه گذاشت که فقط هم پول نیست، مهمتر از پول، فکر است.
- < پرداختن به آموزش و پرورش و اهمیت دادن به معلم، یک اصل مهم و درجه اول در نظام اسلامی است.
- < اگر کشوری بخواهد به عزت مادی، سعادت معنوی، سیطره سیاسی، پیشروی علمی، آبادانی زندگی دنیا و هر آرزوی دیگر دست پیدا کند باید به آموزش و پرورش به عنوان یک کار بنیادی و مقدماتی لازم بپردازد. چون همه این کارها نیروی انسانی احتیاج دارد و تربیت نیروی انسانی هم در آموزش و پرورش انجام می شود.
- < آموزش و پرورش خانواده ها را هم می تواند تحت تأثیر قرار دهد.
- < دانش‌آموزان عزیزترین و سرشارترین سرمایه و ذخیره آینده این ملتند.
- < تأکید بر ارزش و اهمیت قشر بزرگ دانش‌آموز برای حال و آینده کشور.
- < در مدارس همت باید بر این باشد که بچه‌های ما در قلمرو اعتقاد، تربیت و اخلاق و تعهد علمی، انسان‌های متدین و مسلمان بار بیایند.
- < تقسیم علوم و پیدا کردن اولویت‌ها و چگونگی گرایش دانش‌آموزان به رشته‌های علمی، کارآموزش و پرورش است.
- < بچه‌ها باید با وجدان اسلامی تربیت بشوند.
- < آنچه که بیش از همه باید در آموزش و پرورش توجه شود، اعتقاد و عمل اسلامی است که باید در دانش‌آموزان احیا شود. خلاءهای تربیت دینی در خانواده‌ها باید در آموزش و پرورش جبران شود.
- < کودکان باید علماً، عملاً، اعتقاداً و اخلاقاً به یک آدم متدین تبدیل شوند. البته روحیه دانش دوستی هم جزو تربیت اسلامی است. پیشرفت مراتب علم هم اساس کار در آموزش و پرورش است.
- < بچه‌ها باید با وجدان اسلامی تربیت بشوند.
- < سرلوحه و محور در آموزش و پرورش، در تنظیم کتاب‌ها، تربیت معلم، نظارت بر کار بخش‌های مختلف و آموزش دهندگان و مدارس باید مبتنی بر این باشد که آیا تفکر اسلامی به بچه‌ها منتقل می‌شود و مسلمان سازی کودکان محور است یا نه. ما در این جهت کمبود داریم که باید برطرف کنیم .

- < عمل مسئولان و مدیران و معلمان در آموزش و پرورش یک عمل جهادی و مجاهدت در راه خدا است
- < محیط جامعه اسلامی باید مثل یک مدرسه، محیط تعلیم و تعلم و یاددادن و یاد گرفتن باشد
- < امروز تکلیف مهم مردم آن است که به آموزش و پرورش کمک کنند. مردم در مدرسه سازی کمک کنند خصوصاً پولدارها و متمکین.
- < کمک به آموزش و پرورش یک وظیفه است.
- < دولت باید سعی کند مشکلات معلمان و کارکنان آموزش و پرورش را کم کند.
- < در تعلیم و تربیت باید به جهت آن، که برای خدا بودن است، توجه شود.
- < ارزش معلم و تربیت و تعلیم براساس جهت آن است. اگر جهت، درست و خدایی باشد ارزشمند است در غیر این صورت ضد ارزش است.
- < نفس و ماده کار در آموزش و پرورش تعیین کننده نیست، روح و جهت آن مهم است.
- < مسئولان آموزش و پرورش نباید روی جوانان کار سیاسی و حزبی و بانندی کنند. این خیانت است.
- < مسئولان آموزش و پرورش از ورود در مناقشات جناحی و حزبی و اختلافات سیاسی اجتناب کنند. البته باید دید سیاسی و آگاهی سیاسی داشته و صاحب نظر باشند و قدرت تحلیل داشته باشند اما جناح بندی و مناقشات سیاسی درست نیست.
- < ضرورت هوشیاری در برابر توجه احزاب و جناحها و جمعیت‌های سیاسی به آموزش و پرورش برای استفاده سیاسی از آن.
- < همه تلاش امور تربیتی باید تربیت کردن جوان مسلمان و مؤمن و بیدار باشد. جوان مؤمن و آگاه، روشن بین در مسائل دینی و پایبند به معارف اسلامی.
- < حذف جریان امور تربیتی از آموزش و پرورش غلط است. همه سطوح درسی باید حامل پیام‌های تربیتی و معرفتی و دینی باشد اما این منافات با وجود معاونت پرورشی ندارد.
- < تربیت در کنار تعلیم حتماً لازم است. امور تربیتی باید جدی گرفته شود. نباید آن را در همه سطوح آموزش و پرورش حذف کرد. حداقل نیمی از کار آموزش و پرورش، تربیت و پرورش است.
- < اگر بچه‌ها علم و تخصص کسب کنند اما تربیت اسلامی نداشته باشند، هر چه عالم تر باشند ارزش منفی دارد.

- < امور تربیتی باید حفظ شود ولی ارتقاء و پیشرفت داده و تکمیل شود. ایستایی و جمود خوب نیست اما اصل قاعده را باید حفظ کرد.
- < تعلیم کاری بسیار ظریف و دقیق است. تعلیم فقط این نیست که مجموعه‌ای از معلومات را به دانش‌آموز بدهیم، تعلیم، ساختن ذهن و فعال کردن مغز و ایجاد شوق دانستن در دل متعلم است.
- < بچه‌ها باید با شوق و ذوق درس بخوانند والا درس خواندن آنها ارزشی ندارد و پیشرفت هم نمی‌کنند.
- < پرورش فقط دیندار شدن و عمیق شدن ایمان نیست، پرورش تأثیر خود را در رفتارها، برخوردها، رشد شخصیت، تقویت اعتماد به نفس و جوشاندن چشمه استعداد نشان می‌دهد.
- < برجسته‌ترین فکرها باید برای آموزش و پرورش و فلسفه اسلامی آن و افق آینده و راه‌ها و روش‌های آن برنامه‌ریزی کنند.
- < باید در انتخاب و تربیت معلم و سازماندهی کار، جایگاه جریان پرورشی حفظ شود.
- < لزوم توجه ویژه به آموزش و پرورش از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مسئولان کشور.
- < باید از نفوذ افکار و رفتارهای انحرافی در آموزش و پرورش به جد جلوگیری کرد.
- < آموزش و پرورش برای حل مسائل اساسی این بخش به یک اتاق فکر احتیاج دارد.
- < تصمیمات در آموزش و پرورش نباید سلیقه‌ای باشد و از الگوهای غربی تقلید کنیم.
- < ضرورت اجتناب از روش‌های آزمون و خطا در آموزش و پرورش.
- < اگر در مدیریت آموزش و پرورش به مسئله عدالت توجه کنیم، در آینده عدالت نسبی بین قشرها و مناطق کشور برقرار خواهد شد. ولی اگر نگاه عدالت محور در آموزش و پرورش نداشته باشیم، اختلاف طبقاتی در آینده روز به روز بیشتر خواهد شد.
- < نگاه ضد عدالت محور در آموزش و پرورش این است که در برخی نقاط کشور مدارس پیشرفته‌ی مجهز و در برخی دیگر مدارس محروم کپری یا شبیه به آن داشته باشیم. در برخی جاها معلم ممتاز برجسته و در برخی دیگر معلم خسته یا کم‌سواد باشد که نتیجه چنین وضعیتی محروم شدن جمعی از کودکان از آموزش خوب و عدم رشد استعدادهای آنهاست.



- ◀ عدالت به معنی برخورد یکسان با استعدادها نیست بلکه ایجاد فرصت های برابر برای رشد استعدادهاست. البته برای استعدادهای برجسته هم باید تدبیر ویژه شود. پس معیار فقط استعداد است.
- ◀ اقتصاد و سیاست و جامعه ی مبتنی بر علم و علم محور، جزو شعارهای امروز دنیاست. اگر بخواهیم از قافله حرکت جهانی عقب نمانیم و نقش پیشرو ایفا کنیم چاره ای جز نگاه مبنایی و اساسی به آموزش و پرورش نداریم.
- ◀ تأکید بر عدم ضرورت تعلیم زبان انگلیسی در مقطع دبستان و پیش دبستان به دلیل این که حامل فرهنگ غرب است و زبان فارسی را که زبان رسمی است تضعیف می کند.
- ◀ با فراگرفتن زبان صد در صد موافقم، همه زبان ها، منتهی نباید جزء فرهنگ جامعه شود.
- ◀ عدم ضرورت آموزش های جنسی در آموزش و پرورش چرا که دریدن پرده حیا و عفاف است.
- ◀ فلسفه را باید از دوره دبستان به کودکان تعلیم داد البته با زبان کودکی
- ◀ امروزگسترش کمی آموزش و پرورش در اولویت نیست. گسترش کیفی اولویت دارد.
- ◀ ضرورت متقن و محکم بودن مطالب دینی و معارفی در آموزش و پرورش
- ◀ قرآن در آموزش و پرورش مهجور واقع شده است. جای قرآن در همه مقاطع درسی خالی است و باید فکری برای آن شود البته نه به صورت تحمیلی و دفع کننده بلکه به شکل صحیح
- ◀ در نظام برنامه ریزی کشور و تقسیم منابع مالی و بودجه، آموزش و پرورش را نباید یک دستگاه مصرف کننده در نظر گرفت. باید به عنوان یک دستگاه تولیدی به آن نگاه کرد که مهمترین عنصر را برای پیشرفت کشور تولید می کند، یعنی انسان.
- ◀ پول دادن به آموزش و پرورش، ذخیره سازی یک ثروت عظیم معنوی است که بتدریج برای آینده کشور و ملت خرج می شود.
- ◀ تأکید بر وظیفه دانش آموزان در دینی و انقلابی کردن محیط مدارس
- ◀ آموزش و پرورش باید به گونه ای عمل کند که در هیچ جای کشور خلاء تعلیم و تربیت باقی نماند.
- ◀ باید به روزی برسیم که قشر معلم غم و تشویش زندگی مادی نداشته باشد و بتواند به کار تعلیم و تربیت پردازد.
- ◀ وظیفه اصلی آموزش و پرورش، پرورش و شکوفاکردن استعدادهاست.

- < کودک باید از آغاز برای ذهن مولد و مبتکر آماده شود. تربیت های اولیه علمی و ذهنی در پیشرفت بعدی بسیار مهم است.
- < اهمیت برنامه های درسی و علمی در آموزش و پرورش.
- < نویسندگان کتاب های درسی، رازها و رمزها و درس های نماز را در کتاب ها بگنجانند.

## ۲- جایگاه و نقش معلمان

- < نقش معلم و مربی در جامعه ما نقش طراز اول است.
- < معلمان و مربیان و نسل جوان هستند که فردا را می‌سازند و استکبار جهانی را مایوس می‌کنند.
- < همه باید سعی کنند معلم باشند یعنی چیزی را که می‌دانند به دیگران تعلیم دهند.
- < ارزش معلم به دلیل ارزش علم است.
- < معلمی ادامه سلسله پیامبری است.
- < نقش معلم، تربیت نیروی انسانی کارآمد برای کشور است
- < تکریم نسبت به معلم و بزرگداشت او آثار بسیار مثبتی را در فرهنگ جامعه و تعلیم و تربیت باقی می‌گذارد.
- < معنی بزرگداشت معلم این است که در جامعه هر کس احساس کند به معلم خود و سایر معلمان، قلباً و روحاً احترام می‌گذارد و او را بزرگ می‌شمارد.
- < احترام به معلم بزرگترین مشوق تعلیم و تربیت است.
- < احترام به معلم در اسلام برای ترویج تعلیم در جامعه است.
- < انسان باید خود را در مقابل معلم، ذلیل و کوچک کند. انسان در مقابل هیچ کس نباید خود را کوچک کند. ولی معلم ( و نیز پدر و مادر ) استثنا هستند.
- < اگر معلمان در جامعه دلخوش باشند تعلیم رایج خواهد شد.
- < به معلم بودن اهمیت بدهید. معلمی افتخاری است که فوق خیلی از چیزهاست. افتخار کردن به معلمی یکی از بزرگ ترین ارزش های نظام است.
- < همه باید در جامعه در حال تعلم و یادگرفتن باشند در عین حال همه باید سعی کنند معلم باشند.

- < وظیفه معلمین تربیت نسل های رو به رشد است. نسلهایی که باید برای مبارزه با استکبار تربیت شوند و هوشیاری و ایمان کامل و تلاش همه جانبه داشته باشند.
- < معلم، مرکز دایره و محور حرکت علمی و تربیتی نسل جوان و نوجوان است.
- < معلم، محور حرکت جامعه و معیار کار درست در جامعه است.
- < معلم، هم در محیط مدرسه توسط دانش آموزان و هم در جامعه توسط مردم باید تکریم شود.
- < معلم ایرانی مسلمان باید تلاش کند تا همه استعداد این ملت تجسم و تبلور پیدا کند.
- < معلم باید نوجوانان را با روحیه کار، استقلال و علم طلبی پرورش دهد نه با روحیه مدرک طلبی.
- < یکی از کارهایی که وجدان کاری لازم دارد تعلیم و تربیت است. معلمان باید با وجدان کاری کار کنند.
- < وقتی از علم تعریف می کنیم در واقع از معلم تعریف می کنیم.
- < همه انسان های یک جامعه پیشرفته واسلامی، رهین معلمند چون معلم آنها را تربیت کرده و شخصیت آنها را شکل داده است.
- < معلم بزرگ ترین کارها را می کند، انسان می سازد یعنی عزیزترین فرآورده عالم خلقت را می سازد.
- < معلم کسی است که انسان را چنان پرداخت می کند که گوهر وجود و نورانیت او تلالو کند و خود را نشان دهد.
- < معلمان باید به عظمت کاری که دارند توجه کنند و در قبال آن احساس مسئولیت نمایند.
- < معلمان، با عزیزترین، آسیب پذیرترین و مؤثرترین اقشار یعنی جوانان و نوجوانان مواجهند.
- < توسعه فرهنگی و سیاسی جامعه یعنی اینکه جامعه احساس کند می تواند درست بیندیشد و بفهمد و فرا بگیرد. این کار، کار معلم است و آن را معلم پایه گذاری می کند.
- < کارهای مهم معلم: خصوصیات اخلاقی خوب را در بچه ها پرورش دهد، معلومات خوب را به کودک آموخته و فکر کردن را به او بیاموزد و استقلال رأی و ایستادگی در مقابل باطل و مجاهدت در راه حق را به کودک تعلیم دهد.
- < معلم علاوه بر درسی که به بچه ها می دهد، با نگاه خود، اشاره خود، لبخند خود، اخم خود، حرکتی که انجام می دهد و لباسی که می پوشد، بر دانش آموز اثر می گذارد.

- < معلم می‌تواند بچه‌ها را شجاع یا ترسو، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، اهل علم و فرهنگ و فهم یا منجمد و بسته و پایبند به تفکرات جامد بار بیاورد. معلم می‌تواند بچه‌ها را متدین، باتقوا، پاکدامن یا خدای ناکرده بی‌بند و بار تربیت کند.
- < عزیز داشتن معلم در جامعه و کشور، عزیز و گرامی داشتن علم و تعالی و پیشرفت انسان است.
- < ملتی که قدر معلم و فرهنگ را نداند، به هر جا هم که برسد باز آسیب پذیر است.
- < حرمت معلمی در جامعه باید احیا شود آن چنان که اسلام برای معلم معین کرده است.
- < باید کاری کنیم که معلم در دل‌های خانواده‌ها و آحاد مردم و جوانان و دانش‌آموزان، کرامت و ارزش داشته باشد.
- < باید در بخش تربیت معلم سرمایه‌گذاری معنوی و مادی بشود.
- < علم و تعهد و تدین و روحیه انقلابی باید به عنوان ذخیره‌های حقیقی و مؤلفه‌های اصلی شخصیت معلمان بوجود آید.
- < کاری که برعهده معلم است یکی از بزرگ‌ترین کارهایی است که بشر می‌تواند انجام دهد. تولید او مهمترین تولید است یعنی تولید انسان فرزانه و آگاه و کارآمد. معلم کسی است که چشمه‌های استعداد را در وجود انسان‌ها جاری می‌کند و این ماده خام انسانی (کودک و نوجوان) را به یک شخصیت انسانی کارآمد، با فکر و مفید برای جامعه و کشور و تاریخ تبدیل می‌کند.
- < همه دست‌های قدرتمندی که تاریخ را به حرکت در آورده‌اند، به دست معلمان قدرت پیدا کرده‌اند.
- < اگر مراقبت و مهربانی و زحمت و تلاش معلم نسبت به بسیاری از استعدادها نباشد این استعدادها در وجود انسان‌ها دفن خواهد شد و از بین خواهد رفت.
- < اگر معلم یک عضو تشریفاتی جامعه به حساب بیاید و یا در برنامه‌ها و سیاست‌ها و قوانین، پشتیبانی از معلمان فقط حالت اقتصادی به خود بگیرد و جنبه انسانی و اخلاقی و ارزشی معلم نادیده گرفته شود، این اهانت به معلم است.
- < اگر فرهنگ اسلامی بر جامعه حاکم باشد، همه مردم باید خود را مدیون معلم بدانند چون معلم کسی است که ماده خام انسانی را به یک نیروی فعال، سازنده، جوشان، مفید، متخصص و عالم تبدیل می‌کند. این بزرگترین کاری است که در عالم طبیعت ممکن است انجام بگیرد.

- < تشکیل هویت نسل جدید به دست معلم است یعنی نقش معلم حتی از نقش خانواده و پدر و مادر هم مهمتر است.
- < منزلت معلمان با بخشنامه و دستور به دست نمی آید و حکمی نیست، منزلت معلمان با یک روند تدریجی بوجود می آید به شرط این که اعتقاد وجود داشته باشد.
- < منزلت معلم فقط تکریم و احترام به معلم نیست، منزلت معلم یعنی توجه به تأثیرگذاری معلم در روند تاریخی و فرهنگی یک ملت.
- < معلمان بچه ها را متدین بار بیاورند. حتی معلمان فیزیک و ریاضی و زیست شناسی و امثال آنها چه بسا بیش از معلم دینی بتوانند با یک اشاره و بیان یک نکته، در متدین کردن بچه ها مؤثر باشند.
- < اگر می خواهیم کشور پیشرفت کند و رتبه اول علمی منطقه را حائز شود، تنها در سایه انگیزه دینی و ایمان امکان پذیر است که ایجاد آن کار معلمان است.
- < مراکز تربیت معلم خیلی مهم هستند.
- < به معلم باسواد، مطلع، کاردان و حرفه ای نیاز داریم.
- < معلم به معنی عام کسی است که در دل انسان چراغی روشن می کند و او را از جهالت به دانایی و معرفت رهنمون می شود.
- < هر کس، چه در آموزش و پرورش، چه دانشگاه، چه حوزه و چه در محافل دیگر، به مردم چیزی را یاد بدهد و حقیقت با ارزشی را برای آنها روشن یا معرفتی بر معرفت های آنها بیفزاید، دارای شأن معلمی است.
- < معلم به معنی خاص آن یعنی کسی که در آموزش و پرورش تعلیم می دهد، یک نقش استثنایی دارد که هیچ کدام از معلمان به معنی عام ندارند.
- < آموزش و پرورش و مدارس یک کارگاه عمومی آموزشی برای همه افراد جامعه است آن هم در دورانی که از لحاظ فراگیری، هیچ دوره ای از عمر انسان مانند آن نیست یعنی دوره طلایی ۶ تا ۱۸ سالگی و معلم، نقش آفرین این کارگاه عظیم است.
- < معلم در حساس ترین نقطه ایستاده و رتبه بالا و عالی دارد.
- < در آموزش و پرورش میدان دار اصلی معلم است. همه عوامل برای این است که معلم بتواند کارش را خوب انجام بدهد. بتواند ماده خام انسانی را که به او می دهند به یک ماده با ارزش افزوده بالا تبدیل کند که قابل مقایسه با ارزش افزوده هیچ مصنوع دیگری نیست.

- < معلمان باید انسان‌های شجاع، مستقل، عاشق میهن و مفاخر ملی، پاکدامن و پرهیزکار و مؤمن، با استعداد و دارای اعتماد به نفس و خودباور بسازند.
- < معلم نه فقط با درس خود بلکه با شخصیت خود روی دانش آموز اثر می‌گذارد. معلم عاقل، عالم، خویشتندار، خوشبین، نافذ، امیدوار به آینده و اهل کار جمعی، دانش آموز را همین طور بار می‌آورد.
- < جامعه معلمین یک جامعه پاکیزه، پاکدامن، متعهد، کوشا، صبور، علاقمند و متعهد به کار خود هستند.
- < نقش معلمان در دوران دفاع مقدس، هم در خود جبهه‌ها و هم در جهت دهی دانش آموزان به سوی جبهه‌ها، نقش مهمی بود.
- < معلمان نقش خود را به درستی بشناسند و آن را موهبت الهی بدانند.
- < در هویت بخشی به انسان‌ها عوامل متعددی نقش دارند مانند والدین، محیط و حوادث اجتماعی، مسائل تبلیغی و رسانه‌ای ولی نقش معلم بارزتر و برجسته‌تر است. معلم حتی می‌تواند انسان را از عوامل وراثتی هم نجات بدهد.
- < معلم باید دانش آموز را عالم، فکور، دارای روح تحقیق و علاقمند به آن، شریف، نجیب، خیرخواه، خوشدل و پاک نفس، خوشبین، دارای اعتماد به نفس، امیدوار و علاقمند به کار و فعالیت، متدین، پارسا و پاکدامن تربیت کند.
- < جامعه به انسان‌های مؤمن، پرانگیره، صبور، امیدوار، خوشبین، علاقمند به منافع عمومی و رسیدن به قله‌های کمال شخصی و جمعی، با ابتکار، متفکر، اهل تحقیق و پیشروی نیاز دارد و معلم چنین انسانی را می‌سازد.
- < معلمان برای انجام کار خود به راهنمایی روشن‌بینان و متفکران جامعه و متخصصان تعلیم و تربیت نیاز دارند.
- < معلمان دانش آموزان را در سمت و سوی نماز به حرکت درآورند.
- < در مدارس، معلمان و مدیران با حضور خود در صفوف نماز، دانش آموزان را تشویق کنند.
- < معیشت معلمان مسئله مهمی است و باید به آن برسند لکن مسأله ارزش و اهمیت معلم، در معیشت خلاصه نمی‌شود.
- < مشکلات مادی نباید یک معلم دیندار و متعهد را از پایبندی به وظایف معلمی باز بدارد.
- < در مورد معلمان آن چه که مهمتر از معیشت است قدرشناسی و ارزشگذاری و حرمت پیدا کردن آنان در جامعه است.

- < ارتقاء رتبه معلمان از لحاظ کیفیت و آمادگی، تجربه، دانش و فرهنگ مهم است.
- < باید از معلمان حمایت و دفاع کرد.
- < تقویت معنویات و کمک به اصلاح زندگی معلمان لازم است.
- < معلم باید رشته بردگی را که چند قرن به دست و پای ایرانی مسلمان بستند باز و حس اعتماد به نفس را در او زنده کند.
- < این که معلم فیزیک یا ریاضی یا طبیعی از فرصت کلاس استفاده و نکته‌های تربیتی را بیان کنند بسیار خوب است، باید برای این کار برنامه ریزی و اقدام شود، ولی این به معنی حذف معاونت پرورشی نباید باشد.

### ۳- تحول در آموزش و پرورش

- < آموزش و پرورش در کشور ما از ابتدا براساس یک هندسه درست پایه‌گذاری نشده است و اکنون باید اصلاح شود.
- < اگر آموزش و پرورش اصلاح شود، در اقتصاد، بهداشت و سلامت، محیط زیست، مرگ و میر، باروری، زیبایی و هنر، رفتارهای اجتماعی و حتی در دین و فلسفه و اخلاق هم تأثیر خواهد گذاشت.
- < آموزش و پرورش باید از روزمرگی بیرون بیاید و از اسارت در چارچوب‌ها و روش‌های متحجر و منسوخ آزاد شود.
- < آموزش و پرورش به یک تحول اساسی و تغییر بنیادی براساس نیازها و اهداف والا و امکانات عظیم کشور نیاز دارد.
- < طراحان فکور و اندیشمند در زمینه سازماندهی، شکل دادن به محیط‌ها و کلاس‌های درسی و محتوای آنها و تربیت معلمان و ترسیم خطوط روشن، در آموزش و پرورش کارهای تحول‌آميز بکنند.
- < تحول در آموزش و پرورش باید از درون آن انجام شود نه از بیرون
- < باید مشخص شود در تحول آموزش و پرورش چه کارهایی با چه اهدافی و چگونه باید انجام بگیرد.

- < آموزش و پرورش کنونی ساخته و پرداخته فکر و برنامه و فلسفه ما نیست. آموزش و پرورش در کشور براساس دین زدایی و ایمان زدایی و ضدیت با دین و نیز ضدیت با ملیت به معنی نفی هویت ملی پایه گذاری شد.
- < الگوی نظام آموزش و پرورش ما غرب زده، تقلیدی و مبتنی بر باورها و مبانی غربی بود که با پیشرفت و تطور و تحول غربی ها هم پیشرفت و تحول نیافت بلکه به شکل اولیه و قدیمی باقی ماند.
- < دو عیب بزرگ نظام آموزش و پرورش در زمان طاغوت : ضدیت با دین، ترجمه ای و وابسته و تقلیدی بودن
- < بعد از انقلاب خیلی کارها در آموزش و پرورش انجام شده ولی نظام آن تحول پیدا نکرده است.
- < حفظی بودن، کهنه بودن، متراکم بودن و غبار گرفته بودن، از اشکالات نظام آموزش و پرورش است که از قدیم باقی مانده است. تغییرات بعد از انقلاب عمدتاً روبنایی و سطحی بوده است. اصلاح کتاب های درسی و امثال آن تحول در نظام آموزش و پرورش نیست. تحول بسیار ریشه ای تر است
- < در تحول باید محصول و خروجی آموزش و پرورش را تعریف کنیم بعد بینیم برای تربیت چنین محصولی باید چه کارهایی انجام شود و چه تغییراتی در آموزش و پرورش صورت گیرد. این همان تحول حقیقی و بنیانی است.
- < محصول ما باید انسانی باشد با برجستگی های اخلاقی و فکری و ذهنی، متدین، از نظر اخلاقی شجاع، خوشخو، خیرخواه، خوش بین، امیدوار، بلندهمت، مثبت در قضاوت ها و دارای خصوصیات اخلاقی یک انسان مطلوب . از لحاظ فکری خلاق، پرسشگر، اهل فکر و نوآوری، مایل به ورود در میدان های ناشناخته و کشف دانستنی ها و مجهولات و صاحب فکر و از لحاظ رفتاری، منضبط و قانون شناس.
- < فلسفه آموزش و پرورش باید تدوین و مشخص بشود تا براساس آن نظام مطلوب به دست بیاید و سپس آن نظام با برنامه های گوناگون تکمیل شود. بخش مهم و اساسی کار، اجرای تحول است که به انسان های مستعد و لایق نیاز دارد.
- < تحول در آموزش و پرورش، کوتاه مدت نیست. بلند مدت است و لاقلاً ۱۵ سال زمان می برد.



- < در تحول نظام آموزش و پرورش باید به نیازها و سنت های کشور هم توجه کرد و البته از تجربیات دیگران هم حداکثر استفاده را نمود نه این که از دیگران تقلید محض کنیم.
- < آموزش و پرورش باید با توجه به تحولی که کشور دارد و آینده ای که براساس چشم انداز ۲۰ ساله ترسیم شده، متحول شود
- < آموزش و پرورش باید از روزمرگی خلاص شود و برنامه طولانی مدت داشته باشد.
- < شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش در تحول نقش مهمی دارند.
- < تحول در نظام آموزش و پرورش باید با هدف ارتقاء کیفی آن براساس نیازها و اولویت های کشور در سه حوزه دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش آموزان انجام گیرد.

#### ۴- آموزش و پرورش، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم

- < باید خودمان را در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن تجهیز کنیم و یکی از مهم ترین تدابیر آن، تربیت جوانان و نوجوانان و کودکان با تربیت اسلامی است.
- < در عرصه تهاجم فرهنگی، معلمان سربازان و مدافعان جبهه فرهنگی انقلاب هستند و باید دفاع و مقابله کنند.
- < ضرورت شناخت دقیق معلمان از مهاجم فرهنگی و فرمانبری از فرمانده فرهنگی
- < دشمن بیشترین توجهش به محیط دانشگاه و مدرسه است.
- < معلمان باید دانش آموزان را به گونه ای بار بیاورند که بتوانند در مقابل تهاجم دشمنان ایستادگی کنند.
- < تلاش دشمن، سوء استفاده از خواسته های صنفی معلمان و از آن طریق، مواجهه با نظام و انقلاب است که معلمان باید در مقابل آن، هوشیار باشند.
- < تلاش دشمن این است که در روند حرکت سریع و رو به جلو در آموزش و پرورش اختلال ایجاد کند.
- < یکی از آماج های اصلی تهاجم و توطئه دشمن، معلمان و آموزش و پرورش هستند. دشمن، هم در زمینه اختلال در پیشرفت علمی و هم ایجاد اختلال در وحدت اجتماعی تلاش می کند.

◀ ضرورت مقابله با تلاش دشمن برای ایجاد تردید اعتقادی در جوانان و دانش‌آموزان و سرگرم کردن آنها به امور پست دنیوی مانند موسیقی های لهوی، سرگرمی های انحرافی و مواردی از آن قبیل.